



(اعلامیه شماره ۱)

## خواست‌های خلق ترکمن

خواست‌های برحق خلق ترکمن جزئی جدائی ناپذیر از خواست‌های خلق‌های میهنمان است. ما با اعتقاد عمیق به وحدت و یکپارچگی میهن پرافتخارمان ایران، به درستی باور داریم که این وحدت تنها در پرتو روابط آزادانه و برابری همه خلق‌های میهن میسر است. یگانگی خلق‌های ما نه از طریق سلطه‌گری و اعمال زور، بلکه از راه آزادی، برابری و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای آنها میسر می‌شود. حقوق خلق‌های ایران، خود جزئی از حقوق اساسی زحمتکشان است که با کوشش خود بقای جامعه را تضمین می‌کنند تا بودی استعمار و از میان برداشتن استعمار و پی‌ریزی یک جامعه دموکراتیک، تنها چیزی است که در نهایت ستم‌کاری‌ها و بی‌عدالتی‌ها را پایان می‌دهد. آنچه که در مواد مختصر زیر تحت نام خواست‌های خلق ترکمن می‌آید بخش کوچکی از این خواستها بود. و به اعتبار انطباقی که با اهداف نهائی همه خلق‌های تحت ستم و رنجبران میهنمان دارد، بی‌گمان در انظار همه مردم ایران به صورت خواست‌های برحق خلق پذیرفته خواهد شد.

- ۱- تشکیل شوراهای انقلابی از طریق رأی آزادانه مردم ترکمن برای دفاع از حقوق حقه خلق‌ها و به‌ثمر رساندن خواست زحمتکشان شهر و روستا.
- ۲- تقسیم زمین‌های خاندان منفور پهلوی و دیگر غاصبان زمین میان دهقانان بی‌زمین، تحت نظر شوراهای دهقانی.
- ۳- لغو کلیه دیون و بدهی‌ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و کارمندان جزء به‌بانک‌ها و مؤسسات دولتی.

۴- لغو تمام محدودیت‌های ملی و فرهنگی، سپردن مصالح خلق ترکمن به دست خلق ترکمن که باید خود در تعیین سرنوشت خویش اقدام کنند و در چهارچوب ایرانی آزاد و یکپارچه، به طور کامل از آزادی‌های فرهنگی، مذهبی و دیگر آزادی‌ها برخوردار باشند.

۵- تشکل جغرافیائی خلق ترکمن بدین شکل است که از بندر ترکمن تا جوگلان (جرگلان) باید تحت سیستم اداری و مشترک به مرکزیت گنبد درآید. دیگر تقسیم بندی‌ها نمی‌تواند حقوق کامل خلق ترکمن را رعایت کند.

۶- ارتش خلق برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب و دفاع ملی از نیروهای انقلابی تشکیل شود و سربازان و افسران ترکمن باید حتی المقدور در ترکمن صحرا خدمت کنند.

۷- باید دادگاه‌های انقلابی تشکیل شود و عمال ساواک و مزدوران رژیم سابق مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرند و در مورد محاکمه مسئولین فاجعه گنبد هرچه سریعتر باید اقدام شود. در ضمن تبلیغات سوء روزهای اخیر در مورد حوادث گنبد که علیه خلق ترکمن و فدائیان آنجا انجام گرفته قطع شود و حقایق همانطور که اتفاق افتاده از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع مردم ایران برسد.

۸- ماهرگونه انحصارطلبی و انتصاب را به شدت محکوم می‌کنیم و معتقدیم که هر خلق حق تعیین سرنوشت خود را در يك رابطه همپا و برادرانه با دیگر خلق‌ها دارد و معتقدیم که انتخاب کاملاً آزاد باید اساس گزینش نمایندگان و مجریان امور در تمامی ادارات و غیره قرار گیرد.

ستاد مرکزی شوارهای ترکمن صحرا

۵۸/۱/۱۵

(اعلامیه شماره ۲)

تشریح برنامه‌های «کانون فرهنگی و سیاسی خلق

ترکمن»

همه خلق‌های ایران باید آزاد باشند و خود شیوه زندگی خصوصی و اجتماعی خویش را انتخاب کنند. هرگونه تبعیضی در این زمینه باید منسوخ

گردد. در ایران آزاد و دمکراتیک مردم باید آزاد باشند با مذهب خود با زبان خود و با فرهنگ خود زندگی کنند.

ستم قومی و ملی یکی از ویژگی‌های رژیم‌های دست‌نشانده می‌باشد. کودتای رضاخان که سرکوب شدید خلق‌های ایران و به‌ویژه خلق ترکمن را در پی داشت هنوز در خاطر کهن سالان ترکمن باقی است، و ما نیز شاهد اعمال این ستم در دوران شاه سابق در تمام شئون زندگی خود بوده‌ایم. سال‌هاست که خلق ترکمن در زیر فشار دیکتاتوری رژیم سرمایه‌داری وابسته به غارت گران خارجی، از فرهنگ غنی و گران قدر خود به‌دور نگه داشته شده است. ادبیات ما نابود شده، قصه‌ها و فولکلور ما از بین رفته است، شعرا و نویسندگان خلق ترکمن ناشناخته مانده‌اند. بخشی‌ها و عاشق‌ها، دیگر بیانگر مسائل زندگی خلق ما نبوده به‌صورت تجملی محدود به مجالس اشراف و فتودال‌ها، گردیده و از اصل خود، به‌دور افتاده‌اند.

دامداری و کشاورزی بر اثر اعمال نفوذ مزدوران و چاکران درباری و محدود کردن مراتع و غصب زمین‌های زراعتی متلاشی شده، فاصله طبقاتی هر روز بیشتر شده و توده‌های فقیر ترکمن فزونی گرفته است رژیم سابق برای حفظ این وضعیت از دستگاه نظامی خود مثل ارتش و ژاندارمری و شهربانی استفاده می‌کرد. اکنون در آستانه پیروزی بر غارت‌گران خارجی و نوکران داخلی آنها بر ماست که هم گام با سایر خلق‌های تحت ستم وطنمان برای احیای فرهنگ ملی و تحقق خواسته‌های سیاسی خلق ترکمن صحرا بکشیم. در این رابطه و در جهت ایجاد ایرانی آزاد و دمکراتیک اقدام به تشکیل «کانون فرهنگی و سیاسی» نموده‌ایم. باشد که با هم یاری همه آنها‌سی که به‌زحمتکشان و خلق رنج دیده ما عشق می‌ورزند آنرا اعتلا بخشیم.

اهداف کانون...

### در زمینه فرهنگی

۱. احیای ادبیات خلق ترکمن از طریق جمع‌آوری و چاپ آثار شعرا و نویسندگان ترکمن و معرفی آنها در هفته‌هایی به‌همین مناسبت.
۲. بازآفرینی موسیقی و ترانه‌های ترکمنی و فولکلور ترکمن با رفتن به‌میان

طایفه‌ها و اُبه‌ها و تماس با صاحب نظران و کهنسالان.  
 ۳. انجام فعالیت‌های تبلیغاتی و ترویجی نظیر نمایش فیلم، سخنرانی، تاتر، نمایشگاه عکس و غیره در رابطه با گسترش و آشنائی با مسائل ملی و اجتماعی.

### در زمینه سیاسی

۱. کوشش در جهت غنی نمودن آگاهی‌های دمکراتیک خلق ترکمن نظیر تأمین آزادی بیان، عقیده، مذهب، و زبان از طریق تماس مستقیم گروهی و انجام سخنرانی و برگزاری جلسات در شهر و روستا.
۲. تشویق به تشکیل شوراها در سطوح مختلف منطقه:  
 الف - شوراهاى کارگری در کارخانجات.  
 ب - شوراهاى کشاورزان و دامداران (آق سقال<sup>(۱)</sup>) منطقه و استرداد زمین‌های غصب شده از طریق آنها.  
 ج - تشکیل سندیکای قالیبافان.  
 د - کمیته‌های دانش‌آموزان و معلمان در جهت تحقق خواست‌های صنفی و دموکراسی واقعی.  
 ه - شوراهاى کارمندان در ادارات.  
 کانون همه کسانى را که می‌توانند در این راه ما را یاری کنند و یا امکاناتی را جهت تسریع برنامه‌های فوق ایجاد نمایند صمیمانه به همکاری دعوت می‌نماید.

«کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن»

اسفند ۵۷

اعلامیه توضیحی (اعلامیه شماره ۳)

خلق غیور ترکمن، ضمن اعتقاد به انقلاب، ایجاد کمیته‌های محلی را در منطقه آق قلا لازم دانسته و آن را تشکیل داد ولی افرادی که در کمیته انتخاب شده

(۱) - آق سقال به زبان ترکمنی به معنای ریش سفیدانی که منظور همان افراد آگاه روستاست.

بودند از يك پایگاه محکم مردمی برخوردار نبوده و تا تاریخ انحلال آن، که به وسیله رزمندگان پیشگام خلق ترکمن منطقه آق قلا اعلام شده کاری در جهت خواسته‌های برحق مردم ننموده بودند. بعد از انحلال کمیته می‌بایست از نظر اداری و خواسته‌های برحق مردم در این برهه زمانی از تاریخ در منطقه اقداماتی صورت گیرد. کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن بر خود لازم می‌داند خط‌مشی خود را روشن نموده باشد که با همکاری مردم غیور ترکمن هرچه بیشتر در احقاق حقوق اجتماعی و قانونی خود کوشا باشد. کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن معتقد است تمام خلق‌های ایران باید آزاد باشند و خود شیوه زندگی خود را انتخاب کنند و با زبان خود، با فرهنگ خود و با مذهب خود زندگی نمایند، با توجه به اینکه این کانون وابسته به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در گنبدکاووس می‌باشد. کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن (آق قلا) در دو قسمت فرهنگی و سیاسی فعالیت خواهد کرد و نیروهائی که اعلام همکاری با کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن می‌نمایند باید به مقرراتی که در کانون وضع شده است نهایت توجه فرموده و آن را اجرا نمایند. باشد که در کارهایمان انضباط در درجه اول اهمیت قرار گیرد.

### در زمینه فرهنگی

- الف - جمع‌آوری کلیه آثار هنری خلق ترکمن (اشعار شاعران و آثار نویسندگان و...)
- ب - احیای فولکلور و ساز و آوازهای کلاسیک خلق ترکمن.
- ج - برگزاری جلسه‌ها و نشست‌ها با حضور شاعران و نویسندگان و نوازندگان خلق ترکمن در منطقه
- د - چاپ و نشر آثار علاقه‌مندان به احیای ادبیات و فرهنگ خلق ترکمن

### در زمینه‌های سیاسی

- الف - با توجه به اینکه کمیته اسلامی آق قلا نتوانست مشکلات و خواسته‌های مردم را رفع نماید کانون فرهنگی و سیاسی متعهد به رسیدگی به کلیه شکایات

و امور شهری می‌باشد.

ب - تشکیل شوراهای (آق سقال) کارگری و دهقانی برای رسیدگی به شکایات و خواست‌های آنها از طریق این شورا، همچنین بازپس گرفتن زمین‌های غصب شده روستائیان از عوامل مزدور و وابسته به رژیم سابق از طریق این شورا.

ج - تشکیل گروه‌های دانش‌آموزان، معلمان پیشگام در مدارس و استفاده از نیروهای آنها در پیشبرد اهداف کانون.

د - تشکیل میتینگ‌ها و نمایشگاه‌ها در سطح شهر و مدارس برای بالا بردن سطح آگاهی و شناخت مردم.

درخاتمه لازم به توضیح است که افرادی که ایمان به اهداف کانون دارند می‌توانند در قسمت‌های فوق بدون ضوابط و روابط بوروکراتیک اداری فعالیت نمایند.

مستحکم باد پیوند خلق‌های مبارز ایران

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

شاخه آق قلا

مورخه ۵۸/۱/۳

(اعلامیه شماره ۴)

### خبرنامه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

در منطقه ترکمن صحرا رعایا و دهقانان برای بهره‌گیری از ثمرات انقلاب وارد عمل شده‌اند و زمین‌هایی را که توسط دربار کثیف و عوامل مزدور با زور سرنیزه در دوران اختناق غصب شده بود بازپس می‌گیرند و مواضع ارتجاع و فئودال‌ها یکی پس از دیگری درهم می‌ریزد. با گرفتن زمین‌ها، مصادره اموال مزدوران به نفع خلق و تشکیل (ساقل) شوراهای دهقانی به وسیله دهقانان پایگاهشان مستحکمتر می‌شود.

در این هفته خلق زحمتکش شاهد پیروزی در جبهه‌های متعددی بود. مقدار ۱۵۰۰ هکتار زمین روستاهای «خوجه لوگرکز» توسط دهقانان از قاتلانی همچون منجم، سروان هنرور نماینده شاهپور غلامرضای کثیف و انصاری گرفته شده و مقاومت ارتجاعیونی همانند حاج بیضائی و حاج روحی کاری از پیش نبرد و دهقانان بحق دیرینه خود رسیدند. متوجه این نکته هم باید بشویم که دهقانان «خوجه لوگرکز» محرومترین دهقانان بوده و به اتهام حق خواهی در زیر شدیدترین شکنجه‌ها حتی کشیدن ناخن قرار گرفته بودند.

زمین‌هایی که به وسیله محمدفاریابی حاجی خونخوار غصب شده بود به وسیله دهقانان دلیر و زحمتکش بازپس گرفته شد لازم به توضیح است که فاریابی غاصب با حمایت سرگرد صدری رئیس ژاندارمری وقت گنبدکاووس ده مرجان آباد را با تمام خانه‌ها و مسجدش درهم ریخته بود تا در آن زمین مزروعی، و عشرت کده ایجاد نماید. اموال سازمان محمد فاریابی که حقاً و منطقی جزء مالکیت دهقانان بود به نفع خلق مصادره شد و توسط شورای دهقانان ثبت گردید. دهقانان روستای «صاتلیق بای زیتونلی» با اتکا و اعتقاد به نیروی خود وارد عمل شدند و زمین‌هایشان را که همیشه با حسرت به آن می‌نگریستند و در اختیار غاصبانی همانند یزدانی - وجدانی - تیمسار مرتجع امجدی معاون نصیری بود بازپس گرفتند. دهقانان با ایجاد شورای موقت و تنظیم نیروی قهری در برابر عوامل ارتجاع ضربه مهلکی به جنایتکاران و دزدان وارد آوردند. دهقانان این روستاها با ذوق و شوق تمام همبستگی خود را با اهالی زحمتکش «صاتلیق بای زیتونلی» اعلام داشتند. دهقانان رنجبر متحمل شکنجه‌های زیادی در دوران حکومت فاشیستی محمدرضا بوده‌اند و از جمله یکی از آنها را با ۱۰ قطعه عکس به اداره ساواک گرگان منتقل و در آنجا زیر شکنجه و فشار مجبور به امضای سند ساختگی و کاذب شد. وقتی که انسان عیناً شاهد حرکت‌های دهقانی در چنین سطح گسترده‌ای می‌شود به نیروی عظیم خلق عمیقاً ایمان می‌آورد.

زنده باد دلاوری خلق  
پیش به سوی حاکمیت خلق

از کمیته تحقیقات روستاها

۵۷/۱۲/۱۵



## درباره «کانون اسلامی و فرهنگی ترکمن»

هم میهنان مبارز و انقلابی:

درگیر و دار جنگ تحمیلی گنبد و هفته‌های قبل از آن گاه و بیگاه اعلامیه‌هایی با امضای کانون اسلامی و فرهنگی ترکمن تحت پوشش اسلام و دیانت پخش می‌گردید که به‌ظاهر مردمی ولی در باطن در خدمت خواست‌های منافع زمینداران بزرگ و روحانیون ثروتمند و مرتجع ترکمن قرار داشت. عناصر وابسته به رژیم جنایتکار شاهنشاهی که پس از قیام پیروزمندانه خلق قهرمان ایران در ۲۱ بهمن ماه پنجاه و هفت همه امید خود را برای تثبیت سلطه‌گری و حفظ دائمی ثروت‌ها و موقعیت‌های خاصی که در جامعه از طریق زور، دغل، جنایت و خیانت، غصب و... به‌دست آورده بودند، از دست دادند ناچار به شیوه دیگر یعنی عوام‌فریبی و مردم دوستی ریاکارانه برای بازگردانیدن موقعیت قبلی خویش مبادرت ورزیدند. شیوه جدید آنها هرگز نمی‌تواند از چشمان تیزبین هر فرد ذی شعوری که مختصر آگاهی سیاسی و اجتماعی داشته باشد و از موضع مردم رنج‌دیده و ستم کشیده به جامعه نظر می‌افکند، دور بماند. پیوند ناگسستنی همان دغلکاری‌ها، همان دوز و کلک‌های گذشته و همان فریبکاری‌های ضد مردمی با حرکات و مانورهای گوناگون کنونی‌شان آنچنان عمیق و درعین حال آشکار است که کمتر کسی است که نتواند رابطه آنها را درک کند، اما از آنجا که خلق قهرمان ایران از جریان‌ات و مانورهای ارتجاع در منطقه گنبد و ترکمن صحرا دور بوده است، از آنجا که مطبوعات و رادیو تلویزیون در روزهای آغاز جنگ تحمیلی به ترکمن‌ها دقیقاً همان سبک و شیوه رسانه‌های گروهی محمدرضاشاهی را استادانه و بدون کمترین اشتباهی پیاده کرده‌اند و خلق قهرمان ایران را در مقطع زمانی حساس که جنگ در جریان بوده، از یک قضاوت و سمت‌گیری عادلانه محروم نموده‌اند، از آنجا که ما خود وعده داده بودیم طرح توطئه جنایتکارانه ارتجاع و کمیته امام گنبد و همدستان فریب خورده شهرهای دیگر را برملا سازیم، اینک گوشه کوچکی از حقایق مربوط به تبلیغات تحریک‌آمیز و نفاق افکنانه (کانون اسلامی و فرهنگی ترکمن) را که اساساً مرده به دنیا آمده

بود به اطلاع مردم شریف و انقلابی ایران می‌رسانیم:

۱. اعضای کانون نامبرده از وابستگان نزدیک آناقلیج آخوند نقشبندی روحانی نمای ترکمن وابسته به‌دربار می‌باشند. در روز ۲۰ بهمن ماه ۵۷ قریب چندین هزار نفر چماق به‌دست از روستائیان ناآگاه و فریب خورده به‌بهانه‌های مختلف از روستاها به‌شهر گنبد کشانیده شدند که با رهبری طرح‌ریزی شده عده‌ای از نظامیان و ساواکی‌های ملبس به‌پوشاک ترکمنی و اسلحه سرد و گرم منجر به‌تخریب و آتش‌سوزی و کشتن و زخمی کردن عده‌ای از ساکنین شهر گنبد گردید آخوند نقشبندی که دارای نشان‌های مختلف افتخار از دربار شاهنشاهی منفور پهلوی می‌باشد، یکی از محرکین اصلی این توطئه ضد مردمی می‌باشد.

۲. کانون فوق‌الذکر با پخش اعلامیه‌های مختلف علیه خلق ترکمن موضع‌گیری کرده و بدین ترتیب برای کمک به‌عناصر مشکوک و ساواکی‌هایی که در کمیته امام نفوذ کرده‌اند بهانه‌های تبلیغی فراهم می‌کردند.

۳. اعضای کانون را افرادی مثل عطاجان آخوند قوجقی، داماد نقشبندی، عبدالحلیم عادل، صفرزاده، معمی هلاکو و آناکوسه غراوی از سرسپردگان مرتجع زمیندار تشکیل می‌دادند.

۴. از آنجا که خلق ترکمن و تمامی دهقانانی که سالیان متمادی تحت ستم زمینداران وابسته به‌رژیم سابق قرار داشته‌اند در جهت استرداد زمین‌های غصب شده خویش نیروی لایزال کار و زحمت خویش را به‌حرکت درآوردند و از آنجا که زمینداران بزرگ که خود بهتر از هر کسی به‌ضعف و خیانت خود واقف بودند نیک می‌دانستند حال که رژیم پهلوی سرنگون شده دیگر پناهگاه چندانی برایشان باقی نمانده است و از سونی در مقابل نیروی سهمگین به‌حرکت درآمده دهقانان که ره آورد انقلاب ضدامپریالیستی و ضد دیکتاتوری همه خلق‌های ایران می‌باشد، یارای مقاومت ندارند. چاره را در مظلوم نمائی، سوءاستفاده از دین و توطئه چینی دیدند که بلکه دریچه نجاتی برای مدتی به‌رویشان گشوده شود. بدین ترتیب به‌نام ترکمن شروع به‌تخطئه و تحریک علیه خلق ترکمن نمودند از جمله در جریان جنگ و برادر کشی که توسط کمیته به‌خلق و رزمندگان فدائی ترکمن تحمیل گردید طی اعلامیه‌هایی با تمام حدت و

شدت می‌کوشیدند روابط ترکمن‌ها را با برادران غیر ترکمن هرچه بیشتر تیره سازند و بخشی از مردم را با بخشی دیگر از مردم مستقیماً در مقابل یکدیگر قرار دهند و از آب گل آلود، زمین‌ها و ثروت‌های نامشروع و موقعیت گذشته خود را که به خون خلق ستم‌دیده ترکمن آلوده بود باز یابند. ۵. نمونه برجسته دشمنی این دار و دسته ارتجاعی و ضد خلق ترکمن دزدیدن فشنگ و مهمات رزمندگان فدائی خلق ترکمن و تحویل آن به دشمنان خلق ترکمن توسط آناغراوی می‌باشد، نامبرده در حین ارتکاب جرم دستگیر و پس از آتش بس مبادله گردید.

۶. چهارده نفر از روحانی نمایان ترکمن و عوامل ساواک و رژیم سابق با حمایت زمینداران از یکسو و کمیته از سوی دیگر این باصطلاح کانون حرامزاده را به مثابه اهرمی ضد مردمی و اخلال گرانه مورد استفاده و واقعیت‌های زنده و برحق خلق ترکمن را واژگونه جلوه می‌دادند. بدین ترتیب با تحریک افکار عمومی به نفع ارتجاع و کمیته گنبد خوراک تبلیغاتی و تحریکی کافی فراهم می‌ساختند. اما اکنون که جنگ پایان یافته و راه حل سیاسی که قبلاً توسط ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا مطرح شده بود روش پذیرفته شده برای حل مسائل و خواست‌های برحق خلق ترکمن گردیده است، کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، این باصطلاح کانون اسلامی و فرهنگی ترکمن را مصادره و به جای آن شاخه هنری و فولکلوریک خلق ترکمن را بنیاد نهادند تا بدین وسیله فرهنگ و آثار فولکلوریک خلق ترکمن احیاء و در خدمت ترقی و بالندگی خلق ترکمن و همه خلق‌های ایران قرار گیرد.

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۵۸/۱/۱۹

(اعلامیه شماره ۶)

## اجتماع ۲۲ اسفند جمعی از ترکمنان در دانشگاه تهران

ضرورتی که ایجاب کرد که ما در این لحظه، در این مکان جمع شویم، واقعه ننگین و شوم روز ۱۹ اسفند شهر بندر ترکمن (بندر شاه سابق) می‌باشد که در

آن عوامل مسلح و نیروهای ارتجاعی بی‌مسئولیت تحت نام کمیته اسلامی، به‌عده‌ای از ترکمنان بی‌دفاع حمله نموده و منجر به مجروح شدن ۱۳ نفر گردیده است. این عمل نفرت‌انگیز، به‌دنبال تظاهرات و راه‌پیمائی عظیم سی هزار نفری خلق ترکمن، در بندر ترکمن، که همگام با سایر خلقهای ایران، خواهان رفع ستم ملی، قومی، اقتصادی و فرهنگی بودند صورت گرفت. عوامل بی‌مسئولیت و ضد انقلابی مسلح، با یورش وحشیانه خود به‌خلق ترکمن می‌خواستند خواسته‌های به‌حق و منطقی خلق ترکمن را در گلو خفه نمایند، ولی غافل از اینکه نمی‌توانند جلوی حرکت‌های انقلابی مردم را بگیرند. این حمله هولناک کافی نبود که مجدداً در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۰ با اعزام فانتوم به این شهر و همچنین شهر گنبد که دیواره صوتی را شکسته و در ارتفاع کمی پرواز می‌کرد، کوشیدند خلق ترکمن را مرعوب کنند. این حملات وحشیانه با راه‌پیمائی عظیم ۶۰ هزار نفری خلق ترکمن و نیروهای مترقی غیر ترکمن، شدیداً و قاطعانه محکوم شد. خلق ترکمن بدین وسیله اعلام داشت که اگر این نوع تهدیدها و ارباب ادامه یابد، عواقب و مسئولیت‌های آن مستقیماً با دولت خواهد بود. آیا تجربه آدم‌کشی‌های دوران دیکتاتوری پهلوی منفور کافی نیست؟

آیا می‌توان با کشتن و مجروح کردن خلق‌ها کاری از پیش برد؟ مسلماً خیر. در اینجا به‌نمونه‌ای از خواسته‌های خلق ترکمن اشاره می‌کنیم:

۱- خلق ترکمن همگام با سایر خلق‌های ایران، خواهان رفع ستم ملی و فرهنگی و اقتصادی می‌باشد.

۲- خلق ترکمن خواهان نابودی ارتش ضد خلقی و ایجاد ارتش خلقی است.

۳- خلق ترکمن خواهان شرکت نمایندگان واقعی زحمتکشان در شورای انقلابی می‌باشد.

کدامیک از خواسته‌های فوق با انقلاب ایران منطبق نیست؟ ما به‌تلویزیون در مورد عدم پخش خبر واقعه، و سانسور و تحریف آن در رادیو شدیداً معترض هستیم و هرگونه سانسور و انحصارطلبی را محکوم می‌کنیم.

خلق ترکمن به‌هیچوجه به‌اشخاص فاسد و نفاق انداز، در هر لباس و تحت پوشش کمیته انقلاب اجازه نخواهد داد به‌حریم انسان‌های آزاده تجاوز نمایند. واقعه شوم بندر ترکمن که در تاریخ ۵۷/۱۲/۱۹ اتفاق افتاد به این

صورت شروع شد:

عده‌ای از ترکمنان می‌خواستند تابلوی شهر بندرشاه سابق را که به‌بندر ترکمن تبدیل شده بود نصب کنند که مورد حمله عده‌ای از عوامل ارتجاعی غیرترکمن قرار می‌گیرند و به‌سختی مجروح می‌گردند، در این میان دیگر ترکمنان به‌طرفداری از افراد مجروح بر می‌خیزند. در این حین افراد عوامل ارتجاعی دست به‌کار می‌شوند و شروع به‌تیراندازی به‌طرف ترکمنان می‌نمایند. این تیرها که اکثراً به‌طرف پاها شلیک شده، ۱۳ نفر را مجروح می‌نماید. ترکمنان بی‌دفاع هم دست به‌مقابله زده و ۲ نفر را از طرف مقابل مجروح می‌کنند. شب همانروز چند کامیون ارتشی پر از افراد مسلح از ساری و گرگان از طرف کمیته موقت انقلاب اسلامی، عازم بندر ترکمن می‌شود و این رعب و وحشت سراسر شب ادامه داشته است. مجروحین را همانشب به‌بیمارستان شهید سعید نبوی گرگان منتقل می‌نمایند.

ما خلق ترکمن، از دولت موقت بازرگان، می‌خواهیم که هرچه سریعتر به‌وقایع ننگین بندر ترکمن رسیدگی کرده و عاملان منفور آنرا که شناسائی شده‌اند، فوراً دستگیر و در دادگاه خلق محاکمه نمایند و هرچه زودتر حکم دادگاه به‌مرحله اجرا درآید.

برقرار باد پیوند خلق ترکمن با خلق‌های تحت ستم جهان  
هرچه مستحکمتر باد پیوند همه خلق‌های ایران با چریک‌های  
رزمنده انقلابی  
برقرار باد حاکمیت خلق

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - شاخه تهران

۵۷/۱۲/۲۲

(اعلامیه شماره ۷)

اخبار

این قطعنامه درحضور بیش از ۳۰ هزار نفر از ترکمنان و هیئت نمایندگان اعزامی کمیته امام که در بندر ترکمن به‌تاریخ یکشنبه ۲۰ اسفند به‌دنبال فجایع ۱۹ اسفند گردآمده بودند قرائت و مورد تأیید قرار گرفت.

پرتوان بادمبارزات قهرمانانه خلق‌های ایران

انقلاب رهائی بخش ایران که حرکت طوفانی خلق‌های رزمنده ایران را در برداشت، افق روشن و تابناکی از آزادی پیش‌روی مردم ستمدیده ایران نهاد. این ودیعه گراتبهای خون هزاران شهید به خون خفته خلق است. پاس داریم این ودیعه گرانقدر را.

خلق ترکمن نیز که سال‌های طولانی زیر ستم ملی دژخیمان منفور پهلوی از ابتدائی‌ترین حقوق خود محروم بود در پیکار با رژیم دیکتاتوری سابق جمعی از فرزندان راستین خلق خود را در جهت تحقق هدف‌های انقلاب ایران از دست داده است. اینک که خون شهدا طلوع آزادی را نوید می‌دهد، خلق ترکمن خواست‌های اساسی خود را در راه تحقق حاکمیت خود بر سرنوشت خویش به شرح زیر ارائه داده و خواستار حل فوری آنها می‌باشد.

۱- خلق ترکمن همراه و همگام با سایر خلق‌های رزمنده ایران، ضمن تأیید انقلاب رهائی بخش ایران، بر خود واجب می‌داند از دستاوردهای انقلاب حفاظت نموده و در جهت ساختن ایرانی آزاد و مستقل نقشی اساسی ایفا نماید.

۲- خلق ترکمن تلاش‌های مذبحخانه نفاق‌افکنی و تفرقه‌جویانه در صفوف متحد و متشکل خلق را محکوم نموده این اعمال را دسیسه‌های عوامل ارتجاع و امپریالیسم می‌داند.

۳- خلق ترکمن خواهان رفع هرگونه ستم ملی و اقتصادی بوده و معتقد است که همه خلق‌ها باید حق داشته باشند که خود سرنوشت خود را تعیین نمایند. خلق‌های ایران باید حق داشته باشند با مذهب خود و با زبان خود و با فرهنگ خود زندگی نمایند.

۴- معتقدیم که باید کلیه زمین‌ها، و احشامی که متعلق به خلق بوده و از طرف عوامل رژیم سابق به‌زور سرنیزه غصب شده است به صاحبان اصلی آنها مسترد گردد.

۵- با توجه به اینکه نیروی اصلی انقلاب را زحمتکشان تشکیل می‌دهند و باید در بهبود وضع زندگی صیادان، کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان توجه کافی مبذول شود. حق مسلم همه زحمتکشان است که

در دولت انقلابی نقش داشته باشد.

- ۶- ما برآنیم که با توجه به اکثریت خلق ترکمن در منطقه کلیه سیستم‌های اداری و انتظامی باید به‌طور دموکراتیک توسط خود ترکمن‌ها اداره شود.
- ۷- لغو کلیه دیون و بدهی و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و پیشه‌وران و کارکنان مؤسسات دولتی و خصوصی را خواستاریم.
- ۸- ما خواستار تشکیل دادگاه‌های انقلابی خلق می‌باشیم تا نور چشمی‌ها و نوکران رژیم سابق را که به‌زور سرنیزه بجان و ناموس خلق تجاوز نمودند و خون دهها نفر فرزندان خلق را در این منطقه به‌زمین ریختند، محاکمه و مجازات نمایند.
- ۹- ما خواهان تشکیل شوراهای روستاییان، کارگران، دانش‌آموزان و معلمان و کارمندان می‌باشیم
- ۱۰- ایجاد کانون‌های فرهنگی خلق ترکمن در مناطق ترکمن نشین و اهداف آن مورد تأکید خلق ترکمن است.
- ۱۱- خلق ترکمن از مبارزات دلیرانه سایر خلق‌های ایران به‌خصوص خلق کرد پشتیبانی نموده و کلیه خواست‌های آنها را بر حق دانسته و تأیید می‌نماید.
- ۱۲- باید هیچگونه مانعی در راه صیادان جهت صید در دریا و رودخانه‌ها ایجاد نشده و صیادان با تشکیل شورای صیادان آزادانه به‌صید بپردازند.
- ۱۳- نظامیان ترکمن باید در مناطق ترکمن نشین خدمت نمایند.

هرچه مستحکمتر باد پیوند خلق ترکمن با سایر خلق‌های مبارز

ایران

بر قرار باد حاکمیت خلق

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

## هم میهنان مبارز

ما تعداد یکصد نفر از افراد تحت ستم گنبد اعلام می‌داریم که به دنبال برگزاری يك میتینگ آرام توسط عمال مسلح که بیرحمانه صفوف متحد یکپارچه خلق ترکمن صحرا را به خاک و خون کشیدند، دستگیر و از شب ۵۸/۱/۶ تا به حال بی‌آب و غذا و با انواع و اقسام توهین‌ها و ضرب و شتم در پادگان «نوده» زندانی هستیم. ما که از رنج‌دیده‌ترین اقشار این آب و خاک هستیم و در رژیم گذشته به جان و مال و حیثیت‌مان تعرض شده است اکنون در رژیم انقلابی دولت موقت اسیر توطئه‌های عوامل ارتجاع و تجاوزکارانه حقوق بشر شده‌ایم. از شب دستگیری تا به حال در اتاقی کوچک که حتی جای نشستن کافی برای این تعداد را ندارد شب را به صبح رسانده‌ایم.

به‌سوی خواهران و مادران ما بیرحمانه آتش گشوده‌اند و اکنون عده‌ای از خواهران ما در شهربانی گنبد اسیر می‌باشند که با توجه به شناختی که از عوامل دست‌اندرکار داریم هیچ‌گونه اعتمادی به آنها نداشته و نگرانی خود را شدیداً ابراز می‌داریم. ما از درون این محبس تنگ یکصدا از تمام برادران و خواهران غیور ایرانی و از کلیه سازمان‌ها و دستگاه‌ها و مراکز قانونی و کانون وکلای پیشرو می‌خواهیم هرچه زودتر واکنش نشان داده و صدای حق طلبانه خلق ما را به گوش جهانیان برسانند و نگذارند که عوامل ضدانقلاب گرگ صفتی که اکنون در لباس میش درآمده‌اند بیشتر از آنچه اتفاق افتاده ملت ستم دیده ما را به خاک و خون بکشند و از داشتن کمترین حقوق اولیه انسانی محروم دارند.

خلق ترکمن صحرا در محبس پادگان نوده



(اعلامیه شماره ۹)

## خبری از ترکمن صحرا

روز تشکیل میتینگ از طرف کمیته با تیرهوانی و زمینی اقدام به متفرق کردن مردم می‌کنند و در ضمن يك سیگار فروش را که به اتهام گرانفروشی دستگیر شده بود. هنگام فرار با تیر به قتل می‌رسانند.

ترکمن‌ها و نیروهای مترقی اعتراض می‌کنند و خواستار مجازات عوامل کشتار می‌شوند هم اکنون شهر گنبد دو قسمت شده یکطرف ترکمن‌ها، و طرف دیگر کمیته گنبد، به اضافه مجاهدهای کمیته‌های قم - تهران - مشهد - و ارتش که عملاً از آنها پشتیبانی می‌کند، موضع گرفته‌اند. سربازهای وظیفه هم که پس از آخرین مهلت بازگشت به پادگان یعنی ۵ فروردین به گنبد آمده بودند. برای آنکه در مقابل خلق قرار نگیرند از مراجعه به پادگان خودداری نموده‌اند. کمیته‌ای‌ها برای جلوگیری از فرار سربازان راه‌ها را کنترل می‌کنند. نامه‌زیر توسط ۱۰۰ نفر از اسرای خلق ترکمن که در جریان میتینگ دستگیر شده‌اند نوشته شده:

نماینده محترم دولت موقت انقلابی در گنبد کاووس

ما تعداد صد نفر از مردم ترکمن صحرا که به دنبال حمله مسلحانه وحشیانه به تجمع خلق ترکمن صحرا به منظور برگزاری يك میتینگ آرام دستگیر و امروز سومین روزی است که در محل (مسجد) پادگان نوده در فضای تنگ و در نهایت مشقت به سر می‌بریم، اعلام می‌داریم:

۱. ما بر علیه دشمنان انقلاب گرگ صفتی که امروز در لباس میش می‌شود از هم پاشیدگی صفوف متحد خلق می‌شوند اعلام جرم نموده و خواهان رسیدگی فوری و شناسائی قاتلین شهدای خلق ترکمن هستیم.

۲. ما به دستگیری تعدادی کودک و پسر و جوان که بدون هیچ مجوزی دستگیر و تحت انواع و اقسام توهین‌ها و ضرب و شتم قرار گرفته‌اند شدیداً

معارض هستیم و قویاً اعلام می‌داریم که اگر تا ساعت ۲ بعد از ظهر امروز (۵۸/۱/۸) در مورد ما تصمیم گرفته نشود، ما زندانیان جمعیاً و با اعمال زور پادگان راترك خواهیم کرد و شما و دولت موقت و فرماندهی پادگان نوده مسئول هر اتفاق احتمالی بعدی خواهید بود.  
(زندانیان سیاسی خلق ترکمن صحرا در پادگان نوده)

رونوشت به: ۱. کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن صحرا ۲. کانون وکلا ۳. آیت‌الله طالقانی ۴. مطبوعات کشور (آیندگان - کیهان - اطلاعات) ۵. کمیته بین‌المللی حقوق بشر

(اعلامیه شماره ۱۰)

### بیانیه معلمان - دانش‌آموزان - کارمندان - پیشه‌وران

#### خلق غیور ترکمن صحرا

بعد از درگیری کمیته به اصطلاح اسلامی بندر ترکمن با مردم آنجا در روز ۱۲/۱۹ مردم گنبدکاووس در يك تظاهرات وسیع ۳۰ هزار نفری همبستگی خود را با مردم بندر ترکمن اعلام داشتند. در این تظاهرات ارتش ضد خلقی دست به يك مانور زد که همه مردم گنبد آن را محکوم نمودند. در پایان برنامه تظاهرات قطعنامه صادر شد و ضمناً قرار شد مدارس و اداره‌جات دولتی تا يك هفته و بازار به مدت ۳ روز تعطیل باشد و جمعیتی نزدیک به ۳۰ هزارتن این موضوع را تأیید نمودند.

شایعاتی پیرامون بازبودن مدارس و مغازه‌ها می‌باشد. مردم گول این شایعات را نخورید. ما با اعتصاب يك هفته‌ای خود باید اتحاد کامل خلق ترکمن را به این کمیته‌های ضد مردمی که هیچ وقت خواهانش نبودیم نشان دهیم.

اداره‌جات دولتی حق ندارند بدون در نظر گرفتن خواست خلق ترکمن دست به کاری بزنند.

مردم!

رادیوئی که روزهای ۱۹ و ۲۰ اسفند درخواست خون می‌کرد امروز

اعتصابی را که به خاطر این خونریزی شده بود تکذیب کرد. و تعطیل مدارس و مغازه‌ها را نادرست خواند. اگر رادیو درست می‌گوید پس چرا حمله فانتوم را اعلام ننمود. مردم هوشیار باشید و گول این حرف‌ها را نخورید. تا به دست آمدن آزادی‌های فرهنگی - سیاسی - اقتصادی - به مبارزه حق طلبانه‌مان ادامه می‌دهیم و این شرط ما برای قبول ارگان‌های دولت است. ضمناً به طوریکه اطلاع دارید امروز رئیس دبیرستان خدمات را بدون دلیل گروهی از ضد انقلابیون مورد تهدید قرار داده و به شهربانی برده‌اند. ما ضمن محکوم کردن این نوع اعمال تحریک‌آمیز و غیر انسانی خواستار مجازات گروه یادشده می‌باشیم.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن ضمن تأیید مطالب فوق پشتیبانی خود را اعلام می‌دارد  
۵۷/۱۲/۲۱

### پیام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

طبق اخبار رسیده گروهی نفاق‌افکن برخلاف موازین آتش بس اقدام به تیراندازی به طرف خلق ترکمن نموده‌اند. در خیابان فرودگاه هنگام تحویل جسد از طرف این عوامل تیراندازی صورت گرفته و اقدامات مشابهی در دو نقطه دیگر شهر یعنی خیابان‌ها و میدان بار انجام یافته است.

رزمندگان خلق ترکمن؟

این گروه ضد خلقی و نفاق‌افکن که منافعشان را فقط در جنگ افروزی می‌بینند، سعی دارند با نقض آتش‌بس نقشه شوم خود را عملی سازند. لذا باید نهایت هوشیاری و خونسردی را در مقابله با این گروه مرتجع به خرج دهیم. ما این گروه نفاق‌افکن را عضو نیروی طرف مقابل قرارداد آتش‌بس نمی‌شناسیم.

بدین وسیله به نیروهای مسئولی که خواهان آتش‌بس میان طرفین هستند، هشدار می‌دهیم که نگذارند عده‌ای بدخواه و تفرقه‌انداز حرمت این آتش‌بس را به هم بزنند.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن وابسته  
به‌ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا  
۵۸/۱/۱۳

(اعلامیه شماره ۱۱)

### به‌عموم رزمندگان خلق ترکمن

ما با اعتقاد عمیق به وحدت و یکپارچگی و برادری همه خلق‌های ایران، با هر نوع جنگ داخلی و نزاع میان نیروهای خلقی مخالفیم. ما اعتقاد عمیق داریم که مسائل و مشکلات خلق‌های میهنمان، باید از راه‌های مسالمت‌آمیز و با حسن نیت و برادری حل شود.

ما در لحظات کنونی، خود را پاسدار آتش‌بس می‌دانیم و کسانی را که به‌ر شکل به آتش‌بس لطمه بزنند ضدانقلابی می‌دانیم.

دولت انقلابی اسلامی با احترام به خواسته‌های خلق ترکمن می‌کوشد همانند ما آتش‌بس را برقرار نماید. لذا ما افرادی را که به‌پیمان آتش‌بس از طریق تحریکات گوناگون لطمه می‌زنند، مخالفین خود و مخالفین دولت انقلابی می‌دانیم. هم ما و هم برادران همدرد ما در سنگرهای مقابل، وظیفه داریم تحریکات این افراد را خنثی کرده و با هوشیاری و قاطعیت، آتش‌بس را پاسداری کنیم تا هرچه زودتر از طریق مذاکره به‌نزاع خاتمه دهیم. ما تا کنون در جهت اهداف فوق تعداد هیجده نفر از بازداشتی‌های خود را صحیح و سالم، آزاد کرده‌ایم.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن  
وابسته به‌ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا  
۵۸/۱/۱۳

## (اعلامیه شماره ۱۲) هموطنان مبارز

خلق ترکمن همانند همه خلق‌های میهنمان در تمام دوران فرمانروائی سلاله شاهان و در طول سلطه پلید امپریالیسم تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار داشته است.

خاندان پهلوی، این دست نشانندگان خائن امپریالیسم، در طول حکومتشان تمامی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ملی ما را با شدیدترین شکل ممکنه پایمال کردند.

شاهپورها و شاهدخت‌ها و دیگر عناصر خائن همچون هژبر یزدانی ترکمن صحرا را حصار کشیدند و با زور سرنیزه، ترکمن‌ها را از مراتع بیرون راندند و خودشان به ایجاد انواع تاسیسات دامداری و غیره پرداختند. در کنار مزارع عظیم خائنانی چون هژبر یزدانی، دهقانان ترکمنی زندگی می‌کنند که حتی به اندازه مسکن خود نیز زمین در اختیار نداشته و ندارند. تحت چنین مظالم اقتصادی و اجتماعی خاندان پهلوی و اشرافیت مستبد وابسته به امپریالیسم، ما را از مجموع حقوق ملی خود محروم کردند نه زبانی برای ما به جا مانده و نه سنتی، فرهنگ ما را که در طی هزاران سال به تدریج شکل گرفته و به بهای خون فرزندان دلیر ترکمن حفظ شده بود متلاشی کردند و بجای آن فرهنگ ضدملی و ضد خلقی امپریالیسم را به جوانان ما تحمیل نمودند. مجموعه ظلم و ستمی که پیوسته خلق ما را در چنگال خود گرفته بود در دل تک تک مردم این دیار خشم و نفرتی عظیم را نسبت به امپریالیسم و عمال آن و نسبت به هر نوع ظلم و فشار و سلطه طلبی شعله‌ور نمود به هنگامی که همه خلق‌های ستمدیده میهن ما برای درهم کوبیدن امپریالیسم و دست نشاندگانش وارد پیکار شدند، خلق ما نیز در کنار برادران خود کوشید تا سهم خود را ادا کند و در این جنبش آزادی بخش امکاناتش را به کار اندازد. خلق ترکمن انقلاب را به گونه راهی می‌دید که به آزادی و برادری و برابری منتهی می‌شود و با همین دید به مبارزه برخاست پس از اینکه جنبش، امپریالیسم را عقب نشانند و بسیاری از عوامل آنرا درهم کوبید، همه خلق‌های ما شادمانه، فرا رسیدن روز آزادی خود را جشن

گرفتند و در فردای انقلاب، خواست‌های خود را در پیشگاه مردم ایران مطرح کردند تا همه با هم در جهت تحقق آنها بکوشیم. خلق ترکمن نیز به‌نوبه خود با شور و اشتیاق خواست‌های برحق خود را با عموم رزمندگان انقلابی درمیان گذاشت و به‌نوبه خود کوشید تا آثار جور و ستم بی‌عدالتی را از پهنه زندگی مردم ستم‌دیده این دیار پاک کند. دختران ترکمن با شور و اشتیاق، لباس محلی خود را بر تن کردند و همگان با افتخار به‌زبان خود سخن گفتند و دهقانان ستم‌دیده زمین‌های غصب شده‌شان را به‌امید بازبایی آنها نشانه نمودند و... و همه این حرکات به‌گونه هدیه انقلاب به‌خلق ترکمن نمودار می‌شد و مبارزین ترکمن باامیدی هرچه بیشتر نوید رهایی خلق را از ستم می‌دادند. به‌همین امید و در جهت همین اهداف بود که شورای فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن را تشکیل دادیم تا در آینده پاسدار سنت‌های خلق ما باشد و تشکیل این شورا را به‌عموم خلق‌های میهن‌مان مشتاقانه اعلام نمودیم.

راه ما و خواست ما این بوده و هست که ستم از دوش رنجبران بیفکنیم و ایران یکپارچه و آزاد را از طریق اتحاد خلق‌های از بند رسته پی افکنیم. اما در راه چنین کوشش‌هایی انبوه دسیسه‌ها نشسته بود چرا که امپریالیسم و عمال آن وحدت و یکپارچگی خلق‌های ایران را بزرگترین دشمن منافع خود می‌دانند و برای جلوگیری از این وحدت خود را به‌لباس‌های گوناگون در می‌آورند، اینان در صفوف خلق رخنه می‌کنند و می‌کوشند تا عناصر ناآگاهی از صفوف خلق را وسیله رسیدن به‌مقاصد خود قرار دهند. دسیسه‌های آنها در گنبد موثر واقع شد و جنگی ناخواسته را میان ما و برادران ما پدید آورد و عناصر متعصب و ناآگاه آلت دست این توطئه شوم شدند.

چگونه کار به‌جنگ کشید؟

ما در روز ۶ فروردین ماه ساعت ۲ بعد از ظهر در باغ ملی میتینگی ترتیب دادیم تا پاره‌ای از خواست‌های خود را تشریح کرده و در ضمن به‌کشتار خلق کرد اعتراض نمائیم. هنگامی که بیش از ۲۰ هزار نفر مشغول شنیدن سخنان نمایندگان خود بودند ناگهان چند دسته مسلح از طرف کمیته امام به‌جمعیت هجوم آوردند. نخست شلیک هوایی کردند و

سپس با پرتاب گازاشك آور و شليك پياپی به طرف جمعيت بی دفاع به كشتار آنان پرداختند. این هجوم مسلحانه به هنگام پراكنده شدن جمعيت و حتی تا درون خانه‌ها ادامه یافت و در لحظات نخست به كشته شدن ۳ نفر و مجروح شدن ۱۴ نفر از رنجبران تركمن انجامید. مهاجمين در حين تعقيب مسلحانه و وحشیانه جمعيت تعداد ۱۲۰ نفر را به گروگان گرفتند ما که با هرگونه نزاع میان خلق‌ها مخالفيم در تمام این مدت کوشیديم که جمعيت تهییج شده از طریق پراكنده شدن و عقب‌نشینی از خود دفاع کند اما چنانکه هم اکنون روشن است دسيسه ریشه‌دارتر از آن بود که حسن نیت خلق تركمن جلو آنرا بگیرد.

وحشیگری مهاجمين تا بدان حد بود که گروگان‌ها را جلوی خود صف کردند و از پشت سر آنها به ما شليك می‌کردند یعنی عملاً سنگری زنده از رزمندگان ما به وجود آورده بودند تا ما را هرچه بیشتر در تنگنا قرار دهند. در مقابل چنین هجوم و تحریکاتی بود که خلق ما ناچار به دفاع مسلحانه از خود شد و کوشید تا از آرمان و شرف خود هرچه سختتر دفاع نماید. و بدین ترتیب کمیته‌های امام‌خلق ما را به سنگرهای خونین کشانید. در پی این حادثه و در طول نزاع ناخواسته و تحمیلی با کمال تعجب مشاهده کردیم که وجدان از وسائل ارتباط جمعی رخت بر بست و گویا شاه کماکان افسار تبلیغات را به دست دارد، چرا که جز يك یا دو مورد که گوشه‌ای از واقعیت در مطبوعات منعکس گردید آنچه گفته شد جز مشتی دروغ کثیف و خائنانه، مشتی حرف‌های محمدرضا شاهی، مشتی بلغور اراجیف درخور دیکته کنندگان آنها چیزی در بر نداشت.

نه سخنی از ستمی که بر ما رفت به میان آمد و نه اشاره‌ای به هجوم سرکوبگرانه و خونین کمیته امام‌شد. خلق هرگز احتیاج به اثبات حقانیت خود ندارد بلکه این مدعیان مدافع منافع خلق هستند که باید ثابت کنند به آنچه می‌گویند واقعاً اعتقاد دارند. آیا این دلسوزی برای خلق است که گروگان‌ها را سپر خود قرار دهند و آیا این بیان حقیقت است که تمام خواست‌های خلق ما را از نظر خلق‌های دیگر ایران پوشیده بدارند، به عناصر متعصب و ناآگاه بگویند که مشتی ساواکی در گنبد می‌جنگند و وظیفه شما کشتار آنهاست؟ این اعمال و چنین سخنان را چگونه می‌توان

توجیه کرد؟ قضاوت با مبارزین صدیق راه انقلاب است و بس. خلق ما اعلام می‌کند که جنگ کنونی جنگی تحمیلی است و توسط عناصر مرتجع و ناآگاه ادامه یافته است. اینک که آتش بس بر قرار شده و ما با تمام نیرو خود را پاسدار آن می‌دانیم، به تمام خلق‌های ایران اعلام می‌کنیم که با چشم باز به پهنهٔ پیکار گنبد بنگرید و ببینید چه کسانی با چه شیوه‌هایی و تحت چه شعارهایی آشوب به راه می‌اندازند (و ممکنست در آینده باز چنین کنند).

خلق ما جز رفع ستم (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، که خواست برحق همه خلق‌های ایران است و جز حفظ وحدت و یکپارچگی میهن پر افتخار خود خواستی ندارد و اعلام می‌کند تنها مرتجعین سیه دلند که چنین خواسته‌هایی را موجب مرگ خویش می‌دانند.

استوار باد همبستگی همه خلق‌های میهن

پایدار باد میهن پرافتخار مان ایران

نابود باد امپریالیسم

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

وابسته به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۵۸/۱/۱۳

در گنبد چه می‌گذرد؟ (اعلامیه شماره ۱۳)

مبارزات حق طلبانه خلق‌های ستمدیدهٔ ایران که هزاران شهید به خون خفته را به همراه داشت چیزی جز آزادی و رسیدن به حقوق حقه و دمکراتیک نمی‌بایست به دنبال داشته باشد.

خلق ترکمن نیز همانند دیگر خلق‌های ایران، تحت ستم ملی و اقتصادی وحشیانه‌ای قرار گرفته بود. زمین‌های این منطقه توسط شاهپورها و سرمایه‌داران زالوصفتی چون هژبر یزدانی و... با اعمال شکنجه و کشتار تصرف گردید و کشاورزان را آواره و بی‌خانمان نمود.



خلق ترکمن در دوران سیاه و دیکتاتوری پهلوی همواره مورد ستم فرهنگی، قومی و مذهبی قرار گرفت و دولت مرکزی با تحقیر و شکنجه و آزار نگذاشت که آنان در مؤرد زبان و فرهنگ مذهب خود تصمیم بگیرند.

در این انقلاب رهائی بخش ترکمن‌ها برای اینکه خودشان صاحب زمین‌هایشان شوند، خودشان در مورد زبان، فرهنگ و مذهبشان در چهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک تصمیم بگیرند وسیعاً به‌مانند دیگر خلق‌های تحت ستم شرکت کردند. در نتیجه کشاورزان این منطقه انتظار داشتند که دولت موقت از خواست‌های به‌حق آنها اعلام پشتیبانی نماید. اما دولت موقت نه تنها از خواست‌های به‌حق آنها در مورد زمین پشتیبانی نکرد بلکه از غاصبان زمین‌های کشاورزان ترکمن نیز حمایت کرده و نمایندگانی برای حل این مسئله می‌فرستد که این نمایندگان نیز همانند دوران سیاه دیکتاتوری از کشاورزان می‌خواهند که از مصادره زمین‌های غصب شده خودداری کنند.

اکنون برای همه روشن است که در روز ۵۸/۱/۵ افراد کمیته امام (که نفوذ عمال ساواک در آن بر کسی پوشیده نیست) در گنبد با اعمال وحشیانه‌ای که از خود نشان دادند يك نفر را کشتند و در روز بعد به‌میتینگ بیش از ۲۰ هزار نفری مردم گنبد حمله کردند و دست به‌کشتر و تخریب زدند ولی صدا و سیمای انقلاب اسلامی بیش از ۲۰ هزار نفر مردم ترکمن را ضدانقلابی معرفی کرده و اعمال وحشیانه کمیته امام را به‌حق می‌داند. این تبلیغات به‌دنبال توطئه‌های از پیش طرح‌ریزی شده، مجموعه عواملی بودند که خلق ترکمن را در گنبد وارد جنگی ناخواسته و تحمیلی ساختند، جنگی که در آن به‌وحشیانه‌ترین شکلی دست به‌کشتر زن‌ها و کودکان بی‌دفاع ترکمن زده شد، ولی تمامی دستگاه‌های تبلیغاتی و تمامی عوامل ارتجاع دست به‌دست هم می‌دهند تا این جنگ را جنگی بین انقلابیون از يك طرف و ساواکی‌ها و زمین‌داران و غیره از طرف دیگر جلوه دهند و زمانی نیز سخن گوی دولت به‌طور کلی منکر وجود ترکمن‌ها، در طرف مقابل شده و گویا فقط خراب‌کاران غیر ترکمن هستند که از نقاط دیگر آمده‌اند تا گنبد را به‌آشوب بکشند. غرض‌ورزی تا بدانجا می‌کشد که تیراندازی به‌طرف مردم گنبد را از داخل آمبولانس وارونه جلوه داده و چنین وانمود ساختند که گویا این ترکمن‌ها بودند که به‌سوی آمبولانس‌های حامل زخمی‌ها آتش گشودند، تا افکار

عمومی را از اخبار واقعی روی دادها منحرف کنند. بدین وسیله و با تحریک عواطف مذهبی مردم ما، کمیته‌های امام عده‌ای از جوانان کم سن و سال را بسیج کرده و به سوی ترکمن صحرا می‌فرستند. راستی مسئولیت این همه کشتار با کیست؟

چه کسی مسئول کشته شدن آن جوان هفده ساله‌ای است که از شهرش و از میان خانواده‌اش او را بیرون آوردند تا یا برادرش را بکشد و یا به‌دست او کشته شود؟ اعترافات افرادی که به‌دست رزمندگان خلق ترکمن بازداشت شده‌اند حاکی است که به‌آنها گفته شده چون کمیته امام می‌خواست دو ساواکی ترکمن را دستگیر کند ترکمن‌ها نگذاشتند و این همه کشته را به‌خاطر این دو ساواکی دادند!

با ایجاد يك چنین جوی و با يك چنین تبلیغاتی هر روز دامنه جنگ و کشتار را گسترده‌تر می‌سازند. علیرغم درخواست‌های پیاپی رزمندگان خلق ترکمن برای انجام آتش‌بس، دست به‌تحریک و ادامه جنگ می‌زنند تا زمینه دخالت ارتش را آماده سازند. با آنکه از ساعت ۷ بامداد روز یکشنبه ۵۸/۱/۱۲ رزمندگان خلق ترکمن اعلام آتش بس کرده و حتی يك تیر نیز شلیک نکرده‌اند، اما به‌دنبال اخطار دولت مبنی بر اینکه اگر تا ساعت ۳ بعد از ظهر روز دوشنبه ۵۸/۱/۱۳ آتش‌بس برقرار نگردد، ارتش دخالت خواهد کرد، عوامل مرتجع و مشکوک در درون کمیته‌های امام به‌دفعات آتش بس را نقض کرده و می‌کوشند تا آن زمان مشعل جنگ را برافروخته دارند که همه چیز برای دخالت ارتش و به‌دنبال آن کشتار هرچه بیشتر مردم زحمتکش آماده گردد.

ما از تمامی خلق‌های قهرمان ایران، برای جلوگیری از کشتار بیشتر مردم ترکمن برای تحقق خواست‌هایمان کمک می‌خواهیم، چرا که معتقدیم خواست‌هایمان در چهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک خواست‌هایی مشروع و به‌حق بوده و هر دولت انقلابی و دموکراتیک باید آنرا بپذیرد و به‌آن عمل کند.

هرچه استوارتر باد پیوند همه خلق‌های ایران  
مرگ بر تفرقه‌اندازان و نفاق افکنان

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - بندر ترکمن

### ننگ بر توطئه گران و نفاق افکنان

در دوران حاکمیت رژیم خونخوار پهلوی و نوکرانش خلق ترکمن در نتیجه ستم‌های ملی و اقتصادی، بسیاری از حقوق مسلم خود را از دست داد. اراضی مزروعی دهقانان ترکمن توسط عمال دربار پهلوی و سرسپردگانش به غارت رفت. حقوق حقه صیادان ترکمن همچون سایر نقاط کشور پایمال شد. فرهنگ ملی و سنت‌های قومی به اضمحلال کشیده شد. ولی فرزندان راستین خلق ترکمن در دوران سیاه اختناق به طرق گوناگون به مبارزه خود علیه رژیم پهلوی ادامه داد و در انقلاب رهائی بخش خلق‌های ایران همگام با سایر خلق‌های تحت ستم شرکت جست و اکنون که در نتیجه سقوط رژیم پهلوی خلق ترکمن جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب و بازگرداندن حقوق از دست رفته خود به پا خاسته است عمال رژیم سابق و ارتجاع داخلی در مقابل خواست‌های برحق خلق ترکمن به کارشکنی پرداخته و در صدد تحریف حقایق هستند. چه کسانی به ندای حق طلبانه خلق ترکمن با رگبار مسلسل‌ها پاسخ می‌دهند؟ چه کسانی شرکت کنندگان در میتینگ مسالمت‌آمیز خلق ترکمن را به گلوله می‌بندند و دست به کشتار مردم بی‌دفاع می‌زنند؟ چه کسانی سعی در ایجاد اختلاف بین ترکمن و غیر ترکمن (فارس، ترک، زابلی، و غیره) دارند؟ بدیهی است که اینها نوکران امپریالیست‌ها و ارتجاع داخلی می‌باشند، که با فریفتن اذهان عمومی و جوانان وطن آنها را وا می‌دارند که به جنگ و برادرکشی دست بزنند تا از این راه منفعت‌های حقیر شخصی خود و اربابانشان را تامین نمایند. نوکران سرسپرده امپریالیسم و ارتجاع داخلی باید بدانند که خلق قهرمان ترکمن تا پیروزی نهائی انقلاب رهائی بخش خلق‌های ایران و تحقق آرمان‌های دموکراتیک خود همگام با سایر خلق‌های مبارز ایران به مبارزه بر علیه آنها ادامه خواهد داد و در این راه از هیچگونه فداکاری و جانبازی دریغ نخواهند نمود. خلق رزمنده ترکمن با هوشیاری انقلابی خود

تلاش‌های مذبحانه عوامل ارتجاع را نقش بر آب کرده و اجازه نخواهد داد که عوالم سرسپرده امپریالیسم و ارتجاع داخلی در لباسی جدید و ماسکی تازه نیات پلید و ضدانسانی خود را اجراء نمایند. ما خواست‌های برحق خود را مطرح کرده و بازهم می‌کنیم و هرگونه تمایلات تجزیه‌طلبی را قویاً محکوم می‌نمائیم. خلق ترکمن خواستار حق تعیین سرنوشت خود به‌دست خویش در چهارچوب حاکمیت خلق‌های ایران می‌باشد. لذا طرح مسئله فارس‌ها و ترکمن‌ها و یا شیعیان و سنی‌ها جز دامن زدن به‌درگیری‌های خونین درون خلقی که مستقیماً به‌نفع امپریالیست‌ها به‌سرکردگی آمریکا و عمال خود فروخته رژیم سابق و به‌ضرر خلق‌های ایران می‌باشد، نتیجه دیگری عاید مردم ایران نخواهد کرد خلق ترکمن همچون خلق‌های کرد، بلوچ، ترک،... آن حقوقی را خواستار است که تضمین‌کننده بقای آداب و رسوم، زبان و فرهنگ ویژه و تاریخ آن باشد. ما به‌حقانیت راه خود ایمان داشته و مصرانه ازدولت موقت انقلابی آقای بازرگان خواستاریم که در مورد قطع جنگ و برادرکشی در این منطقه سریعاً اقدام نموده و به‌خواست‌های برحق خلق ترکمن پاسخ دهد.

هرگونه تأخیر در این مورد موجب ادامه کشتار و خونریزی‌های بیشتر است، دراین صورت دولت موقت مسئولیت عواقب این کشتار را بر عهده خواهد داشت.

درورد بر شهدای راه آزادی  
 درود بر رزمندگان شجاع خلق ترکمن  
 هرچه مستحکمتر باد پیوند همه خلق‌های ایران  
 نابود باد ارتجاع  
 برقرار باد حاکمیت خلق‌ها

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن  
 وابسته به‌ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا  
 مورخ ۵۸/۱/۱۳

(اعلامیه شماره ۱۵)

## توطئه‌های عوامل ارتجاع و ضد مردمی را افشا سازیم!

مردم مبارز مازندران!

وقایع اسف بار گنبد موجب نگرانی تمام نیروهای انقلابی و مترقی شده است. این وقایع به‌خوبی نشان می‌دهد که مجریان توطئه‌های امپریالیستی و عناصر ارتجاعی و وابستگان به‌رژیم منفور پهلوی از پای ننشسته و می‌خواهند مردم مبارز ما را از هدف مبارزه با امپریالیست‌ها و دشمنان خلق باز داشته و به‌سوی یک جنگ درون خلقی ناخواسته منحرف سازند، تا شاید زمینه‌های مناسب برای اجرای توطئه‌های شوم دیگری در آینده علیه خلق ما را فراهم آورند. به‌دنبال این توطئه‌ها، این روزها در بعضی از شهرهای مازندران نیز مشاهده می‌شود که عناصر ارتجاعی و ضد مردمی سعی دارند تا از ناآگاهی مردم سوء استفاده کرده و با تحریک احساسات مردم و با پخش شایعات و اکاذیب در مورد دخالت نیروها و سازمان‌های انقلابی به‌ویژه سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و هواداران آن، تبلیغات سوء وسیعی را علیه این نیروها به‌راه انداخته و اذهان عمومی را در این مورد مشوش سازند.

این عناصر ارتجاعی و ضد مردمی تلاش دارند، از پیوند نیروهای انقلابی و توده‌های مردم ممانعت به‌عمل آورده و با لوٹ نمودن چهره سازمان‌ها و نیروهای انقلابی در این شهرها، جوی ضد انقلابی به‌وجود آورند. به‌ویژه اینکه با پخش اکاذیب و شایعات بی‌اساس سعی دارند اینچنین وانمود کنند که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در شروع و یا تداوم جنگ نابرابر خلق ترکمن دخالت داشته و یا عامل این حوادث ناگوار بوده است.

ما اعلام می‌داریم که این توطئه بزرگی علیه بزرگترین سازمان رزمنده است که در سال‌های اختناق، با مبارزات پیگیر حقانیت راه خود را ثابت کرده است.

ما اعلام می‌داریم عاملین این توطئه‌ها، ایادی امپریالیست‌ها و دست نشانندگان مرتجع داخلی آنها بوده که برای ایجاد تفرقه در صفوف مردم و بازگرداندن سلطه ضدانقلاب عمل می‌کنند.

اینک ما به‌منظور روشن نمودن اذهان عمومی چگونگی ماجرا را به اطلاع می‌رسانیم:

در روز پنجم فروردین بین يك جوان ترکمن سیگارفروش و یکی از اعضای کمیته امام بر سر قیمت فروش سیگار اختلاف ایجاد می‌شود و عده‌ای ترکمن که شاهد جریان هستند از سیگارفروش حمایت می‌کنند. این اختلاف منجر به تیراندازی از طرف اعضای کمیته می‌شود که نتیجتاً يك نفر کشته می‌شود. فردای آنروز یعنی روز ششم فروردین با اعلام قبلی شورای فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن قرار بود میتینگ برگزار شود از این رو مخصوصاً برای جلوگیری از هرگونه درگیری و برادرکشی از شرکت کنندگان مصرأ خواسته می‌شود که از حمل هرگونه سلاح خودداری شود ولی متأسفانه در حین برگزاری میتینگ مردم مشاهده می‌کنند که به‌وسیله ریه‌های ارتشی حامل سربازان و افرادی که نقاب بر صورت دارند محاصره شده‌اند که با گذشت مدت کوتاهی این افراد ابتدا شروع به تیراندازی هوائی و سپس تیراندازی به‌سوی مردم بی‌دفاع می‌کنند. مردم اجباراً متفرق می‌شوند و در این میان تعدادی کشته و زخمی بجای می‌گذارند و افراد کمیته صد نفر را دستگیر و به‌پادگان نوده می‌برند که بر اساس اطلاعیه‌ای در تاریخ ۵۸/۱/۱۱ اعلام داشته‌اند که در غیرانسانی‌ترین وضعی نگهداری می‌شوند و نه تنها جای نشستن ندارند بلکه آب و غذا به آنها داده نمی‌شود. در همین جا می‌پرسیم چه کسی آغازگر کشتار مردم است؟ و اما تداوم جریان، مردم که شهیدان، مجروحین و بستگان در بند خود را می‌بینند و شاهد تهاجم عناصر ناآگاه و ارتجاعی هستند، مجبور به دفاع مسلحانه از خود می‌شوند، در شرایطی که می‌بینیم افراد کمیته راه را برای هر نوع کمکی به‌برادران و خواهران ترکمن سد می‌کنند. از شهرهای دیگر نیز عده زیادی را بدون آنکه حتی به آنها بگویند برای چه می‌روند برای سرکوب مردم به‌گنبد اعزام می‌کنند، چرا؟

و در شرایطی که می‌گویند آنها که شورش!! کرده‌اند نه ترکمن هستند و

نه فارس، آنها مشتی ضدانقلابی هستند، نه تنها از تمامی شهرهای اطراف بلکه حتی از شهرهای مشهد و قم نیز برای سرکوب مردم نیرو می‌فرستند. اگر به‌راستی آنها مشتی ضدانقلابی بودند پس اینهمه نیرو برای چیست؟ ما قضاوت این موضوع را که خلق ترکمن شورش کرده است یا نه و اینکه آنها ضدانقلابی هستند یا نه به‌آنها می‌واگذاریم که تحت هر نام و عنوان به‌آنجا رفتند و از نزدیک مسائل را دیده و بررسی کردند و از تمامی افراد مسئول و آگاه می‌خواهیم که به‌گنبد بروند و مسائل و حقایق و خواست‌های به‌حق خلق ترکمن را بررسی کنند و برای آگاهی اذهان عمومی صادقانه نظرات خود را اعلام کنند. ما از هم اکنون از تمامی کسانی که این مسئولیت را به‌عهده می‌گیرند سپاسگزار خواهیم بود. در روز هشتم فروردین پیشنهاد ۷۲ ساعت آتش‌بس جهت حل مسائل می‌شود ولی مردم در روز نهم فروردین شاهد مانور جت‌های فانتوم بر فراز شهر و رگبار مسلسل‌های سنگین به‌منازل خود هستند چرا؟ ما در گذشته چندین بار شاهد مانور فانتوم‌ها بر فراز شهرها بوده‌ایم. راستی این فانتوم‌ها را اصلاً برای سرکوب خلق‌های مبارز ایران خریده‌اند، ما این توقع را از رژیم ضد مردمی و دیکتاتوری شاه داشتیم و این طبیعی بود ولی امروز چرا؟ چه کسی فرمان پرواز این فانتوم‌ها را بر فراز شهرهای سنندج و گنبد صادر می‌کند؟ چه کسی فرمان رگبار مسلسل از هلی‌کوپتر را بر روی مردم سنندج و گنبد صادر می‌کند و چرا؟ ما از تمامی مردمی که به‌خون هزاران شهید گلگون کفن که بر علیه استبداد و اختناق و امپریالیسم جنگیدند و جان باختند، احترام می‌گذارند و از تمامی مردمی که قلبشان به‌خاطر ایران آزاد و مستقل می‌تپد می‌خواهیم که به‌این چراها فکر کنند و منصفانه به‌آن پاسخ گویند. پی‌آمد جریان تا آنجا که ما اطلاع داریم ادامه‌درگیری بوده است و نتیجه آن ریختن خون دهها جوان از دو سوی است که در کشتاری ناخواسته و به‌تحریک عوامل ضد انقلابی و ارتجاعی درگیر شده‌اند و جان باختند، و صدها مجروح و مصدوم و ویرانی و بالاتر از همه اینها تفرقه در میان صفوف متشکل خلق. دست آورد آن به‌نفع کیست؟ به‌عقیده ما هیچکس جز امپریالیسم و عوامل داخلی‌اش.

عوامل ارتجاع و امپریالیسم با تبلیغات سوء و تحریف وقایع می‌کوشند

سازمان چریکهای فدائی خلق را در این ماجرا مقصر جلوه دهند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بلافاصله و از همان آغاز درگیری‌ها موضع خود را طی دو اعلامیه تحت عنوان «اعتراض به صدا و سیمای انقلاب اسلامی» و اطلاعیه مورخه ۵۸/۱/۹ صریحاً اعلام داشته است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعلام کرده است که هرگونه تفرقه را در درون صفوف خلق محکوم می‌کند و همواره این را متذکر شده است که هرگز به‌روی نیروهای درون خلقی اسلحه نخواهد کشید و هرگونه درگیری و کشتار نیروهای مردمی را محکوم می‌کند.

در مورد ترکمن صحرا سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از همان اولین روزهای درگیری بسیار سعی کرد که در برقراری آتش بس بین دو طرف مؤثر باشد، و در این رابطه نیز هم اکنون اکیپی از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همراه با اکیپ‌های دیگر برای برقراری آتش بس در منطقه مشغول فعالیت مداوم هستند.

ما یکبار دیگر صریحاً اعلام می‌داریم که هرگونه تفرقه در صفوف متشکل خلق و هرگونه برادرکشی را شدیداً محکوم نموده و آنرا جز به سود امپریالیسم و دست نشانندگان داخلش نمی‌دانیم.

مرگ بر توطئه‌گران و تفرقه‌افکنان

بر قرار باد وحدت تمامی نیروهای درون خلقی

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

(ساری)

۱۳۵۸/۱/۱۳

(اعلامیه شماره ۱۶)

چرا آتش بس در جهت منافع ترکمن و تمامی خلق‌های

ایران است؟

جنگ خونین گنبد چگونه آغاز گردید؟ پاسخ بدین سؤال سرمنشاء شناخت حقایق مربوط به جنگ برادرکشانه گنبد می‌باشد:



با حمله افراد مسلح کمیته انقلاب امام در روز ۵۸/۱/۶ به میتینگ آرام قریب به ۲۰ هزار تن از مردم ترکمن و سپس حمله مسلحانه توأم با گازاشک‌آور به محل ستاد مرکزی شوراهای خلق ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن جمعاً ۳ تن کشته و ۱۴ نفر زخمی و حدود ۱۲۰ نفر دستگیر گردیدند. بدین ترتیب آتش جنگ و برادرکشی افروخته گردید. جنگی ناخواسته و تحمیلی که مردم ترکمن صحرا را به طور اجتناب‌ناپذیری فراگرفت و مدت ۹ روز به طور مستمر و بدون وقفه ادامه یافت. تمام وسائل داخل ساختمان ستاد مرکزی و کانون فرهنگی تخریب و به آتش کشیده شد و ساختمان توسط افراد کمیته اشغال و به صورت سنگر نظامی درآمد. مبارزین وابسته به ستاد مرکزی شورا با این یورش باور نکردنی کمیته امام به مردم ستاد مرکزی پراکنده گردیده و در صدد دفاع و چاره‌جویی برآمدند. سرگیجه اولیه ناشی از حمله غافلگیرانه با مردم و محل، ستاد مرکزی شوراها و کانون فرهنگی خلق ترکمن را تکان داد و جبراً در مقابل شرایط جدید به طور غریزی و وسایل دفاع را فراهم کرده و با شرکت همه جانبه خود در عملیات مقدماتی دفاع از جان خود و فرزندان و منازل خویش، رزمندگان خلق ترکمن را یاری رساندند و دست به ایجاد سنگر بندی و تیراندازی‌های متقابل دفاعی زدند. حمله مسلحانه به طرف مردمی که بی سلاح در میتینگ آرام و مسالمت جویانه روز ۶ فروردین شرکت کرده بودند موجب وحشت و اضطراب زایدالوصف ترکمن‌ها گردید. تحت شرایط مادی و روانی انواع شایعات هراس‌آور که با اعمال بعدی عده‌ای از اعضای مسلح کمیته امام دامن زده می‌شد، در ذهن مردم ترکمن شبیحی از قتل عام و غارت و بازداشت‌های جمعی ایجاد کرده، یورش مسلحانه و شروع برادرکشی منجر به نفاق بین دو قسمت شهر یعنی بخش غیر ترکمن‌نشین و بخش ترکمن‌نشین (که چندان هم از یکدیگر جدانیست) گردید در بخش غیر ترکمن‌نشین با پخش انواع و اقسام شایعات تحریک‌آمیز مبنی بر اینکه ترکمنان وحشی هستند ترکمنان آمدند (کنایه از حمله مغول‌ها است) و به جان و مال و ناموس مردم تجاوز می‌کنند، در فلان جا سر بریده‌اند و در بهمان محل به منازل مردم غیر ترکمن حمله کرده و اموال و زنان را به غارت برده‌اند و... یک فضای ذهنی منفی بسیار هیجانی بر علیه ترکمنان به وجود آوردند و خط مرزهایی نظیر فارس‌ها و

ترکمن‌ها، سنی‌ها و شیعیان، انقلابیون و ضد انقلابیون، مسلمانان و کافران و غیره و غیره... شکل گرفت. مبارزین ترکمن که وسایل انتشاراتی مستقر در محل ستاد و کانون خود را ازدست داده بودند تحت پیگردهای حساب شده و خطر دستگیری نتوانستند و امکان آنرا نداشتند که مردم ایران را به این حقایق آشنا سازند تا افکار عمومی خلق ایران با دریافت يك جانبه اطلاعات به ظاهر درست به قضاوت ننشینند. از سوی دیگر تحت شرایط حمله مسلحانه به میتینگ آرام مردم و عدم پاسخ حداقل مساعد مسئولان به کوچکترین خواسته‌های برحق خلق ترکمن و ترس و وحشت از يك یورش همه جانبه و حساب شده توسط کمیته امام گنبد در اذهان بخش ترکمن‌نشین، آنچنان شرایط بدبینانه در شهر گنبد حاکم گردید که کمترین اعتمادی که شرایط ضرور و اولیه هر آتش‌بس است از بین رفت تا هر تلاش هرچند مختصری برای جلوگیری از دامنه جنگ مؤثر واقع شود. بدین ترتیب عملاً جنگ مردم با مردم، جنگ بخشی از خلق با بخش دیگر خلق آغاز گردید و به سرعت دامنه یافت. فرصت‌طلبان، عمال زمینداران بزرگ و وابستگان به رژیم منفور پهلوی و ساواکی‌ها و همه آنهایی که از مدتها پیش تلاش مذبوحانه‌شان در نفاق افکنی موثر واقع نمی‌شد با واقعی جلوه دادن شایعات تحریک‌آمیز و غیره هیزم به آتش نفاق و درگیری مردم می‌افزودند. طبیعی است که این جنگ دشمنان انقلاب خلق ایران و تمامی عوامل رژیم سابق و امپریالیست‌ها را خشنود کرده است. اما متأسفانه حملات نظامی کمیته امام و پیشروی به سوی محلات ترکمن‌نشین جای شکی برای مردم باقی نگذاشت که هرگونه تأخیر و تعلل موجب خسارات مالی و جانی غیر قابل حسابی خواهد گردید.

کارشکنی‌ها و تحریکات هیجان آور ناشی از عمال ساواک که در کمیته امام گنبد نفوذ کرده‌اند بادامن زدن به عداوت‌ها که بخش اعظم آن از ناآگاهی عده‌ای از رزمندگان مسلح کمیته امام که از شهرهای دیگر به گنبد آمده بودند و به هیچ وجه از شرایط اجتماعی و فرهنگی مردم گنبد اطلاع نداشتند سرچشمه می‌گرفت، از یکسو و آماده شدن بخش ترکمن‌نشین جهت دفاع از خود که همچون همه کسانی که مورد هجوم مسلحانه قرار گرفته‌اند، دست به ضروری‌ترین، بدیهی‌ترین و ابتدائی‌ترین واکنش یعنی دفاع از خود زده و با تمام قوا از جان خویش دفاع می‌کردند از سوی دیگر، عملاً موجب شدت

یافتن دامنه جنگ گردید. مسئولترین دستگاهی که قادر به پایان دادن جنگ می‌باشد دولت است. دولت که در ابتدا مسئله را چندان جدی نگرفته بود برای پایان دادن جنگ دخالت کرد و هیأت‌های رسمی و غیر رسمی مأمور برقراری آرامش گردیدند. به دنبال آن پس از تماس‌های اولیه آتش‌بس اول اعلام گردید. اما نیروهای کمیته امام که از مشهد ساری، شاهرود، بابلسر تهران، بهشهر، شهنسوار، گرگان، آزادشهر (شاه پسند سابق) و... آمده بودند عمدتاً حاضر به آتش‌بس نبودند زیرا که آنها نه تنها برای آرامش به گنبد نیامده بودند بلکه اساساً برای سرکوب مسلحانه و جنگیدن با ترکمن‌ها به گنبد احضار شده بودند. لذا بهیچوجه خود را موظف به رعایت آتش‌بس نمی‌دیدند به خصوص اینکه نمایندگان رسمی و غیر رسمی دولت از اختیار چندانسی برخوردار نبودند. بدین ترتیب آتش‌بس در مدت کمتر از یک ساعت توسط کمیته امام شکسته شد.

انعکاس درگیری مسلحانه گنبد در مطبوعات و رسانه‌های گروهی هر چند که صد درصد یکطرفه و بدون اطلاع از طرف دیگر درگیری، یعنی نظرات ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و خود مردم ترکمن صورت گرفته بود، به هر حال مسئله را به طور جدی در دستور کار دولت موقت انقلابی قرار داد و یک هیأت تام‌الاختیار به گنبد اعزام گردید. علیرغم قطع ارتباطات تلفنی و زمینی و غیره نمایندگان تام‌الاختیار دولت با نمایندگان مردم ترکمن گنبد تماس برقرار کرده و پس از اعمادهای اولیه از ساعت ۷ روز دوشنبه ۵۸/۱/۱۳ آتش‌بس از جانب دو طرف اعلام گردید. آتش جنگ فروکش کرد اما تمام روز دوشنبه تیراندازی‌ها ادامه یافت. رزمندگان ترکمن با صبر و بردباری و با درک مسئولیت خطیر خود آتش‌بس را رعایت می‌کردند و در عین حال مذاکره برای برقراری آتش‌بس ادامه می‌یافت. در روز سه شنبه (روز دوم آتش‌بس) عناصر ساواکی و جنگ‌طلبان ناآگاه کمیته امام (نه همه‌شان) نقشه شکستن آتش‌بس را طرح کردند. به ویژه هر شامگاهان حدود ۴ ساعت تمام با تیراندازی با سلاح‌های سبک و مخصوصاً نارنجک اندازی به سوی سنگرهای رزمندگان ترکمن و خانه‌های آنها که نسبت به روزهای قبل از آتش‌بس از لحاظ شدت آتش بی‌نظیر بود، حداکثر کوشش نفاق‌افکنانه خود را در شکستن آتش‌بس به کار بردند. اما واکنش رزمندگان ترکمن با تمام خطراتی

که در پاسخ ندادن به آتش طرف مقابل وجود داشت و با توجه به فشارهای شدید عصبی در داخل سنگرها، شکیبائی انقلابی بی‌مانندی بود که تنها از ایمان عمیق به وحدت و یکپارچگی همه خلق‌های ایران سرچشمه می‌گیرد. آتش بس حفظ گردید و بدین ترتیب برادرکشی پایان یافت. اما خلق ترکمن نسبت به کمیته امام گنبد هم چنان بدین استواری و هیچ اعتمادی بآن ندارد. نفوذ عوامل ساواک بردشمنان خلق در کمیته امام گنبد بر همگان آشکار گردید، ومدارك دردست است و قریباً به اطلاع مردم ایران خواهد رسید. ما ازدولت انقلاب اسلامی مصرانه خواستاریم که کمیته امام گنبد را هرچه سریعتر منحل و هویت اعضای آنرا مورد بررسی قرار داده و عناصر و عوامل رژیم منفور به خاک سپرده شده پهلوی را که در آن نفوذ کرده‌اند به عموم ملت ایران معرفی نماید تا حقیقتاً دشمنان مردم و انقلاب از صفوف آنها تصفیه و با محاکمه و مجازات فوری مسببان فاجعه گنبد درس عبرتی برای همه جنایتکاران و مزدوران نفاق افکن باشد.

مرگ بر تفرقه افکنان و آتش افروزان جنگ  
 نابود باد امپریالیسم و نوکران داخلی آن  
 هرچه مستحکم‌تر باد پیوند خلقهای ایران  
 پیروز باد مبارزات حق طلبانه همه خلق‌های ایران

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۵۸/۱/۱۶

(اعلامیه شماره ۱۷)

## تفرقه اندازان را افشا کنیم

در چند روز اخیر عده‌ای تحت عناوین (گروهی از دانشجویان دانشگاه صنعتی) و (کانون فرهنگی اسلامی ترکمن) اقدام به نشر اکاذیب و اراجیفی در خصوص وقایع اخیر گنبد نموده کوشش دارند تا با عوام‌فریبی و دوز و کلک وقایع را تحریف و افکار عمومی را از سیر در جهت صحیح بازدارند و بدین وسیله نقشه‌های شوم و تفرقه‌اندازانه خود را که خواه ناخواه در جهت منافع امپریالیست‌ها و ارتجاع داخلی می‌باشد اجرا نمایند. اینان که به ظاهر عقیده دارند اکنون وقت سازندگی است و با ایجاد تشنج در محیط مخالف هستند چطور جرأت می‌کنند و به خود اجازه می‌دهند که در روزنامه مطالب خلاف واقع نوشته و ادعا کنند که ترکمن‌ها با فتودال‌ها و عوامل رژیم سابق جبهه مشترکی بر علیه پاسداران انقلاب تشکیل داده‌اند؟ این گروه به اصطلاح تحقیقی (که البته در ماهیت آن جای صحبت زیادی هست) کدام يك از این فتودال‌ها و یا عوامل رژیم سابق را در سنگر ترکمن‌ها دیده است که اینچنین قلب واقعیت نموده و سعی در گمراه ساختن افکار عمومی می‌نمایند؟

بر هیچ وجدان آگاه و بیداری پوشیده نیست که خلق ترکمن هیچوقت بازپچه و عامل فتودال‌ها و عوامل رژیم سابق نبوده و نخواهند بود، بلکه برعکس منافع خلق با فتودال‌ها و عوامل رژیم سابق همیشه در تضاد بوده است. زیرا خلق ترکمن خواهان رفع ستم ملی و اقتصادی است و این خواست زمانی تحقق خواهد یافت که فتودال‌ها و عوامل سرسپرده رژیم سابق نابود شده باشند.

اکنون که خلق ترکمن جهت احقاق حقوق حقه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود به پا خاسته است و می‌رود که مواضع ارتجاع و سرمایه‌داران وابسته را یکی پس از دیگری در منطقه نابود ساخته و آنان را به‌گور سپارد، طبیعی است که اینها نیز جهت حفظ منافع و موقعیت خود دست به هر عمل جنایت‌بار و کثیفی خواهند زد و اینجاست که توطئه‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها آغاز می‌گردد. در جریان جنگ نه روزه، سیر وقایع نشان داد

که سرمایه‌داران وابسته و عوامل رژیم سابق هنوز نیز، در ارگان‌های مملکتی نفوذ داشته و تا چه حد در فریفتن و برانگیختن گروهی ناآگاه از مردم علیه خواست‌های برحق خلق موفق هستند.

کم توجهی دولت مرکزی نسبت به خواست‌های برحق خلق ترکمن از یکطرف و غرض‌ورزی مسئولان کمیته امام گنبد از طرف دیگر باعث شد که سرمایه‌داران وابسته و عوامل سرسپرده رژیم سابق با دست بازتری به تحریکات خائنانه خود علیه خواست‌های برحق خلق ترکمن مشغول شوند و تا آنجا پیش رفتند که علناً جنگ و برادرکشی را در گنبد آغاز کرده و جنگی ناخواسته را به خلق ستم‌دیده ترکمن تحمیل نمودند. اکنون که در اثر دفاع شجاعانه و برحق خلق ترکمن این عوامل خودفروخته و سرمایه‌داران وابسته به نیات پلید و ضدانسانی خود دست نیافته‌اند از راه دیگری وارد شده و این بار از طریق نشر اکاذیب و اخبار جعلی مقاصد پلید و تفرقه‌افکنانه خود را دنبال می‌کنند (کانون فرهنگی - اسلامی ترکمن) و (گروهی از دانشجویان دانشگاه صنعتی) بلندگویی هستند که در جهت تحقق اهداف نامقدس این عوامل خودفروخته و سرمایه‌داران وابسته به تلاش‌های مذبوحانه خود ادامه می‌دهند، غافل از اینکه خلق زحمتکش ترکمن همگام با سایر خلق‌های تحت ستم به مبارزه خود در راه به دست آوردن حقوق دموکراتیک تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داد و هیچ نیروئی نخواهد توانست سد راه جنبش حق‌طلبانه خلق ترکمن گردد.

مرگ بر تفرقه‌اندازان و توطئه‌گران

هرچه مستحکمتر باد پیوند همه خلق‌های ایران

پیروز باد مبارزات حق‌طلبانه خلق‌های تحت ستم ایران

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

(اعلامیه شماره ۱۸)

۵۸/۱/۲۳

در جواب «تحلیلی از وقایع گنبد»

(سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه صنعتی تهران)

تاکنون اطلاعیه‌های گوناگونی به وسیله این سازمان داده شده است که دور از واقعیت می‌باشد و با اغراض خاصی نوشته شده است. ما

واقفیم که در این سازمان عنصر ترکمن ضد انقلابی وجود دارد که اخبار کاذب را به این سازمان می‌دهد. یکی از اطلاعاتی داده شده در مورد رد نظرات جمعیت حقوقدانان و وکلای پیشرو که مرجع صلاحیت‌دار قانونی است می‌باشد که خوانندگان این اطلاعات به علت وجود تناقض در خود اعلامیه‌ها به واقعیت امر پی خواهند برد ما جوابی به اطلاعات فوق ندادیم چون فکر کردیم که آخریش باشد ولی دیدیم که این سمپاشی‌ها ادامه می‌یابد، و حال در مورد جواب به تحلیل وقایع گنبد.

الف - فتودال‌های ترکمن: موردی ندارد که فتودال‌ها و یا اعوان و انصارشان مارکسیست باشند زیرا مارکسیسم حافظ منافع آنها نیست بلکه حافظ منافع دهقانان و کارگران است و مسئله بریدن از دولت مرکزی به هیچوجه به وسیله نیروهای مترقی مطرح نبوده است و ستاد بارها و بارها اعلام نموده که مسئله تجزیه طلبی در میان نیست بلکه خواست‌های منطقی خلق ترکمن در ایران دموکراتیک و آزاد مطرح است.

نویسندگان اطلاعاتی حتی نام ستاد را هم تحریف کرده‌اند. زیرا «ستاد مرکزی شوراهای خلق ترکمن» با «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» دو سازمان مختلف‌اند. «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» حافظ منافع حقوق کلیه خلقها می‌باشد و «ستاد مرکزی شوراهای خلق ترکمن» که حافظ منافع خلق ترکمن است، وابسته به آن می‌باشد. مسئله ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا مانند خاری در چشم فتودال‌ها و حامیان آنها فرو رفته است.

بنیان‌گذاران ستاد که نیروهای مترقی هستند به‌ایدئولوژی علمی مجهزند. عناصر زیر بنیان‌گذاران ستاد و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن نمی‌باشند.

۱. دکتر مختوم شهنازی ۲. دکتر خدای نظر سیدی ۳. دکتر فیض‌اله جهانی

دکتر مختوم شهنازی در ارتباط با اکیپ پزشکی همکاری می‌کرده و فعالیت سیاسی ایشان ازدوران دانشجویی که هنوز متأهل نبوده‌اند در ارتباط با جبهه ملی بوده و در نهضت آزادی نیز فعالیت داشته و آن میلیارد معروف عموی خانم ایشان می‌باشد. و همچنین دکتر خدای نظر سیدی که

گفته شده که او سلطان زمین است کذب محض بوده و درارتباط با اکیپ پزشکی با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فعالیت داشته است اصولاً ستاد و کانون با هر استعمار کننده‌ای مخالف هستند چه رسد به مهره‌های میلیاردی و زمیندار.

چریک‌های فدائی خلق - چریک‌های فدائی خلق گروه نبوده بلکه سازمان می‌باشند. مترقی و آگاه بودن این سازمان بر هیچ کس پوشیده نیست و لازم به توضیح می‌باشد که چریک‌های فدائی خلق ایران هیچگاه در مبارزات گنبد دخالت نداشته‌اند ولی این مورد که چریک‌های فدائی خلق ایران در سراسر ایران فعالیت خلقی داشته‌اند و دارند مسجل است و با پشتیبانی از خواسته‌های به حق خلق ترکمن نیز وظیفه انسانی خود را انجام داده‌اند.

۱. عباس هاشمی که در دقایق اول درگیریهای گنبد به وسیله پاسداران به اصطلاح انقلابی دستگیر شده بود که دستگیری او صرفاً توطئه بوده است و در مورد اتهام به او که قاتل ۵ نفر بوده است بدون مدرک و دلیل می‌باشد و فقط بدنام کردن شریفترین فرزندان خلق به وسیله عوامل سرسپرده بوده است. موضوع برای تمامی کسانی که از جریانات گنبد با اطلاع هستند عیان و آشکار است. ایشان در همان دقایق اول با تلفن زدن به نوروزی عامل کشتار گنبد و عضو برجسته کمیته اصرار زیادی درخاتمه به کشتار ترکمنان به وسیله کمیته داشته است.

۲. شهلامظفری که مشخص نشده است.

۳. مهدی - این شخص در ارتباط با جنگ دستگیر نشده است.

۴. سرمایه‌داران و زمینداران - تا آنجائیکه ما اطلاع داریم مدافع کمیته بوده‌اند چون هیچگونه دلخوشی به ستاد که سرمایه و زمین غصبی آنها را تهدید می‌کند نداشته‌اند، احمد محمدی از ثروتمندترین افراد ترکمن صحرا می‌باشد که حمایت مستقیم مادی و معنوی از رژیم قبلی و کمیته فعلی داشته است.

۵. سرمایه‌داران وابسته به رژیم و عناصر ساواک - این قسمت به وسیله سازمان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف تهران مشخص نشده یعنی آیا اینها هم از ستاد حمایت می‌کردند یا نه؟ اگر همکاری و حمایت می‌کردند به چه شکلی بوده و چه نظری داشته‌اند؟ اعضای ۲۰ سازمان کشاورزی



مربوط به غاصبان همچون یزدانی، مزین، شاهپور غلامرضا، فاریابی دشمنان اصلی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا هستند.

۶. عناصر انگیزه ساز محلی - توضیحات این قسمت صحیح است ولی لازم به توضیح می باشد که با مراجعه به کیهان روز ۵۸/۱/۲۶ مشاهده می شود که با دستگیری ۵۰ نفر از ساواکی ها که در کمیته کار می کردند تا چه حد این عناصر در به وجود آوردن جریان گنبد دست داشته اند. این عناصر سرسپرده که در داخل کمیته نفوذ کرده بودند از اعلام آتش بس که با میانجی گیری نیروهای مبارز ترکمن و نمایندگان دولت انجام شده بود ناراضی بودند، حتی به یک سری از جوانان پاسدار با سمپاشی و دروغ بافی خود فشار وارد می کردند که آتش بس را قبول ننمایند. همین عوامل بودند که دوبار آتش بس را نقض کردند. نمونه بارز این عناصر به غیر از نوروزی و ایبک و جاجرمی و اصغر صباغیان بود که سردهسته ۲۰۰ نفر اعزامی کمیته از تهران به گنبد بود که تلاش زیادی در ادامه جنگ داشته است. این شخص در دستگیری فرزندان آیت اله طالقانی رل مهمی را ایفا کرده است.

فرمانداری	نیروهای ارتجاعی	نیروهای مترقی	کارگران دهقانان
کمیته نیروهای ارتش که به تحریک کمیته وارد شده بودند ساواک	جبهه ارتجاعی تحمیل کننده جنگ به خلق ترکمن	آتش گشودن بر روی مردم بی دفاع	میتینگ ۲۰ هزار نفری به دعوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

آغاز جنگ ۹ روز تحمیلی خلق ترکمن (گنبد)

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - شاخه تهران

وابسته به ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۵۸/۱/۲۸

### خلق غیور ترکمن صحرا

(اعلامیه شماره ۱۹)

ما «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» موجودیت خود را چند روزی است که اعلام نموده ایم. شاخه های وابسته به کانون ما در ترکمن قلا (پندر شاه) سابق و آق قلا (پهلوی سابق) و کلاله و گرگان شروع به کار نموده اند. هدف ما خدمت به خلق ستمدیده ترکمن است. حکومت

محمدرضا شاه خائن جز تباهی و تیره روزی چیز دیگری برای خلق بهارمغان نیاورد. دهقانی نیست که زمین‌هایش به وسیلهٔ عمال کثیف و سرسپرده تصرف نگشته باشد. اشرف‌ها - شاهپورها - شمس‌ها - مزین‌ها - سرلشگر انصاری‌ها - تیمسار مین‌باشیان‌ها نام‌هایی هستند که هر روستائی تا اسمشان رامی‌شنود موی بدنش سیخ می‌شود. این روزها مردم ستم‌دیده عزم راسخ دارند که زمین‌هایشان را تصرف نمایند. آنها این مبارزه را تازه شروع نکرده‌اند. آنها ده بده و خانه به‌خانه سال‌ها در مقابل سرمایه‌داران مرتجع مبارزه نموده‌اند. کسی نیست که از درگیری‌ها و درگیری‌های آنها خیر نداشته باشد. هزاران تن به‌زندان رفته‌اند بیشتر آنها را به جرم مخالفت با دولت به ساواک می‌بردند. شکنجه‌هایی مثل شلاق زدن، کشیدن ناخن جوانان و پیران، نشانیدن روی صندلی برقی معمولی بود. هر روز هزاران نفر به کانون سر می‌زنند. کانون خانه همه ستم‌دیدگان است کانون خانه کارگران، دهقانان، دانش‌آموزان، فرهنگیان، کارمندان، پیشه‌وران، بازاریان و روحانیون مرفعی است همه این اقشار همبستگی خود را تا کنون با ما اعلام داشته‌اند. ما از کمک‌های مادی و معنوی مردم برخوردار بوده و نیروهای مرفعی را تأیید می‌کنیم. با مصادرهٔ زمین‌ها توسط دهقانان این روزها همه سرمایه‌داران و مرتجعین به وحشت افتاده‌اند. خواست مردم آزادی اقتصادی فرهنگی و سیاسی است آنها می‌خواهند آزاد باشند بامذهب خویش زبان خویش و آداب و رسوم خویش. هر جا که مردم برای حق خواهی برمی‌خیزند و تصمیم می‌گیرند که سرنوشت خودشان را خود تعیین کنند، آنها را فرصت طلب و ضد انقلابی می‌خوانند. در روزنامه اخبار روستاها را وارونه جلوه می‌دهند. رادیو گرگان مردم روستا را ساواکی و انقلابیون را ناآگاه قلمداد می‌کند. لابد زمیندارانی چون انصاری‌ها - مزین‌ها و هنرورها را انقلابی می‌داند. تشکیل شورا خواست دانش‌آموزان و کارمندان و دهقانان و کارگران است. «انتصاب نابود باد - انتخاب پیروز باد» اکنون شعار همه مردم است. مردم هشیار باشید واتحاد خود را حفظ کنید. کاری نکنید دوباره سرنیزه‌ها بر سرتان فرود بیاید. اینها همه توطئه قلدران مزدور است. آنها نمی‌خواهند که مردم ترکمن صحرا با هم متحد شوند.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

(اعلامیه شماره ۲۰)

**قطعنامه**

قبل از ظهر روز چهارشنبه ۵۷/۱۲/۹ عده معدودی از دانش‌آموزان به تحریک عوامل شناخته شده با اجتماع در مقابل آموزش و پرورش گنبدکاووس خواستار برکناری آقای مستجیر رئیس آموزش و پرورش که مورد تأیید اکثریت قاطع مردم این شهرستان می‌باشند، شدند و بلافاصله دانش‌آموزان و معلمین کلیه واحدهای آموزشی با اطلاع از این موضوع با شرکت هزاران نفر که دیگر اقشار مردم نیز به آن‌ها ملحق شدند. ضمن راه‌پیمائی آرام در چند خیابان اصلی و با ایراد سخنرانی مصراً خواستار ادامه حضور آقای مستجیر شدند و در پایان طی قطعنامه‌ای خواست‌های خود را به شرح زیر اعلام نمودند:

۱. ادامه حضور رئیس آموزش و پرورش فعلی در سمت خود تا تشکیل شورای فرهنگی واقعی
۲. برکناری فرماندار انتصابی و انتخابی بودن کلیه مسئولان
۳. به رسمیت شناختن حقوق دموکراتیک خلق ترکمن ( از جمله آزادی‌های فرهنگی و قومی)
۴. آزادی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی کلیه گروه‌های دانش‌آموزان در مدارس
۵. شناسائی و مجازات عوامل تفرقه و تحریک در محیط‌های آموزشی از طرف هزاران نفر از دانش‌آموزان و معلمین شهرستان گنبد کاووس

(اعلامیه شماره ۲۱)

**اعتراض چریک‌های فدائی به صدا و سیمای انقلاب**

پخش اخبار تحریک‌آمیز خبرگزاری‌ها چه معنایی دارد

ستاد چریک‌های فدائی خلق دیشب در رابطه با یک گزارش رادیو تلویزیون اعلامیه‌ای منتشر کرد. متن اعلامیه بشرح زیر است.

امشب (دیشب) «صدا و سیمای انقلاب اسلامی ایران» از قول خبرگزاری‌های خارجی اعلام کرد که سنندج، گنبد و برخی از مناطق دیگر

توسط سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران تسخیر شده است. برای ما این سؤال مطرح است که چرا «صدا و سیمای انقلاب اسلامی ایران» به جای اینکه اخبار واقعی حوادث کردستان و گنبدکاووس را که تا کنون صدها تن کشته و زخمی داشته است پخش کند، اخبار تحریک‌آمیز و دروغین خبرگزاری‌های خارجی را که در پی ایجاد جنگ داخلی و تحکیم مجدد سلطه امپریالیزم در ایران هستند منتشر می‌کند. آیا پخش اینگونه اکاذیب خبرگزاری‌های خارجی بدون پخش اخبار واقعی به توطئه‌گران کمک نمی‌کند؟ و خود تحریکات جدیدی را در پی نخواهد داشت؟ ما همانگونه که بارها گفته‌ایم رویدادهای سنندج، گنبد و دیگر نقاط میهن را نتیجه تحریکات و دسیسه‌های نوکران امپریالیزم و عوامل مزدور ساواک که با گشودن آتش بروی مردم همراه با پخش شایعات تحریک‌آمیز زمینه جنگ داخلی و کشتار خلق‌های ایران را به وجود می‌آورند، می‌دانیم. مسلم بدانیم که از تشدید هر نوع درگیری و مخاصمه بین صفوف مردم تنها و تنها دشمنان خلق‌ها سود خواهند برد.

یکبار دیگر با صراحت و قاطعیت تمام اعلام می‌کنیم که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران دستور حمله به هیچیک از پادگان‌ها و مراکز نظامی دیگر را صادر نکرده و نمی‌کند. ما همواره در برابر توطئه‌های ارتجاع و امپریالیزم، در کنار مردم تا آخرین قطره خون خود از منافع خلق‌های ایران دفاع خواهیم کرد.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

۱۳۵۸/۱/۷

### پیام اهالی ترکمن صحرا به همه نیروهای مترقی

حقوق ما ساکنین ترکمن صحرا بار دیگر در معرض خطر زمینداران منفور و خونخوار قرار گرفته. زمین‌های ما ۸۰۰/۰۰۰ اهالی این منطقه توسط عده قلیلی دشمن به زور سرنیزه‌های رژیم منفور بهلوی تصرف گردیده بود. تا قبل از شکوفائی انقلاب مردم قهرمان ایران، استثمار مضاعف اهالی رنج‌دیده ترکمن صحرا، توسط عده قلیلی دشمن قسم خورده خلق ادامه

داشت. پس از پیروزی انقلاب خونین و ظفر نمون خلق‌های ایران، اهالی ترکمن صحرا نیز که ده‌ها سال از بهره‌برداری از زمین‌های خود که حق مسلم آنهاست، زمین‌هائی که به‌استناد مدارک و شواهد بیشمار بدون هیچ چون و چرائی از آن آنهاست محروم بودند، اراضی خود را با تشکیل شوراهای روستائی پس گرفتند و به‌زیر کشت درآوردند. اکنون حاصل دسترنج و دست‌آوردهای ساکنین ترکمن صحرا از طرف همانها که جنگ گنبد را به‌خلق ترکمن تحمیل کردند مورد تهدید جدی قرار گرفته است. پرواضح است که آنان در برپا کردن يك خونریزی دیگر نیز هیچ تردیدی به‌خود راه نخواهند داد در حالیکه هنوز خون شهیدان خلق ترکمن خشک نشده است.

شواهد و مدارک بیشماری که در این منطقه وجود دارد نشانگر آنست که این خونخواران در صدد ایجاد و برپائی يك خونریزی دیگر هستند. ما اعلام می‌داریم که وقوع هر جنگ ناخواسته که به‌دست این نوکران بیگانه به‌ما تحمیل شود گامی است در جهت تحکیم سلطه‌های امپریالیسم و قدمی است به‌سوی پایمال شدن حقوق مسلم همه خلق‌های ایران. ما با همه توان خود کوشش همه‌جانبه‌ای به‌عمل آورده و می‌آوریم تا توطئه‌های دسیسه‌چینان را هوشیارانه خنثی کنیم. ما به‌همه مقامات مسئول مملکتی هشدار داده‌ایم که اجازه ندهند وقایع خونین سنندج، گنبد و نقده بار دیگر در گنبد تکرار شود. با تأکید کامل بر اهمیت وقایع جاری ازهمگان و به‌خصوص سازمان‌ها و گروه‌های مترقی که در راه برپائی ایرانی آزاد و مستقل مبارزه می‌کنند، می‌خواهیم تا با همه توان خود در پشتیبانی از حقوق خلق ترکمن و افشای توطئه‌های ضد خلقی که این بار در هیئت زمینداران غاصب متجلی شده است بکوشند.

باشد تا اتحاد و همگامی همه خلق‌ها و مبارزین راستین ملت دست امپریالیسم را برای همیشه ازکشورمان کوتاه کند.

«ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا»

۵۸/۳/۵

## نفی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا به نفع چه کسانی است؟

خلق قهرمان ایران:

در تاریخ ۵۸/۳/۳ رادیو - تلویزیون انقلاب اسلامی اطلاعیه‌ای قرائت نمود که تأسف خلق ترکمن صحرا را برانگیخت. این اطلاعیه از آنجائی که تکیه عمده‌اش بر روی مسئله ارضی در این منطقه و ستاد مرکزی شوراها است، ما را وا می‌دارد تا موضع کنونی دولت موقت را بشکافیم و نشان دهیم که این اطلاعیه از چه کسانی دفاع می‌کند.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن صحرا در اعلامیه افشاگرانه خود «هشدار به خلق‌های قهرمان ایران» واقعیت آنچه را که در ترکمن صحرا می‌گذرد تا حدودی آشکار ساخت. لیکن دولت آقای بارزگان حاضر نیست آنرا بپذیرد، لذا ما لازم می‌بینیم تا بار دیگر ماهیت توطئه‌ای را که در ترکمن صحرا در شرف تکوین است برای خلق‌های کشورمان افشا سازیم.

خلق ستمدیده ترکمن صحرا، سالیان درازی فشار و سرکوب خاندان منفور و کثیف پهلوی را برگرده‌اش تحمل نمود، اکنون که انقلاب خلق‌های کشورمان می‌رود تا منافع بر حق آنان را تأمین کند، بار دیگر در مقابل خویش با موانعی مواجه گشته است که عمدتاً تفاله‌های همان دوران ظلم و استبداد است. مشتی غاصب و زمیندار بزرگ که طی سالهای گذشته با استفاده از حبس، تبعید و شکنجه‌های ساواک توانستند زمین‌های روستائیان را تصاحب کنند، اکنون نیز همچنان به توطئه چینی مشغول هستند و اینبار دست از آستین دولت آقای بارزگان درآورده‌اند و این واقعیت با اطلاعیه اخیر دولت برای تمام خلق‌های کشورمان آشکار شده است. در اینجا است که ما از دولت آقای بارزگان سؤال می‌کنیم که ملت ایران برای چه انقلاب نمود؟ مگر مردم انقلاب نکردند تا دست متجاوزین به حقوقشان را کوتاه کنند و آنچه را که به‌زور از آنان ربوده‌اند بازپس گیرند؟ حال چرا، اکنون که خلق ترکمن صحرا توانسته است کلیه زمین‌هایی که سالیان دراز توسط عده‌ای غاصب مورد دستبرد و بهره‌برداری قرارگرفته بود بازپس

گرفته و با تشکیل شوراهای روستائی اداره آنرا خود به عهده گیرند، به نفی آن پرداخته‌اید. ایستادگاری در راه مبارزه با استعمار  
 آقای بازرگان! ما، شما و دولتتان را محکوم می‌کنیم، چرا که شما درست همان شیوه‌ای را در قبال خلق ترکمن صحرا پیش گرفته‌اید که دولت‌های پیشین داشتند. شما از همان کسانی حمایت می‌کنید که دولت‌های قبلی می‌کردند، شما از افراد منفور و دزدی نظیر «فاریابی»، «همایونی»، «شهرکی»، «کلباسی»، «میرسعیدی» و بسیاری دیگر نظیر اینان حمایت می‌کنید، همان کسانی که در دوران محمدرضاخان، ساواک و ارتش برای حفظ منافعشان روستائیان فقیر و رنج‌دیده ترکمن صحرا را مورد ضرب و شتم و اهانت قرار می‌داد. چه فرقی است بین دولت آریامهری و دولت اسلامی مستضعفان؟ ولی اینرا بدانید اکنون زمان آن گذشته است که بتوانید بر روی حقایق پرده تارک بکشید، چرا که انقلاب به مردم آموخت که چگونه می‌توان در مقابل چپاولگران و غارتگران ایستادگی نمود و آنانرا درهم کوبید.

آقای بازرگان! شما مسئله ارضی ترکمن صحرا را که عمده‌ترین مسئله آنست به‌طور يك جانبه حل نموده‌اید، چرا که شما منافع زمینداران و غاصبین را مدنظر قرار داده‌اید، درحالیکه شما می‌دانید هم اکنون تنها مرجع مورد پذیرش توده‌های ترکمن صحرا «ستادمرکزی شوراهای ترکمن صحرا» است. عوض اینکه با پذیرش این واقعیت و به‌طریق مسالمت‌آمیز و مذاکره قضیه را فیصله دهید، اعلامیه کذائی ۵۸/۳/۳ را منتشر ساختید. این برنامه به‌جز نابودی دست‌آوردهای انقلاب در ترکمن صحرا و نهایتاً در سراسر کشور چیز دیگری در بر ندارد. آقای بازرگان! این برنامه شما به‌تشدید تضادهای درون خلقی خواهد انجامید و شما به‌خوبی می‌دانید که از این سیاست در شرایط کنونی تنها دشمنان ایران و به‌ویژه امپریالیسم آمریکا سود خواهد برد.

ایستادگاری در راه مبارزه با استعمار  
 خلق‌های قهرمان ایران!  
 ما ضمن یادآور نمودن عواقب وخیم مبارزه مرتجعین با «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا»، خواستاریم که در لحظات بحرانی کنونی با اعلام

همبستگی خود با خواست‌های برحق ما و تأیید «ستاد مرکزی شوراهای» و همچنین محکوم نمودن سیاست نادرست کنونی دولت بازرگان نشان دهید که جبهه خلق‌های ستمدیده ایران آماده درهم کوبیدن هرگونه سیاست ضد خلقی است.

مرگ بر غاصبین و زمینداران بزرگ  
 نابود باد توطئه‌گران و نفاق‌افکنان  
 مرگ بر امپریالیسم و وابستگی‌گانش

«اهالی ترکمن صحرا»

۵۸/۳/۵

### دهقانان و زحمتکشان مبارز ترکمن صحرا

در طی مذاکراتی که از مدت‌ها قبل میان نمایندگان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و نمایندگان وزارت کشور (دولت) در مورد زمین‌های غصب شده جریان داشت، به‌خاطر حساس بودن شرایط منطقه و فرا رسیدن زمان برداشت محصول تا ارائه يك طرح ارضی از جانب ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، توافقی بدین شکل صورت گرفت: محصول املاک پهلوی و زمین‌داران معدوم و فراری کاملاً در اختیار شوراهای روستائی قرار بگیرد و همچنین بخشی از محصول زمین‌های مالکین باقیمانده تحویل شورای روستائی گردد. پیرو این جریان برداشت محصول با شکل عادی خود شروع شد.

پس از دسیسه‌چینی‌های زیاد و جنگ افروزی عناصر مشکوک، گروه دیگری از مرکز به‌گنبد اعزام گردید تا به‌اصطلاح راه حلی برای مسائل بیابد. در پی مذاکرات گروه مذکور با ۵۰۰ نفر از نمایندگان شوراهای روستاهای ترکمن صحرا طرفین همان نتایج قبلی را تأیید نمودند. منتهی در مورد مالکیت باقیمانده قرار بر این شد که ۲۰٪ محصول زمین‌های آنها به‌شورای روستای محل سپرده شود. (این امر بر طبق نامه‌هایی که دادستان



انقلاب اسلامی گنبد به برخی مالکین جهت استرداد ۲۰٪ به شورای روستائیان نوشته مشهود است) ولی اکنون اعلامیه عجیب و تحریک کننده‌ای از طرف دادستان انقلاب اسلامی گنبد بدون توجه به خواست برحق زحمتکشان روستائی در روزنامه آیندگان شنبه ۲۶ خرداد منتشر گردید. که گویا «۲۰٪ محصول را مالکان با میل و رغبت به طور امانی در اختیار دادستان قرار داده‌اند تا از مستضعفین احقاق حق شود» و شوراهاى روستائی حق گرفتن محصول و سپردن آنرا به روستائیان ندارند!!

همه می‌دانیم سالیان درازی است که مالکان و وابستگان شاه خائن با هزاران حيله و تزوير زمین‌های حاصلخیز منطقه را از چنگ روستائیان فقیر بیرون آورده و یا املاک و مراتع ملی منطقه را تصرف کرده‌اند و سالهاست که با استثمار شدید خود خون زحمتکشان بی‌پناه بومی و غیر بومی را می‌مکند و در حالیکه دهقانان و زحمتکشان درگرمای سرما و تابستان و زمستان مشغول کارند، مالکان درخانه‌هایشان کنار کولر یا بخاری به استراحت مشغولند. حال در زمانیکه قیام شکوهمند خلق‌های ایران با پایمردی همین زحمتکشان که منجر به سرنگونی دیکتاتوری شاه خائن گردیده و هیچ کدام از این مالکین کوچکترین نقشی در آن نداشته و به وضوح نوکری خود را به رژیم قدیم ثابت کردند و گذشته از آن مسئله غصب زمین و زورگونی و هزاران جنایت دیگر آنان چون روز بر همه زحمتکشان منطقه روشن است، دادستان انقلاب اسلامی به حمایت بی‌چون و چرا از این جنایتکاران پرداخته است و عملاً به جای جلوگیری از اجحافات و تعدیات آنان به زحمتکشان به صدور اعلامیه‌های رنگارنگ می‌پردازد و محیط را متشنج می‌نماید. و باعث تحریک مردم می‌گردد. آیا دفاع از خواست‌های مالکین و تأمین منافع آنها و بی‌توجهی به خواست‌های اساسی روستائیان بی‌چیز چه معنی می‌تواند داشته باشد؟ ما از هم اکنون در مورد برخوردهای احتمالی که به وسیله عناصر غیر مسئول و با صدور اعلامیه‌هایی از این قبیل امکان می‌یابد، هشدار می‌دهیم و یادآور می‌شویم که دوران تحمیل ظلم و ستم به پایان رسیده و دهقانان و زحمتکشان لحظه‌نی هم از خواسته‌های طبیعی و برحق خود دست برنداشته‌اند

توطئه‌گران را باز می‌نمایند. همچنین ایمان داریم که آرامش و عمران منطقه تنها در سایه حفظ و دفاع از منافع زحمتکشان حاصل می‌گردد.

هرچه مستحکم‌تر باد اتحاد زحمتکشان

پیروز باد مبارزات خلق‌های ایران

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

موضع ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در قبال

حوادث روزهای اخیر

روستائیان زحمتکش:

بعد از سال‌ها سرکوبی و اختناق و انقیاد همه خلق‌ها و زحمتکشان بالاخره با دلاوری و مبارزات قهرمانانه خلق‌های ما رژیم سرسپرده و نوکر امپریالیسم شاه خائن سرنگون و آزادی و استقلال برای همه خلق‌هایمان امکان‌پذیر گردید. متعاقب این حرکت انقلابی که با به‌خون کشیده شدن ده‌ها هزار مبارز همراه گردید، خلق‌های تحت ستم کرد و ترکمن و عرب و... بعد از اینکه همگام با سایر خلق‌ها قهرمانانه علیه رژیم فاسد پهلوی مبارزه کردند فرصتی یافتند تا بتوانند از حقوق و آزادی‌های ملی و فرهنگی و اقتصادی خود دفاع نمایند. در این رابطه یکی از اصیل‌ترین و انقلابی‌ترین حرکت‌ها در بخش ترکمن صحرا به‌وجود آمد به‌طوری که خلق ترکمن هم از حقوق ملی و آزادی‌های فرهنگی خود با ایجاد کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن دفاع نمود و هم با تشکیل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و با اتحاد تمامی پیشگامان مبارز و دهقانان و زحمتکشان روستائی توانست سلطه کلیه غاصبان و زمینداران وابسته به رژیم شاه خائن را درهم شکند و می‌رود تا با تشکیل شوراهای دهقانی حاکمیت خلق را در ترکمن صحرا اعمال نماید.

دهقانان مبارز به‌یاد دارید که چگونه زمینداران و عمال رژیم گذشته با

کمک خائنانی همچون «آیت‌الله نقشبندی» زحمتکشان منطقه را در برابر هم قرار می‌دادند و چگونه با درگیر کردن روستائیان با دیگر زحمتکشان غیر ترکمن به برخوردهای خونین دامن می‌زدند؟ آری؛ ولی اکنون ما بیداریم و آگاهتر از آن هستیم که با حيله و خیانت مشتی زمیندار غاصب سرسپرده به‌جان هم بیفتیم. ما دیگر دشمن طبقاتی خلق‌های زحمتکش را شناخته‌ایم و می‌دانیم این عده مزدور در هر لباس و زیر هر ماسکی باشند نمی‌توانند دشمن ما نباشند.

غاصبان و زمینداران خائن همانند فاریابی‌ها و هنرورها و اویسی‌ها و جعفربای‌ها و... یکبار با تبلیغات زهرآگین و برجسب‌هائی علیه ستاد مرکزی و شوراهای دهقانی به‌جنگ خونین اخیر دامن زدند آنها فکر می‌کردند که می‌توانند با قتل و غارت حمله به ستاد و کانون جلوی حرکت انقلابی و حقوق حقه ما را بگیرند!

برای اینکه دیگر به‌این تحریکات میدان ندهیم، ما در شوراهای دهقانی موظف هستیم توطئه‌های آنها را افشا نمائیم و در متحد کردن هرچه بیشتر دهقانان و زحمتکشان روستائی کوشا باشیم زیرا ما می‌دانیم که تنها حامی و مدافع زحمتکشان و دهقانان خود ما هستیم! حال که دولت بازرگان در دفاع از زمینداران و غاصبان به‌ما اخطار می‌دهد ما وظیفه داریم تا با اتحاد و یکپارچگی هرچه بیشتر این توطئه‌ها را افشا نمائیم. دولت به‌خاطر معدودی فتودال سابق و زمیندار خونخوار و خائن حاضر می‌شود «گروه ضربت» و پاسدار به‌منطقه اعزام نماید ولی حاضر نیست حقوق حقه ده‌ها هزار زحمتکش ترکمن صحرا و حتی عده‌ای را بدهد، و تازه ستاد مرکزی شوراها را که مدافع تمامی زحمتکشان و متحدکننده تمامی آنهاست خرابکار می‌نامد. ما مجدداً از تمامی روستائیان زحمتکش تقاضا داریم که در شوراهای دهقانی گرد آمده و متحداً از حقوق خود دفاع نمایند.

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۵۸/۳/۵

## پیام به دومین گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا

دومین گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا نتیجه اتحاد و مبارزه حق طلبانه شما رنجبران بر علیه ملاکان و سرمایه داران است. نشانه اراده شما برای رهای از ستم ملاکان و سرمایه دارانی نظیر هژبر یزدانی ها و نقشبندی هاست.

ما نیز اعتقاد داریم «زمین از آن کسی است که بر روی آن کار می کند» دومین گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا، حاصل خون مبارزان و انقلابیون خلق ترکمن است که علیه ستم ملی و رهائی از غارت سرمایه داران پیاخاستند و دلیرانه پیکار کردند. آنها در مقابله با ارتجاع وابسته به امپریالیسم جهانی و جانبداران شان از جان خویش دریغ نوزیدند.

دومین گردهمایی شما رنجبران، حاصل اتحاد دهقانان با کارگران است که هیچ نیروئی را یارای مقابله با قدرت تاریخی آنان نیست.

زحمتکشان ترکمن! تاریخ نشان داده است که پیروزی نهائی از آن ماست و تنها ضامن این پیروزی وحدت و یگانگی ما زحمتکشان است. فتح و شادی را هیچکس به ما نخواهد بخشید. باید با دستهای خود در پیکارهای بی امان آنرا به دست آریم.

ما دهقانان خواستهای برحق و قانونی خلق ترکمن مبنی بر کسب آزادی های اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و قومی و بازپس گرفتن زمین های غصب شده را تأیید می کنیم و یقین داریم که در مبارزات پی گیرتان پیروز خواهید بود.

مستحکم باد اتحاد کارگران با دهقانان

مستحکم باد اتحاد همه خلق های ایران

پیش بسوی رهائی همه زحمتکشان

با درودها و امیدهای فراوان - گروهی از دهقانان گیلان

تکثیر از: ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۱۳۵۸/۳/۴

## هشدار به مردم ایران پیرامون وضع روستاها در فصل برداشت محصول

از آنجا که با نزدیک شدن روزهای برداشت محصول وضعیت بحرانی و احتمال درگیری‌های خونین در برخی مناطق روستائی کشور شدت یافته و عملاً در کار برداشت محصول موانعی ایجاد کرده است، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران لازم می‌داند پیرو اطلاعیه‌های رسمی وزارت کشاورزی موارد زیر را به آگاهی هم میهنان برساند:

۱. پس از قیام شکوهمند خلق و رهائی روستائیان ستمکش از یوغ رژیم شاه، تعداد زیادی از مالکین و زمینداران بزرگ که مزدور رژیم سابق بوده‌اند، متواری شده و یا از کشور گریخته‌اند. مزارعی که متعلق به این دسته از ملاکین بوده است، مطابق قانون انقلاب توسط دهقانان مصادره شده و زراعت آن به دهقانان تعلق گرفته است. شورای دهقانی که اداره مزرعه را به عهده دارد، حق دارد محصول را جمع‌آوری و بین روستائیان تقسیم کند.

۲. چنانچه دولت در مورد جمع‌آوری و ضبط قسمتی از محصول مزارع ادعایی داشته باشد، این امر می‌تواند از طریق مذاکره و توافق بین نمایندگان دولت و شورای ده که اداره روستا را تحت کنترل دارد صورت گیرد.

۳. بسیاری از املاک در دوران رژیم منفور پهلوی توسط سران کشوری و لشکری به‌زور سرنیزه از دهقانان غصب شده است. ادعای مالکیت زمین غصبی هیچ حقی برای مالک ایجاد نمی‌کند که بر مبنای آن محصول یا بخشی از آن را از چنگ دهقانان خارج سازد. محصول باید در اختیار شورای دهقانی محل قرار گیرد و بین دهقانان ذینفع تقسیم شود. شکایت زمینداران و مالکین در مورد سلب مالکیت از آنها بعداً باید از طریق مراجع قضایی مورد بررسی قرار گیرد.

۴. در بعضی مناطق به‌ویژه در کرستان، آذربایجان غربی و بلوچستان، دیده می‌شود که فئودال‌های سابق ایادی خود را مسلح نموده و دست به تشکیل اتحادیه‌های فئودالی زده‌اند. آنها از این طریق به‌دهات و مزارع

یورش برده و دهقانان را از زمین‌های خود بیرون رانده و زمین‌ها را غصب و دهقانان را آواره کرده‌اند. عملیات ضدانقلابی فتودالی در کردستان با حمایت دارودسته بارزانی (قیاده موقت) که همیشه در خدمت اهداف امپریالیسم در منطقه بوده‌اند روز به روز شدت بیشتری می‌یابد. در این مورد خلق کرد درباره روابط دولت با دارودسته وابسته به امپریالیزم قیاده موقت، نظیر موقعیت آنها در شهرستان اشنویه و اطراف که تبدیل به پایگاه نظامی آنها شده و چگونگی دعوت از آنها در سالروز بزرگداشت روز فلسطین در دانشگاه تهران رفت و آمد آزاد آنها به پادگان منطقه جلدیان سخت نگران است. مقامات مسئول باید هرچه زودتر و به هر وسیله که ممکن باشد به خودسری فتودال‌های سابق که موقعیت را برای غارت محصول و اعاده مالکیت، زمین مناسب یافته‌اند خاتمه دهند.

حمایت از دهقانان در برابر این فتودال‌ها وظیفه‌ای است که پیگیرانه باید از جانب همه نیروها تعقیب شود.

۵. طبق اطلاعاتی که از مناطق روستایی ترکمن صحرا و کردستان به دست ما رسیده است، زمینداران به همدستی عوامل رژیم سابق با تهدید روستائیان به آتش زدن محصول مانع برداشت شده می‌کشند محصول را از دست دهقانان بیرون بیاورند. آنها خود را آماده کرده‌اند تا مال و جان دهقانان ستمکش را به آتش و خون کشند. هشیاری دهقانان و افشاگری نیروهای مبارز و انقلابی عامل مهمی در جلوگیری از وقوع درگیری و ممانعت از جنایات این جنایتکاران محسوب می‌شود. در این مقطع عوامل ارتجاع و طرفداران زمینداران همچنان که در سنندج و گنبد و نقده نشان دادند از کثیفترین حيله‌ها و توطئه‌ها و جنایت‌ها هم برای به راه انداختن جنگ و برادرکشی بین ترك و فارس، کرد و ترك، ترکمن و غیره غافل نخواهند ماند، تا اکنون که فصل برداشت محصول نزدیک می‌شود دسترنج و مایملک دهقانان را به غارت برند. برعهده دهقانان ستمکش و نیروهای انقلابی است که هرگز اجازه ندهند این عوامل، فجایع سنندج، گنبد و نقده را تکرار نمایند.

۶. موضع حدیث «الزرع للزارع» که از جانب دولت مطرح شده می‌تواند در موارد بسیار منجر به سوء استفاده غارتگران روستا قرار گیرد. کشت

مکانیزه هیچ حقی برای مالک ایجاد نخواهد کرد که دهقان را غارت کند. بهر حال مفهوم این حدیث آن است که محصول از آن کسی است که آنرا کاشته است. مورد اختلاف موضوع این حدیث باید توسط هیئتی مرکب از نمایندگان دهقانان و مقامات رسمی حل و فصل شود.

۷. در منطقه ترکمن صحرا دولت اعلام کرده است که شوراهای دهقانی را به رسمیت نمی‌شناسد. اولاً معلوم نیست چنانچه دولت در مورد جمع‌آوری و تقسیم محصول دهقانان را به رسمیت نشناسد چه کسی را به رسمیت خواهد شناخت.

ثانیاً از هم اکنون پیش‌بینی می‌شود، چنانچه دولت بخواهد از طریق شوراهای دهقانی برای جمع‌آوری محصول و تقسیم عادلانه آن اقدام نماید، زمینه ترکنازی و آتش‌افزوی زمینداران بزرگ را فراهم آورده و آنها این بار با دلگرمی از حمایت دولت، یکباره روستاها را به خاک و خون خواهند کشید. دولت باید از طریق به رسمیت شناختن شوراهای دهقانی که در بسیاری مناطق تشکیل شده است، کار مردم را واقعاً به خود مردم واگذار کند، اما از یکسو برخی مقامات رسمی ظاهراً از ضرورت تشکیل شوراهای دهقانی سخن می‌گویند و با کمال تأسف از سوی دیگر عملاً دولت هر کجا شورا تشکیل شده است آنرا غیرقانونی اعلام می‌کند و به اعتقاد ما این سیاست، اولاً مستقیماً به سود سرمایه‌داران و مالکین بزرگ است، ثانیاً بزرگترین مانع پیشرفت جریان برداشت محصول است. ثالثاً می‌تواند منشا خونریزی و جنایات فجیع تر از گنبد و نقده گردد. از اینرو چنانچه دولت بر این روش خود پافشاری کند و یا اساساً وضعیت بحرانی روستاها را که از جانب زمینداران و عوامل رژیم سابق پدید آمده به فراموشی بسپارد، در حقیقت عواقب خطرناک آنرا خود بر عهده گرفته است. ما امروز قبل از آنکه وضعیت بیش از این بحرانی شود وظیفه خود دانسته‌ایم برای جلوگیری از هر نوع واقعه سوء، مطالب فوق را به اطلاع هم میهنان و مقامات مسئول برسانیم.

سازمان ما قبل از وقوع حادثه ناگوار در روستاها اعلام می‌کند، هنگام برداشت محصول به احتمال قوی عوامل وابسته به رژیم سابق و زمینداران بزرگ خواهند کوشید وقایع خونین گذشته را تکرار کنند. بهر حال به اعتقاد

ما آنچه گفته شد تنها راه حل موقت برای جمع‌آوری محصول و جلوگیری از درگیری‌های خصمانه و کاهش تشنجات محسوب می‌شود، و تا زمانی که يك اصلاحات ارضی واقعاً انقلابی در ایران انجام نشود، یعنی تا آن زمان که زمین به کسی که آنرا می‌کارد تعلق نگیرد، تا زمانی که خود دهقانان ما، در همه جا، اداره و کنترل کشت را در اتحادیه‌های تعاونی تولید، توسط شوراهای دهقانی منتخب خود در دست نگرفته باشند و تا زمانی که دولت خود حامی این شوراهای و سرسخت‌ترین پاسدار و مدافع این شوراهای نباشد، مسائل روستائیان، همچون مسائل کارگران و سایر زحمتکشان اساساً حل نخواهد شد و دهقانان ستمکش ایران همچون سایر اقشار محروم و ستمکش خلق در چنگال فقر و بدبختی و استثمار وحشیانه غارتگران وابسته به امپریالیزم که اکنون دچار آنند، همچنان اسیر خواهند ماند.

«سازمان چریکهای فدائی خلق ایران»

۱۳۵۸/۳/۷

ضد انقلابیون را شناخته و توطئه‌هایشان را خنثی

کنیم»

عصر روز ۵۸/۳/۶ گروهی از غاصبان و وابستگان به رژیم سابق جلسه‌ای تشکیل داده و برای به اصطلاح حمایت از فرهنگ و منافع خلق ترکمن چاره‌جویی می‌کنند. این دزدان و دشمنان قسم خورده خلق به علت معلوم بودن ماهیتشان در مقابل خلق، بی‌شرمانه به نام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن از مردم دعوت به عمل می‌آورند تا در جلسه آنها شرکت کنند. این فاسدان، وجود شوراهای روستائی و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا را به حق دشمن منافع غارتگرانه خود دانسته و از سایر وابستگان به رژیم سابق دعوت می‌کنند بر علیه آن متحد شوند. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا چه اقداماتی انجام داده که این افراد به هراس افتاده‌اند؟ ستاد از بدو تشکیل همیشه در جهت خواست‌های هشتگانه خلق ترکمن صحرا که از ابتدائی‌ترین و طبیعی‌ترین خواست‌های هر خلقی است



مبارزه کرده است. ستاد همگام با زحمتکشان جهت اداره روستاها برای تشکیل شوراها که اعضای آن از صادقترین، فداکارترین و مورد اعتمادترین افراد انتخاب می‌شوند کوشیده است. ستاد برای بازگرفتن هزاران هزار هکتار زمین‌های غصبی که در رژیم سابق و به‌زور سرنیزه ژاندارم، پلیس، ساواک و بیدادگاه‌های ضدخلقی از دست زحمتکشان ربوده شده با روستائیان همگام شده است. کجای این کارها ضدانقلابی است و اصولاً چه کسانی از این اقدامات ستاد زیان دیده‌اند، خلق یا ضد خلق؟ زحمتکش یا خونخوار؟ انقلابی یا دشمنان انقلاب و وابستگان به رژیم سابق؟ ترتیب دهندگان جلسه فوق یعنی کارگزاران تیمسار هادی و سیق، تیمسار قره‌باغی، تیمسار بدره‌ای معدوم، سروان جلالی، سپهبد کمانی، سرهنگ اسفندیاری، امجدی (معاون نصیری معدوم)، هژبر یزدانی و دیگر همکارانشان که برای شعله‌ور کردن يك جنگ تحمیلی و برادرکشی دیگر در منطقه ترکمن صحرا ازمسئولین امر طلب کمک و اسلحه جهت سرکوب زحمتکشان می‌کنند چه اهدافی را در سر می‌پروراندند؟ برای ما این سؤال مطرح است که چگونه افرادی این چنین، که تنها با فریب، دزدی، چاپلوسی و دریوزگی قادر به‌زنده ماندن هستند، به‌خود اجازه می‌دهند دم از منافع خلق بزنند؟ چگونه این افراد که سالیان سال است همگام با سایر جلادان رژیم سابق به‌نابودی زحمتکشان ترکمن کمر بسته‌اند امروز به‌خاطر خلق ترکمن اشک تمساح می‌ریزند.

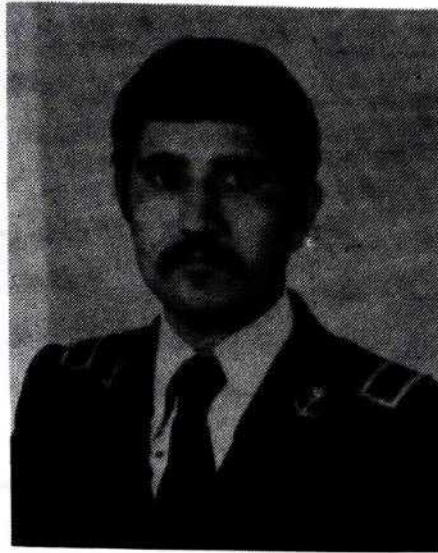
ما ضمن اعلام اینکه عواقب هرگونه اقدام ضد انقلابی متوجه این توطئه‌گران می‌باشد، از کلیه زحمتکشان و نیروهای مترقی می‌خواهیم برای خنثی کردن اعمال آنها هوشیاری بیشتری به‌خرج دهند.

نابود باد امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی  
مرگ بر توطئه‌گران و نفاق‌افکنان  
مستحکم باد شوراهاى دهقانى

ستاد شوراهاى منطقه آق‌قلا

۵۸/۳/۱۰





### فدائی خلق ترکمن رفیق شهید قربان شفیقی

رفیق قربان شفیقی در حدود ۲۵ سال پیش در بندر ترکمن در یک خانواده فقیر و زحمتکش در میان انبوهی از فلاکت‌ها دیده به جهان گشود. چون نام پدر بزرگش را بر وی نهادند طبق سنت خلق ترکمن دوستان و یاران نزدیک او را کاکا صدا می‌زدند در سن هشت سالگی بر اثر فشار نداری و گرسنگی والدینش مجبور به ترک زادگاه خود شدند، و در جستجوی کار همانند صدها خانوار ستمدیده و تاراج شده ترکمن به‌گنبد کوچیدند.

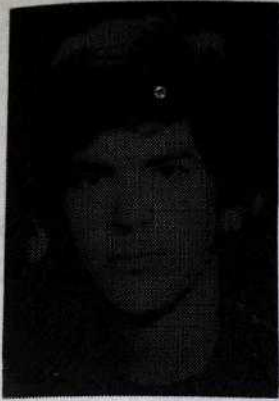
رفیق کاکا تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در این شهر گذراند، وی در تمام طول تحصیلات خود جزو شاگردان ممتاز بود. در سال دوم دبیرستان بود که مادرش دیده از جهان فرو بست و او را با پدر تکیده و خواهر زجرکشیده‌اش تنها گذاشت، مرگ زودرس مادر او که معلول فقر و مشقت‌های جامعه طبقاتی لبریز از بی‌عدالتی بود، وی را در فعالیت‌های روزمره زندگی جدی‌تر و کوشاتر نمود. در طول این پیکار سرسختانه با مشکلات زندگی، آگاهی او به‌ماهیت نظام جامعه‌ای که بر او و میلیون‌ها رنجبر مثل او حکومت می‌کرد بیش‌تر می‌شد، با مطالعه پیگیر کتب اجتماعی و سیاسی، آگاهی‌اش شکل می‌گرفت و دیگر نیک می‌دانست که

چگونه میلیون‌ها انسان زحمتکش اسیر دست سرمایه‌داران غارتگر می‌شوند و این آگاهی ستوال‌های بیشماری را برای او مطرح می‌ساخت که پاسخگویی به آنها نیاز به مطالعه بیشتر و کار بیشتر داشت. پس از اخذ دیپلم وارد مدرسه عالی بازرگانی تهران گردید. در دانشکده وی جزو یکی از فعال‌ترین عناصر انقلابی به‌شمار می‌رفت و در تمام تظاهرات و اعتصابات دانشگاهی ضد رژیم فعالانه شرکت می‌کرد. علاوه بر فعالیت در محیط دانشگاهی، در تهران به‌متشکل ساختن نیروهای روشنفکر ترکمن همت گماشت و بدون خستگی و با پیگیری انقلابی این کار را دنبال کرد.

رفیق قربان در دوران دانشجویی رفقاییش را آرقا صدا می‌کرد (آرقا در زبان ترکمنی مترادف رفیق می‌باشد) به‌همین جهت خودش به آرقا شهرت یافته بود. بعد از اتمام دانشکده به‌خدمت نظام رفت. او در پادگان‌های ارتش ضدخلقی نیز دست از فعالیت نکشید، تا اینکه انقلاب رهائی‌بخش خلق‌های ایران موفق شد رژیم منفور پهلوی را نابود سازد، بعد از قیام مسلحانه خلق (بهمن ۵۷) رفیق آرقا بلافاصله خودش را به‌رفقای فدائی خلق ترکمن رساند تا با تمام نیرو همگام با فدائیان در راه احقاق حقوق حقه خلق ترکمن مبارزه را تا رسیدن به پیروزی نهائی ادامه دهد. او یکی از اعضای موثر ستاد مرکزی شوراهای خلق ترکمن صحرا بود و در راه آرمان کارگران و دهقانان زحمتکش فداکاری‌ها، و تلاش‌های انقلابی او بی‌همتاست.

رفیق آرقا این رزمنده فدائی خلق ترکمن دشمن سرسخت طبقاتی زمینخواران و وابستگان سرمایه‌داری بوده تلاش شبانه روزی او از ابتدای تأسیس ستاد سرمشق تمامی رفقای رزمنده‌اش می‌باشد. آرقا در تدوین و تنظیم برنامه‌های ستاد نقش بسیار حساس و عملی داشت. او به آرمان‌های دموکراتیک خلق‌های ایران و به‌ویژه خلق ترکمن عشق می‌ورزید و زندگیش را فدای تحقق آن نمود.

دروود بر تمام شهدای فدائی خلق ترکمن  
جاودان باد خاطره تمام شهدای به‌خون خفته خلق



### راه فدائی خلق ترکمن رفیق شهید جلیل عرازی ادامه دارد

رفیق جلیل در زندگی انقلابیش هدفی بس عالی داشت و هر لحظه حیاتش در فکر تحقق این هدف بود، هدفی انسانی که آزادی خلق را نوید می‌دهد و فردای روشنی را به‌ارمغان می‌آورد. صدای رسای رفیق جلیل با شعارهای (بیرلشمک، چالشماف، اوستین ینگیش قازانماق) و (فدائی، فدائی، یول گورکزن فدائی) در شهر بندر ترکمن طنین می‌انداخت. مشت‌های گره کرده او هر لحظه آماده بود تا بر پوزه کثیف دشمن فرود آید.

می‌گفت با دشمن نباید مدارا کرد، باید قاطعانه عمل کرد سرسختانه با آنان وارد مبارزه شد. او یکپارچه شور انقلابی بود و انرژی انقلابی لایزالی در او نهفته بود.

فرصت‌طلبان و مرتجعین را افشا می‌کرد و بر آنان بی‌محابا می‌تاخت. در نتیجه همین سرسختی، فرصت‌طلبان و عناصر نامطلوب علیه او و رفقایش بسیج شده بودند و بر ضد آنان تبلیغ می‌کردند، و برچسب‌هایی می‌زدند. ولی رفیق جلیل با آگاهی به این امر که ارتجاع با استفاده از تفرقه و شکاف میان مردم به سود خود عمل می‌کند، آنان را رسوا می‌کرد و نقشه‌های پلید و ضدانسانی آنان را نقش بر آب می‌ساخت. او زندگی را وقف خلق ترکمن کرده بود، وقف رهائی خلق‌های ایران. می‌گفت راه من راه فدائی است و همیشه سرود (رزم چریک‌ها فدائی خلق رزم ماست - آری رهائی خلق عزم ماست) ورد زبانش بود.

او با خون پاک خود نهال آزادی خلق ترکمن را آبیاری کرد و لاله‌ای دیگر بر خاک پاک ترکمن صحرای نشانده. او نام از یاد رفته خلق ترکمن

رازنده کرد و به جوانان راه مبارزه را آموخت و اکنون رفیق جلیل چراغی است پر نور که راه رزمندگان خلق ترکمن را روشنایی می‌بخشد.

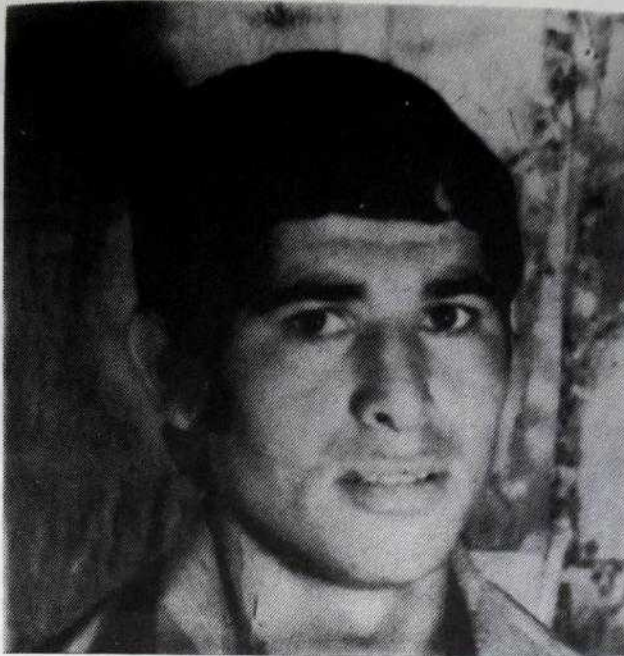
خاطره‌ات جاودان باد رفیق جلیل  
جاودان باد خاطره همه شهدای به خون خفته خلق



### فدائی خلق ترکمن رفیق آنه بردی سرافراز

رفیق آنه بردی سرافراز فدائی خلق ترکمن در سال ۱۳۳۶ در روستای آق آباد در چند کیلومتری گنبد در خانواده‌ای ستم‌دیده چشم به جهان گشود. به دنبال اصلاحات ارضی فرمایشی که تنها ارمغان آن فقر و بدبختی بیشتر برای تمام دهقانان بود، بر اثر از دست دادن قطعه زمین مزروعی خانواده خود برای یافتن کار به اتفاق خانواده‌اش روانه گنبد گشت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در گنبد به اتمام رسانید. رفیق آنه بردی سرافراز پس از اخذ دیپلم به خدمت نظام وظیفه اعزام شد. وی وقتی از جریان برخوردهای نظامی تحمیلی به خلق ترکمن و هجوم مسلحانه ضدانقلاب به میتینگ مسالمت‌آمیز مردم ترکمن مطلع گشت بی‌درنگ پادگان را ترک کرده، به دیگر رفقای خود پیوست و نام خود را در تاریخ خلق ترکمن جاودان ساخت، یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطره فدائی شهید آنه بردی سرافراز  
ناهود باد توطنه‌های زمینداران بزرگ



### کارگر شهید فدائی خلق ترکمن رفیق بهرام آقاآتابای

رفیق بهرام ۲۲ سال پیش در خانواده‌ای فقیر در قانقرم پا دنیا نهاد. کودکی خود را مانند میلیون‌ها کودک تهیدست دیگر در میان گرد و خاک و گل و لای گذراند. به‌خاطر نداری نتوانست بیشتر از دو کلاس بخواند. در ۱۲ سالگی مادر خود را از دست داد. رفیق بهرام معروف به‌دادو بود. پدر وی يك دهقان بی‌زمین بود و مجبور بود برای گذران زندگی در زمین‌های دیگران به‌کار بپردازد و تحت شرایط و اوضاع اقتصادی، اجتماعی استثمارگر جامعه ایران به‌صورت خوش نشین زندگی کند. به‌این ترتیب دادو در دامان فقر و نداری بزرگ شد و با درد و فقر خو گرفت. رفیق بهرام در ۱۹ سالگی در جستجوی نان به‌تهران رفت و در آنجا شاگرد جوشکار شد. با هفته‌ای ۲۰ تومان شروع به‌کار کرد و با این مزد ناچیز مقداری هم برای خانواده خود می‌فرستاد. رفیق بهرام در ضمن کار کردن در سخنرانی‌های دانشگاه‌ها شرکت می‌کرد و سعی داشت که با روشنفکران پیشرو تماس و همنشینی داشته باشد و بدینوسیله در بالا بردن شعور سیاسی و اجتماعی خود می‌کوشید. رفیق به‌خاطر اینکه از طبقه زحمتکش بود و درد و رنج‌های طبقه خود را به‌خوبی می‌شناخت، افکار و اهداف خود

را در جهت مبارزه با رژیم سرسپرده پهلوی در سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران متبلور دیده از این رو به طور فعال از سازمان حمایت می کرد و بعد از ایجاد کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن برای دفاع از حقوق ملی و خواستهای زحمتکشانش منطقه قهرمانانه به صفوف رزمندگان فدائی خلق ترکمن پیوست و در روز هشتم فروردین ۵۸ جان خود را فدا نمود.

ای به خون خفته دوران نبرد، ای شهید گلگون کفن خلق،  
درود بر تو

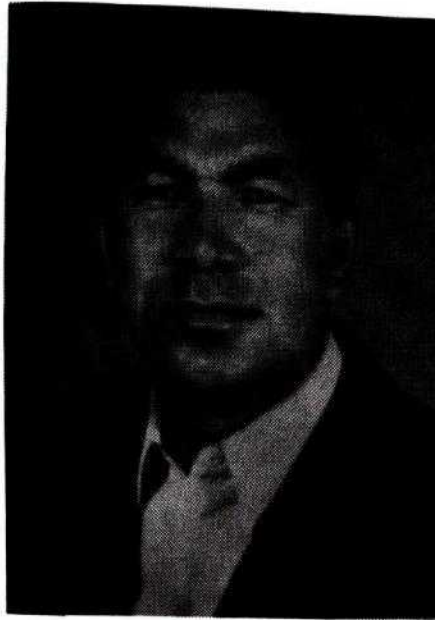
## فدائی خلق ترکمن رفیق شهید بردی محمدکوسه غراوی

رفیق بردی کوسه غراوی (بردیجان) در سال ۱۳۳۳ در آق توقوی به دنیا آمد. در اوان طفولیت پدرش را از دست داد و پس از آن عمویش تربیت رفیق و برادرانش را به عهده گرفت. رفیق از همان ابتدا با فقر شدید روبرو گشت. بدین جهت نتوانست به تحصیل پردازد او مدت ها چوپانی می کرد و گوسفندان ملاکین را به چرا می برد و در این دوران ستم وارده به مردم زحمتکش را از نزدیک لمس می کرد.

در جریان جنگ تحمیل شده به خلق ترکمن به صف مبارزین پیوست و به وظایف خود عمل نمود. پس از برقراری آتش بس، هنگامی که رفیق برای انجام کاری به محله ترك آباد رفته بود، توسط ضدانقلاب دستگیر و ناجوانمردانه تیرباران شد.

مرگ بر توطئه گران و جنگ افروزان  
گرامی باد خاطره شهدای به خون خفته خلق





### رفیق شهید یعقوب اونق

رفیق یعقوب در قریه سیجوال در يك خانواده فقیر چشم به دنیا گشود. سه ساله بود که پدرش را از دست داد و از همان کودکی با فقر آشنا شد. او تا کلاس پنجم ابتدائی تحصیل کرد و چون تنها فرزند خانواده بود برای گذران زندگی مجبور به ترك تحصیل گشت. اوایل با گاری از جنگل هیزم می آورد و بعد راننده تراکتور و کمباین شد و تا آخر عمر با این شغل زندگی کرد. رفیق چون راننده بود بیشتر اوقاتش را در دشت و صحرا می گذراند. او از نزدیک زندگی فلاکت بار و رنج محنت های روستائیان را مشاهده می کرد و از آن رنج می برد، رفیق از ملاکین بزرگ و کسانی که چنین زندگی محنت باری را بر روستائیان تحمیل کرده بودند به شدت نفرت داشت. در جریان برخوردهای نظامی گنبد که از جانب ضد انقلاب به خلق ترکمن تحمیل گشت، رفیق به صف مبارزین پیوست و در روز چهارم جنگ به وسیله عوامل ضد انقلاب به شهادت رسید.

درود بر رفیق شهید یعقوب اونق  
مستحکم باد همبستگی سراسری همه خلق های ایران



## رفیق شهید کارگر حاجی محمدآخوندی

رفیق شهید حاجی محمدآخوندی در دهم شهریور ماه ۱۳۳۲ چند روز بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، هنگامیکه پدرش به علت عضویت در حزب توده تحت تعقیب و متواری بود در بندر ترکمن چشم به دنیا گشود. به علت فعالیت سیاسی پدرش مدتی از دوران کودکی را در تهران گذراند، بعد از مدتی به همراه خانواده به ترکمن صحرا بازگشت. رفیق دوره دبستان را در بندر ترکمن گذراند پس از آن به همراه خانواده به گنبد رفت. رفیق تا کلاس چهارم دبیرستان تحصیل کرد و سپس تحصیل را رها نمود و در يك کارگاه دینام سازی مشغول کار شد. در سال ۱۳۵۱ به خدمت سربازی رفت. بعد از تمام شدن مدت نظام وظیفه مجدداً در کارگاه دینام سازی شرع به کار کرد. رفیق که در يك خانواده سیاسی پرورش یافته و مطالعه زیادی می کرد و خود زندگی کارگری را لمس کرده بود، عشق فراوانی به طبقه کارگر و تمامی زحمتکشان داشت، رفیق اعتقاد داشت که بدون رهبری طبقه کارگر امکان پیروزی کامل انقلاب وجود ندارد. رفیق در اکثر فعالیتها و اجتماعات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی شرکت می کرد. در جریان يك راه پیمائی بر علیه رژیم شاه، رفیق توسط مزدوران رژیم دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفت.

رفیق شهید در روز میتینگ با شکوه خلق ترکمن در ۶ فروردین در همان ابتدای حمله مسلحانه ضد انقلاب، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در راه آرمان خلق های ستمدیده شهید شد.

درود بر رفیق شهید حاجی محمدآخوندی  
مستحکم باد همبستگی سراسری همه خلق های ایران



### شهید ملنگ گرگیچ اشترك

ملنگ که بلوچ بود در قریه اطراف زاهدان در سال ۱۲۸۹ به دنیا آمد. بعدها او برای به دست آوردن کار از منطقه سیستان و بلوچستان به ترکمن صحرا کوچ کرد و در این ناحیه در قریه «قورچای ماراما» سکونت گزید و با رنج و مشقت بسیار مخارج زندگی خانواده اش را فراهم می ساخت.

ملنگ در جریان برخوردهای نظامی ترکمن صحرا در روز دوازدهم فروردین ۵۸ هنگامی که عازم «قورچای ماراما» بود به وسیله افراد کمیته نظام آباد متوقف شده و در جریان برخوردش با یکی از افراد کمیته به طرز ناجوانمردانه و فجیعی به قتل رسید.

یاد شهید ملنگ گرگیچ را گرامی می داریم  
مستحکم باد همبستگی سراسری همه خلق های ایران



### کارگر شهید رفیق حاجی صنوبری داز

رفیق صنوبری در جریان حمله عناصر ضد انقلاب وابسته به کمیته اسلامی به متینیک مسالمت آمیز خلق ترکمن، در تاریخ ۵۸/۱/۶ مورد اصابت گلوله قرار گرفت و شهید شد، یادش گرامی باد.

درود بر کارگر شهید رفیق حاجی صنوبری  
مرگ بر جنگ افروزان و توطئه گران ضد انقلابی



### بیاد رفیق شهید قلی قلیجائی

رفیق قلی در سال ۱۳۱۴ در یکی از دهات اطراف گنبد به دنیا آمد. او از ابتدا با رنج و فقر آشنا شد. او با مشقت فراوان کار می کرد و تأمین معاش می نمود. او با فقر بزرگ شد و با مبلغ اندکی که اندوخته بود ازدواج نموده و تشکیل خانواده داد. رفیق قلی به دنبال جنگ تحمیلی بر خلق ترکمن در فروردین ۱۳۵۸ بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. یادش گرامی باد.

درو به شهدای خلق ترکمن  
مرگ بر توطئه گران و نفاق اندازان



### کارگر شهید

### رفیق حالت قلی رازی

رفیق کارگر حالت قلی رازی در جریان حمله عناصر مسلح و کمیته اسلامی گنبد به میتینگ مسالمت آمیز خلق ترکمن در ششم فروردین به وسیله گلوله های مهاجمین به شهادت رسید.

درو بر کارگران و زحمتکشان ایران  
مسحتکم باد همبستگی تمامی خلق های ایران

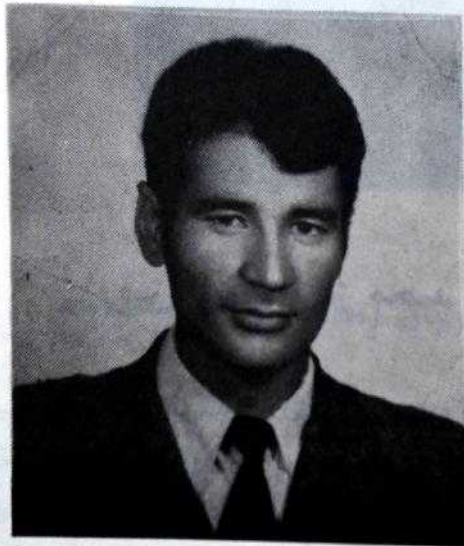
## فدائی شهید رفیق غفور عمادی

رفیق غفور در سال ۱۳۲۵ در روستای امچلی دیده به جهان گشود. رفیق از همان دوران کودکی با چهره فقر و بدبختی آشنا شد. رفیق سه سال اول تحصیل ابتدایی را در مدرسه امچلی گذراند ولی به علت فقر شدید مالی و اینکه خانواده وی توانائی مالی برای هزینه مدرسه را نداشت به گنبد پیش یکی از اقوامش رفت و در دبستان فردوسی شروع به تحصیل کرد. او دوره دبیرستان را در مدرسه مختومقلی (کاووس سابق) به پایان رساند. رفیق غفور از دوران دبیرستان وضعیت اجتماعی را درک می کرد و از رژیم دیکتاتوری پهلوی و ظلمی که به خلق ها می شد و از تضاد طبقاتی آگاه بود و به شدت رنج می کشید. و همیشه این سؤال در ذهن او بود که چرا خلق در برابر این همه ستم باید خاموش باشد. به همین دلیل تا حدی که در توانش بود اطرافیانش را آگاه و آنان را به مبارزه علیه ظلم و ستم طبقاتی تشویق می کرد.

رفیق بعد از پایان دوره دبیرستان به خدمت سربازی رفت و در مراغه در یکی از روستاهای خلخال به صورت سپاهی مشغول به کار شد و در آنجا نیز چهره کریه فقر و بدبختی را می دید که برایش تازگی نداشت و در فکر از بین بردن آن بود. رفیق غفور بعد از پایان خدمت سربازی به گنبد آمد. و در روستای ایگدر سفلی به معلمی پرداخت و همیشه در راه منافع خلق گام برمی داشت. رفیق غفور بعد از ۴ سال معلمی در ایگدر سفلی به گنبد آمد و در آنجا به فعالیت های خود ادامه داد. رفیق غفور در سال های اخیر که مبارزات حق طلبانه خلق بر علیه رژیم پوسیده شاه و امپریالیسم اوج گرفته بود، همگام با خلق قهرمان در تظاهرات و اعتصابات فعالانه شرکت می کرد و در جریان تدریس، شاگردانش را از خصوصیات سیستم سرمایه داری و تضاد طبقاتی جامعه آگاه می کرد.

بعد از شروع کار کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا با فدائیان ترکمن صحرا به خاطر یکی بودن راه، پیوند خورده و در راه آرمان خلق و در جنگ تحمیلی بر خلق ترکمن شجاعانه جنگید و در این راه شهید شد.

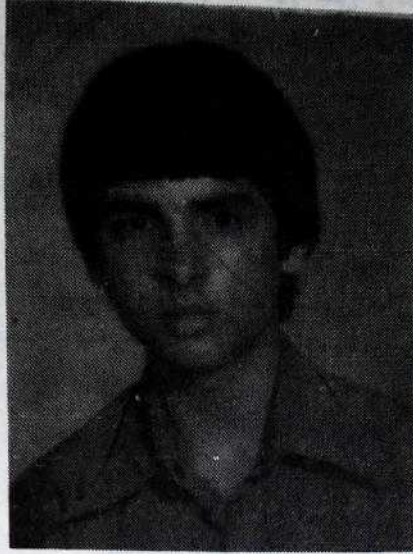
جاودان باد خاطره شهدای به خون خفته خلق  
مستحکم باد همبستگی خلق های ایران



بیاد رفیق شهید  
نورقلی مختومی

رفیق نورقلی در سارلی مختوم یکی از دهات اطراف گنبد به دنیا آمد. او در کودکی در زمینی نسبتاً کوچک که متعلق به پدر وی بود به کارزراعت پرداخت و از این راه در تأمین مخارج زندگی به خانواده اش یاری می‌رساند. او متأهل بود و یک فرزند داشت علاوه بر خانواده خودش به خانواده پدریش هم در جهت تأمین معاش کمک می‌رساند. رفیق نورقلی در جریان جنگ تحمیلی به خلق ترکمن توسط ضد انقلاب به شهادت رسید. خاطره اش گرامی باد.

جاودان باد خاطره شهدای خلق ترکمن  
مستحکم باد هم بستگی خلق های ایران

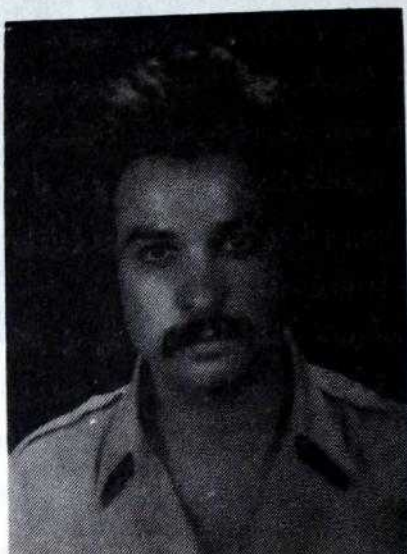


### (رفیق شهید اراز محمد دردی پور)

رفیق ارازمحمد در سال ۱۳۳۹ در بندر ترکمن متولد شد. تحصیلات ابتدائی و دوران اول متوسطه را در بندر ترکمن به پایان رسانید. در این دوران به علت مرگ پدرش درد و مشقت زیادی کشید. بعد از آن برای ادامه تحصیل به گنبد نزد عمویش آمد و در دبیرستان گل سرخی به تحصیل پرداخت.

رفیق ارازمحمد در جریان مبارزات قهرمانانه مردم با دانش آموزان پیشگام در جهت پیشبرد اهداف انقلاب همکاری می کرد. او در روز پنجم فروردین ۵۸ در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر به علت اعتراض به بازداشت يك جوان سیگارفروش روستائی ترکمن در جریان تیراندازی از سوی افراد کمیته انقلاب اسلامی گنبد در مقابل اداره شهربانی گنبد به شهادت رسید.

گرامی باد خاطره رفیق شهید ارازمحمد دردی پور  
مرگ بر مزدوران و عوامل وابسته به زمینداران بزرگ

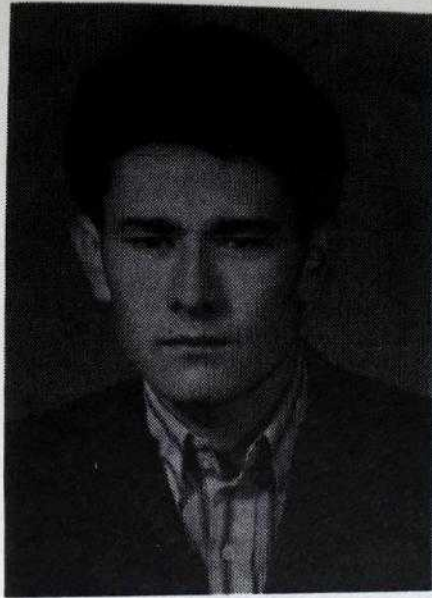


### شهید محمد قربان (مشدی) گلی خواجه

رفیق محمد قربان در سال ۱۳۳۴ در دهکده خواجه لر از توابع بخش آی درویش به دنیا آمد. رفیق شهید در شش سالگی به همراه خانواده اش به گنبد آمد و تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان فردوسی و متوسطه را در دبیرستان مختومقلی فراغی و سعدی گذراند و سپس به خدمت سربازی رفت. رفیق مشدی پس از خاتمه سربازی در دانشسرای راهنمایی تحصیلی گرگان مشغول تحصیل شد. او همراه با تحصیل کارهای کشاورزی نیز می کرد. او به مردم زحمتکش علاقه فراوانی داشت. در تاریخ دهم فروردین ۱۳۵۸ در جریان جنگ تحمیلی به خلق ترکمن عده ای مزدور مسلح به خانه او ریخته و بدون هیچ مجالی او را تیرباران می کنند و رفیق نیز چون هزاران مبارز دیگر در راه آرمان خلق شهید می گردد. یادش گرامی باد.

درود بر تمامی شهدای به خون خفته خلق  
 نابود باد توطئه های ضدانقلابی زمینداران بزرگ





### (رفیق شهید حیدرقلی ایگداری)

رفیق حیدرقلی در سال ۱۳۳۱ در قریه ایگدر سفلی شهرستان گنبد متولد شد. خانواده او با اینکه در زندگی روزمره از لحاظ مادیات در مضیقه بودند او را روانه تنها مدرسه ده کردند و به این ترتیب تحصیلات ابتدایی را در ده و تحصیلات متوسطه را با کار شبانه و کار در ایام تعطیلی مدارس درمزارع مالکان بزرگ برای امرار معاش خود و خانواده اش به پایان رساند. پس از پایان خدمت وظیفه دوباره به مزرعه برگشت و زندگی خود و همسر و خانواده اش را از طریق کار کشاورزی تأمین می نمود. در ششم فروردین ۵۸ در میتینگی که از طرف کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن صحرا اعلام گردیده بود شرکت نمود و در جریان حمله ای که از طرف پاسداران کمیته اسلامی گنبد و شهرهای دیگر به میتینگ آرام و مسالمت آمیز خلق ترکمن انجام شد بر اثر اصابت گلوله شهید آزادی خلق گردید.

جاودان باد خاطره تمامی شهدای به خون خفته ترکمن  
 ننگ و نفرت بر زمینداران بزرگ و توطئه های کثیف آنها



### رفیق شهید حاجی خوجه دردی دلشاد اینچه برونی

شهید خوجه دردی در سال ۱۳۱۲ به دنیا آمد. او از کودکی با چهره کریمه فقر آشنا شد و با مشقت زندگی را می‌گذراند. درآمد وی که یک کارگر ساده بود بسیار کم بود. شهید خوجه دردی در جریان جنگ تحمیل شده بر خلق ترکمن در تاریخ ۵۸/۲/۱۱ هنگامی که برای خرید آذوقه از خانه خارج شده بود بر اثر اصابت گلوله زخمی شد و چند روز بعد در بیمارستان به شهادت رسید. یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطرۀ شهدای خلق  
مرگ بر زمینداران بزرگ و توطئه گر و ضد انقلابی

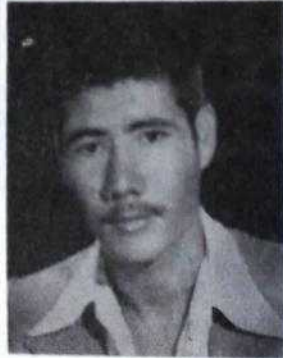


### رفیق شهید خلق ترکمن نورمحمد شفیعی

رفیق نورمحمد شفیعی در سال ۱۳۳۴ در بندر ترکمن در یک خانواده کارگری متولد شد. سیکل اول را در دبیرستان خزر بندر ترکمن به اتمام رسانید، در این سال رفیق مزه تلخ زندگی کارگری خانواده خود را به خوبی درک نمود و احساس کرد که به علت وجود استثمار و دیکتاتوری

سرمایه‌داران منطقه، پدرش سخت در مضیقه مالی قرار گرفته و قادر به اداره خانواده اش نیست. بیماری پدر رفیق نیز زجری به زجرهای دیگر او اضافه می‌کند، لذا رفیق مجبور شد ترك تحصیل کرده برای پیدا کردن کار راهی تهران شود. در تهران به علت ناآگاه بودن از وضع ارتش به استخدام گارد شاهنشاهی منحل درآمد و مدت ۵ سال در گارد مزبور بود. رفیق نورمحمد شفیعی در همان اوائل استخدام پی به ضد خلقی بودن ارتش برد و چندین بار از خدمت استعفا کرد ولی ارتش ضد خلقی دست از او بر نمی‌داشت. با وجود این رفیق دست از مبارزه برنداشته و از ۵ سالی که در گارد بود رویهمرفته دو سال و نیم را در زندان ارتش گذراند. تا بالاخره در سال ۵۶ ارتش محمد رضاشاه خائن این رفیق مبارز خلقی را که به ۶ ماه زندان محکوم شده بود با دریافت مبلغ ۱۷۰ هزار ریال از زندان آزاد کرد ولی باز ارتش ضد خلقی دست از سر او بر نداشت. تا سرانجام رفیق در اواخر سال ۵۶ از گارد فرار کرد و بدین ترتیب نه تنها برای دیگر مبارزان جوان گارد بلکه برای بعضی از جوانان منطقه که ندانسته با توجه به فقر مادی به استخدام ارتش ضد خلقی درآمده بودند الگویی شد. رفیق بهر که می‌رسید از افشای حقایق ارتش شاه خودداری نمی‌کرد. رفیق نورمحمد پسرعموی رفیق شهید قربان شفیعی (آرقا) بود رفیق آرقا در راهنمایی و گسترش افکار او از هیچ کوششی کوتاهی نمی‌کرد. رفیق نورمحمد در جنگ تحمیلی به خلق ترکمن به محض شنیدن خبر جنگ در همان شب اول درگیری همراه دیگر هم‌زمان بندر ترکمن راهی گنبد شد و هنگامی که سنگر به سنگر مبارزه می‌کرد به درجه شهادت نایل آمد، یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطره رفیق شهید نورمحمد شفیعی  
مرگ بر مزدوران و عوامل زمینداران بزرگ



### شهید پیغمبرقلی حسین زاده

رفیق پیغمبرقلی در میتینگ با شکوه خلق ترکمن در روز ششم فروردین ۵۸ که در پارک شهدا برگزار شد، شرکت کرد و در جریان حمله ناجوانمردانه افراد کمیته اسلامی که با تحریک زمین‌داران بزرگ صورت گرفت، به شهادت رسید و بدین ترتیب با ریختن خون خود در راه خلق و آزادی پیوندش را با خلق ترکمن جاودانه ساخت. یادش گرامی باد.

مرگ بر غاصبین خونخوار زمین  
درود بر شهدای خلق ترکمن

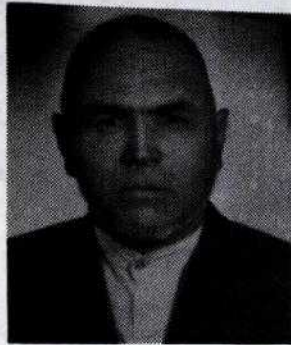


### رفیق شهید صفر گل خالدزاده

شهید صفر گل در سال ۱۳۲۷ متولد شد و از همان اوان کودکی فشار و تنگدستی را بر دوش حس کرد. پدرش با تحمل سختی زیاد او را به مدرسه فرستاد ولی در همان اوائل تحصیل به علت فقر و احتیاج مادی، برای امرارمعاش به کار قالی‌بافی پرداخت. و مجبور به ترک تحصیل شد. صفر گل در این زمان پشتیبان خود یعنی پدرش را از دست داد و مسئولیت

تهیه معاش خانواده به‌گردن او افتاد. او بهترین ایام دوران جوانی خود را با رنگی پریده و چهره‌ی غمگین از کار پر مشقت شبانه روزی قالی باقی، سپری کرد. در ۲۰ سالگی ازدواج کرد و تشکیل خانواده داد. در جریان جنگ تحمیل شده به‌خلق ترکمن خانه وی مورد حمله عناصر ضدانقلابی قرارگرفت، و با گلوله به‌اصطلاح پاسداران انقلاب شهید گردید.

گرامی باد خاطره تمام شهدای به‌خون خفته خلق  
مستحکم باد همبستگی همه خلق‌های ایران



رفیق شهید عبدی میرزاعلی

شهید عبدی درنهم تیرماه ۱۳۰۵ در روستای قره مخیر از توابع گنبد کاووس متولد شد. او زندگی خود را از طریق کشاورزی می‌گذراند ولی پس از اصلاحات ارضی که زمینش به‌وسیله عمال و اربابان رژیم سابق غصب شد به‌آق قلعه مهاجرت کرد ولی در آنجا نیز به‌علت فقر مالی نتوانست زندگی خود را به‌خوبی اداره کند. به‌ناچار در سال ۱۳۴۷ به‌گنبدکاووس مهاجرت نموده و در آنجا به‌شغل دلالی قالیچه پرداخت و با درآمد ناچیز زن و سه فرزندش را شرافت‌مندانه نگاهداری می‌کرد. شهید عبدی در نهم فروردین سال ۱۳۵۸ در جنگ تحمیلی گنبد به‌دست عناصر ضدانقلابی که به‌اسم پاسدار انقلاب دست به‌کشتار مردم بی‌گناه ترکمن زده بودند دستگیر و تیرباران شد. خاطره‌اش گرامی باد.

مرگ بر جنایتکاران مرتجع و دست‌نشانده زمینداران بزرگ  
درود بر شهدای خلق ترکمن



### رفیق شهید آنه دردی حبیبلی «اینچه برونی»

آنه دردی در سال ۱۳۳۲ در يك خانواده فقیر کارگری درگنبد به دنیا آمد. پدرش که کارگر ساده‌ای بود به علت کمبود کار و سختی زندگی در سال ۱۳۳۴ به همراه خانواده‌اش مجبور به ترک گنبد شد و همه به اطراف ماراماتپه کوچ کردند. آنه دردی در دوران کودکی و سنین جوانی با رنج‌هایی که پدرش از کار طاقت‌فرسا می‌کشید آشنا شد و از آن هنگام که توانایی لازم را یافت همراه پدرش در کار زراعت تلاش می‌کرد، اما به سبب عدم تأمین معاش دوباره به گنبد بازگشتند. در گنبد آنه دردی به کارهای مختلف دست زد و با تلاشی سخت به خانواده خود سر و سامانی داد او در زندگی به زحمتکشان علاقه زیادی داشت. رفیق آنه دردی، در روز یازدهم فروردین ۵۸ پس از اعلام آتش بس وساطت به ظاهر صلح جویانه ارتش را باور نموده و به یک گروه از ارتش اجازه نفوذ به سنگر خود را می‌دهد و در میدان بار و به وسیله این افراد مزدور به طرز فجیعی به رگبار مسلسل بسته می‌شود و به انبوه شهدای رزمنده راه خلق می‌پیوندد. یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطره شهید آنه دردی حبیبلی (اینچه برونی)  
مستحکم باد همبستگی سراسری همه خلق‌های ایران



### رفیق شهید سلیمان محمدی

رفیق شهید محمدی در سال ۱۳۲۸ به دنیا آمد. او تا کلاس نهم درس خواند و سپس درمغازه پدرش که اززراعت دست کشیده بود به کار پرداخت خیلی زود پدرش در گذشت و رفیق مسئولیت سرپرستی خانواده را به عهده گرفت. او ازدواج کرده بود و دو فرزند داشت. سلیمان در روز دوم جنگ تحمیل شده به خلق ترکمن (۵۸/۱/۷) درحالی که قصد عزیمت به سنگر را برای شرکت در مبارزه داشت، مورد اصابت گلوله افراد وابسته به کمیته قرار گرفت و شهید شد، خاطره اش گرامی باد.

درود بر شهدای خلق  
مرگ بر جنگ افروزان ضدانقلابی

### کارگر شهید رفیق محمد رادفر

در سال ۱۳۰۵ شمسی در کوه‌های خالی بنی در شمال ترکمن صحرا در يك خانواده فقیر به دنیا آمد. محمد رادفر در طفولیت پدر و مادر خود را از دست داد و برای امرارمعاش به کار پرداخت، چوپانی و سپس اراپه‌رانی از جمله این کارها بود. در سال ۲۷ پول مختصری که جمع کرده بود به او امکان داد که ازدواج کند و از این ازدواج صاحب فرزندان زیادی شد. وی به عنوان کمک باغبان در شهرداری استخدام شد و تا زمانی که شهید شد هرگز از کار و فعالیت دست نکشید. همسر و فرزندان وی نیز برای کمک به گذران زندگی خانواده، به قالی بافی مشغول بودند.

در روز ۶ فروردین ۵۸ در میتینگ که از طرف ستاد مرکزی شوراهای تشکیل شده بود شرکت کرد. بعد از حمله ضد انقلابیون وابسته به کمیته به میتینگ، به ساختمان کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن پناه برد ولی مهاجمین وقتی وارد محل کانون می‌شوند با کمال بیرحمی در اطاقی را که افراد بی‌دفاع به آن پناه برده بودند به‌رگبار می‌بندند و در نتیجه رادفر مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شهید می‌شود. بدین ترتیب يك کارگر و زحمتکش دیگر قربانی توطئه‌های بیشرمانه زمینداران بزرگ شد.

ننگ و نفرت بر زمینداران بزرگ و غاصبان زمین  
جاودان باد خاطره شهدای خلق



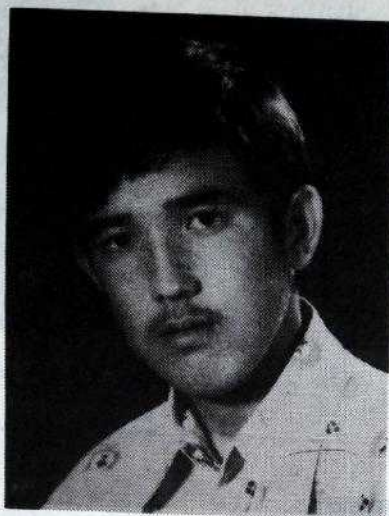
رفیق شهید عاشور اسکندر نژاد

عاشور در سال ۱۳۳۵ در دهکده پشمک (یکی از دهات گنبد) در يك خانواده کشاورز متولد و در سن هفت سالگی راهی مدرسه شد. او بعد از گذراندن چهار کلاس ابتدائی به تحصیلات خود خاتمه داد و به کشاورزی پرداخت بعد از پایان خدمت سربازی مجدداً به کار کشاورزی مشغول شد. در روز دوم جنگ تحمیل گنبد در فروردین ۵۸ با حمله ضد انقلابیون دست نشانده زمینداران بزرگ، دستگیر و در مقابل چشمان وحشت‌زده برادرش به‌رگبار بسته شد و بلافاصله به شهادت رسید.

خاطره‌اش گرامی باد.

جاودان باد خاطره شهدای خلق ترکمن  
مرگ بر توطئه‌گران و تفرقه‌اندازان

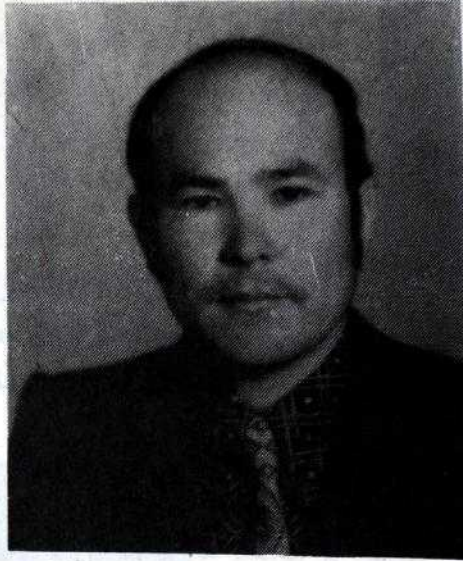




### رفیق شهید خلق ترکمن بورجق کلته

شهید بورجق در سال ۱۳۳۷ در شهرستان گنبد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی خود را در این شهر به پایان رسانید، هنگامی که وارد دوره متوسطه گردید به علت علاقمندی به شغل پدری و نیاز به تأمین زندگی خانواده که از نظر مالی در مضیقه بود، از ادامه تحصیل دست کشید و در کنار پدر به شغل نجاری پرداخت. پدر و پسر در کنار هم برای کسب درآمد از طریق شرافتمندانه، زندگی مشقت باری را گذراندند، تا اینکه بورجق به سربازی اعزام شد و در اوایل سربازی بود که مادر خود را از دست داد. در ابتدای انقلاب از ارتش مرخص گردید و بالاخره در فروردین ماه سال ۱۳۵۸ در جریان برخوردهای نظامی گنبد زندگی خود را در راه آزادی و احقاق حقوق خلق ترکمن فدا نمود.

درود بر رفیق شهید بورجق کلته  
مستحکم باد همبستگی تمامی خلقهای ایران

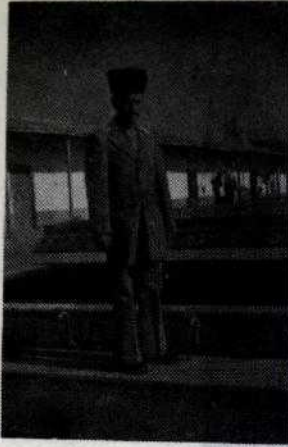


### بیاد رفیق شهید خلق ترکمن گلدی محمد دازداری

گلدی محمد در دیماه ۱۳۲۷ در آیدرویش یکی از بخش‌های گنبد به دنیا آمد. او که در خانواده متوسطی زندگی می‌کرد، همانند سایر برادرانش به تحصیل پرداخت و دوران ابتدائی و متوسطه را در مدارس گنبد به پایان رسانید.

رفیق گلدی محمد در سال ۱۳۵۰ به استخدام آموزش و پرورش شهرستان گنبد کاووس درآمد. به شغل معلمی پرداخت و در سال ۵۳ تشکیل خانواده داد و ثمره ازدواجش دو فرزند می‌باشد. رفیق گلدی محمد از خصوصیات اخلاقی والائی برخوردار بود. در فروردین ۵۸ در جریان جنگ تحمیلی به خلق ترکمن، مرتجعین متجاوز به خانه آنها حمله کردند و رفیق گلدی محمد و برادرش حاجی رحیم در این حمله به وسیله به اصطلاح پاسداران انقلاب دستگیر شده و چشم و دست بسته تیرباران می‌گردند. یادش گرامی باد.

جاودان باد خاطره شهدای به خون خفته خلق ترکمن  
 ننگ و نفرت بر توطئه گران ضدانقلابی.



### شهید قربان محمد قزلجه

قربان محمد در سال ۱۳۳۷ در قریه ایگدر سفلی بزرگ شد و سپس به مکتب خانه رفت و تا آنجا که توانائی مالی اش اجازه می داد درس خواند. او متأهل بود و سه فرزند داشت. در جریان جنگ تحمیلی گنبد رفیق قربان محمد به دست عده ای مزدور به شهادت رسید. یادش گرامی باد.

درود بر شهدای خلق ترکمن  
 ننگ و نفرت بر جنگ افروزان



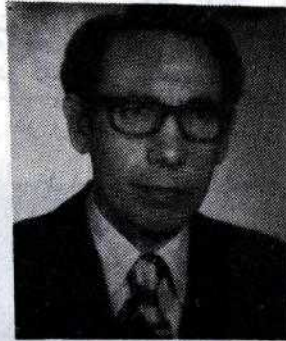
### شهید محمداراز (بهرروز) بهنام

بهرروز در سال ۱۳۲۸ در خانواده ای فقیر به دنیا آمد. و از ابتدا با طعم تلخ فقر آشنا شد. وی به مطالعه علاقه زیادی داشت. رفیق جوانی متین و با ایمانی راسخ بود و عشق فراوان به خلق زحمتکش ترکمن داشت. رفیق بهروز با کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن همکاری می کرد. و در

تظاهرات شرکت فعال داشت. رفیق بهروز در تاریخ ۵۸/۱/۱۰ در جریان جنگ تحمیل شده به خلق ترکمن به همراه نزدیکانش اسیر شد و ناجوانمردانه به وسیله افراد مسلح کمیته زخمی و پس از شکنجه فراوان به شهادت می‌رسد.

خاطره‌اش گرامی باد.

درود به شهدای به خون خفته خلق ترکمن.  
 ننگ و نفرت بر توطئه‌گران و جنگ افروزان

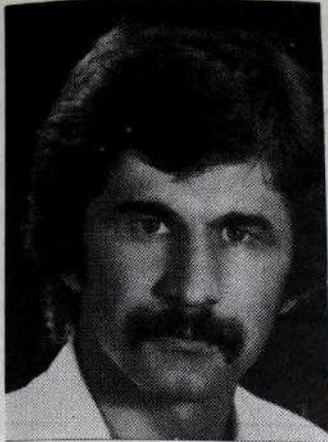


شهید طایچه برومند

طایچه در سال ۱۳۲۰ در قریه دوحی متولد شد. او تحصیلات خود را از ابتدائی تا پایان دوره متوسطه ادامه داد و با موفقیت دیپلم خود را گرفت. رفیق طایچه در سال ۱۳۳۸ به خدمت نظام وظیفه اعزام گردید. پس از پایان خدمت در اداره آموزش و پرورش استخدام گردید و چندین سال به شغل معلمی اشتغال داشت.

رفیق طایچه در جریان جنگ تحمیلی به خلق ترکمن به دنبال اعلام آتش بس در روز سیزدهم فروردین با چند تن دیگر اسیر شد و با کمال ناجوانمردی بوسیله پاسداران کمیته در حین عبور از کوچه از پشت سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به صف شهیدان خلق ترکمن پیوست یادش گرامی باد.

مستحکم باد همبستگی تمامی خلق‌های ایران  
 ننگ و نفرت بر توطئه‌گران و جنگ افروزان

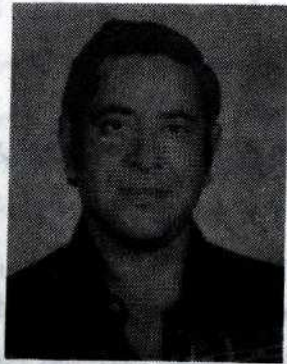


### رفیق شهید عطاخانجانی

رفیق عطاخانجانی در سال ۱۳۳۳ در گمیش تپه دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را تا سوم متوسطه در تنها دبیرستان آنجا ادامه داد و سال سوم را در دبیرستان مختومقلی فراغی (کاووس سابق) گنبد کاووس به پایان رساند و در رشته ادبی دبیرستان بیژن جزنی (احمدقلی) فارغ التحصیل و همان سال در دانشسرای راهنمایی تحصیلی ساری پذیرفته شد و پس از یک سال به دانشگاه تربیت معلم راه یافت. در خرداد ماه ۱۳۵۷ با درجه لیسانس از رشته جغرافیا فارغ التحصیل شد. رفیق عطا دوره آموزشی خدمت نظام وظیفه را می گذراند که آتش انقلاب شعله ور گشت. رفیق خانجانی نیز با درک مسئولیت خود در قبال خلق های ستمدیده به صفوف مردم پیوست و مبارزه ای بی امان را علیه دیکتاتوری شاه در پیش گرفت. وی دوشادوش سایر رزمندگان راه خلق در جهت نابودی ارتجاع داخلی و رفع ستم ملی مبارزه پیگیری را آغاز کرد. از ابتدای تشکیل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن رفیق خانجانی به عنوان یکی از پرکارترین و پرشورترین اعضای این کانون صداقت انقلابی خود را به ثبوت رسانید و در بخش تحقیقات روستائی این کانون فعالیت های خستگی ناپذیری در جهت آرمان خلق ترکمن قابل ستایش بود. پس از تشکیل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا نیز علاقه پرشور رفیق به زحمت کشان روستائی و تشکل یافتن آنان وی را به بخش شوراهای دهقانی ستاد کشاند. تلاش و همکاری رفیق شهید دوشادوش روستائیان زحمتکش در جهت بازپس گرفتن زمین های غصب شده و بردن آگاهی سیاسی به روستا و تشکل شوراهای دهقانی، نمونه بازری از فداکاری های این رفیق مبارز می باشد.

زحمتکشان روستاهای قورچای، تاتار علیا، اوقلی و... پیوند ناگسستی مبارزین واقعی راه خلق و روستائیان زحمتکش را در تلاش‌های رفیق خانجانی بخوبی احساس کرده‌اند. هنگامی که توطئه‌های بیشرمانه منجر به جنگ تحمیلی به خلق ترکمن گشت. رفیق خانجانی با زهم با شور و تلاش انقلابی خود از سنگری به سنگری می‌جست تا دست تجاوزگران به حقوق مردم را کوتاه کند و به‌هنگام این مبارزه قهرمانانه بود که با نثار خون خود آخرین وظیفه انقلابی خویش را در راه رهائی خلق‌های تحت ستم به‌انجام رسانید، یادش گرامی باد.

جاودان باد خاطره شهیدای به‌خون خفته خلق  
خلق ترکمن هرگز فرزند فدائی خویش را از یاد نخواهد برد.

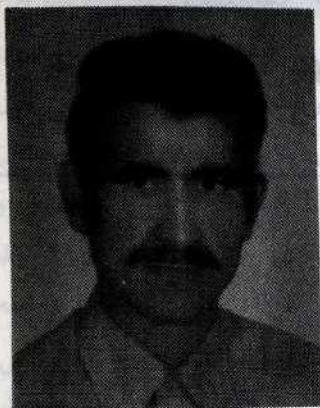


شهید سبجان بردی آق نیکوائی

سبجان بردلی در سال ۱۳۲۷ در شهرگنبد کاووس در خانواده‌ای متوسط متولد شد و تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان سینا و دوره اول متوسطه را در دبیرستان سعدی گذراند. وی به‌علت از دست دادن پدر و دو برادر بزرگتر مسئولیت تأمین مخارج خانواده را به‌عهده گرفت. سبجان بردی به‌کشاورزی مشغول شد و چون مشکلات زندگی را به‌روشنی درک کرده بود همیشه در فکر دهقانان، کارگران و دیگر زحمتکشان بود. او همیشه به‌این فکر می‌کرد که چه وقت دهقانان و کشاورزان صاحب ملک و آبادی خویش خواهند شد. رفیق سبجان بردی در روز سوم جنگ تحمیلی

نیروهای مزدور، درحالیکه قصد کمک به جوانی را که تیر خورده بود داشت  
مورد اصابت گلوله‌های عناصر وابسته به کمیته قرار گرفت و شهید شد،  
یادش گرامی باد.

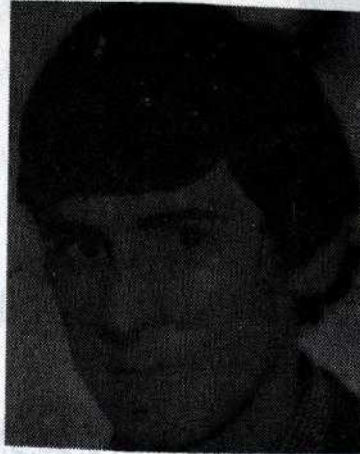
مرگ بر توطئه‌گران و جنگ افروزان و عوامل زمینداران  
بزرگ  
گرامی باد خاطره تمامی شهدای خلق



### رفیق شهید بهرام محمدجبللی

بهرام یکی دیگر از فرزندان به‌خون خفته خلق ترکمن است. او راننده  
بود و از این راه معاش خانواده ۳ نفری خود را تأمین می‌کرد. رفیق بهرام  
که ظلم طبقاتی جامعه را به چشم می‌دید در این فکر بود که چگونه می‌توان  
این نظام را از بین برد. او در این اواخر پس از تشکیل شواری دهقانی  
و کارگری ترکمن صحرا به‌خوبی شاهد بود که پیروزی خلق از چه راهی  
میسر است. به همین جهت در میتینگ‌هایی که به دعوت ستاد مرکزی شوراها  
ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن انجام گرفت، شرکت  
جست و در حین استماع سخنرانی، طی حمله‌ای که از طرف پاسداران  
کمیته امام صورت گرفت، در اثر اصابت گلوله زخمی شد و به علت  
بی‌توجهی بیمارستان شیر و خورشید سابق شهید گردید. یادش گرامی باد.

نابود باد توطئه‌های ضد انقلاب  
گرامی باد خاطره شهدای به‌خون خفته خلق



### رفیق شهید عبدالجلیل برهان

رفیق جلیل در سال ۱۳۳۵ درگنبد در خانواده‌ای کارگری به دنیا آمد. او از همان ابتدا با فقر و تنگدستی آشنا شد. و زندگی سخت و پرمشقت، او را فردی کوشا بار آورد. رفیق جلیل به علت کمبود امکانات مالی تا کلاس پنجم ابتدائی به تحصیل پرداخت و از آن پس برای کسب روزی و تأمین معاش خانواده ۹ نفری خود مشغول به کار شد. او در سال ۱۳۵۴ به خدمت نظام وظیفه اعزام و پس از پایان خدمت دوباره مشغول کار شد تا بتواند حداکثر رفاهی را که می‌توانست برای خانواده خود فراهم نماید. او به مشکلات جامعه تا حدودی پی برد و تا حد امکان سعی در برطرف ساختن آن نمود. او در دوران انقلاب در تظاهرات شرکت می‌جست و در برانداختن رژیم فاسد شاهنشاهی تلاش می‌نمود. رفیق جلیل در روز نهم فروردین ۵۸ بدنال جنگ تحمیلی بر خلق ترکمن هنگام استراحت در منزل به اتفاق سه تن از یارانش به دست باصطلاح پاسداران انقلاب به شهادت رسید. و به صف طویل شهدای راه آزادی پیوست. او یکی از مبارزین صدیق خلق بود. یادش گرامی باد.

مرگ بر نفاق افکنان و جنگ افروزان ضدانقلابی  
 درود بر شهدای خلق ترکمن

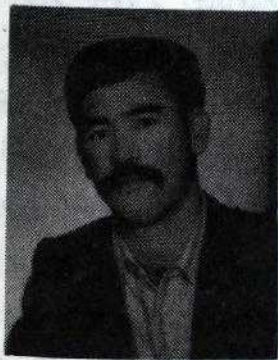




### مادر شهید بایرام بی بی ملّتی و فرزندش

مادر شهید بایرام بی بی ملّتی فرزند آنه محمد بتاريخ ۱۳۲۰ در گنبد به دنیا آمد. مادر شهید در تاریخ ۸ فروردین به همراه فرزند شش ماهه اش به درجه شهادت نایل گردید. عوامل مزدور کمیته امام به وسیله شکستن در و تجاوز به حریم منزل، مادر و فرزند شش ماهه اش را ناجوانمردانه به رگبار گلوله بستند و به این ترتیب مادر و فرزند در راه آرمان خلق ترکمن به شهادت رسیدند.

گرامی باد خاطره مادر شهید و فرزندش  
نگ و نفرت بر توطئه گران و عوامل مزدور زمینداران غاصب.



### رفیق شهید ملاّ مراد کلتّه

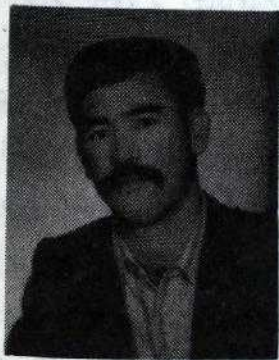
ملا مراد در سال ۱۳۲۶ در گنبد متولد شد. وی در اواخر تحصیلات ابتدائی به علت شرایط نامساعد اقتصادی خانواده مجبور به ترك تحصیل گردید و با وجود کمی سن به کارگری پرداخت پس از هفت سال با



### مادر شهید بایرام بی بی ملّتی و فرزندش

مادر شهید بایرام بی بی ملّتی فرزند آنه محمد بتاريخ ۱۳۲۰ در گنبد به دنیا آمد. مادر شهید در تاریخ ۸ فروردین به همراه فرزند شش ماهه اش به درجه شهادت نایل گردید. عوامل مزدور کمیته امام به وسیله شکستن در و تجاوز به حریم منزل، مادر و فرزند شش ماهه اش را ناجوانمردانه به رگبار گلوله بستند و به این ترتیب مادر و فرزند در راه آرمان خلق ترکمن به شهادت رسیدند.

گرامی باد خاطره مادر شهید و فرزندش  
نگ و نفرت بر توطئه گران و عوامل مزدور زمینداران غاصب.



### رفیق شهید ملاّ مراد کلتّه

ملا مراد در سال ۱۳۲۶ در گنبد متولد شد. وی در اواخر تحصیلات ابتدائی به علت شرایط نامساعد اقتصادی خانواده مجبور به ترك تحصیل گردید و با وجود کمی سن به کارگری پرداخت پس از هفت سال با

استعدادی که داشت يك بنای ماهر شد. تازه بهزندگی خود سر و سامانی داده بود که جنگ تحمیلی به خلق ترکمن آغاز شد. رفیق به خاطر دفاع از خلق ستمدیده خود به همراه سایر مبارزین این راه به صفوف رزمندگان پیوست و مدت ۷ روز تمام در سنگرها جنگید تا اینکه روز شنبه ۵۸/۱/۱۱ هنگامی که به اتفاق ۶ تن دیگر از رفقایش برای استراحت به خانه می رفتند توسط مزدوران به اسارت درآمدند. در بین راه رفیق ملامراد و یکی دیگر از رفقایش به شهادت می رسند. بدین ترتیب رفیق ملامراد به سایر شهدای خلق ترکمن پیوست.

یادش گرامی باد.

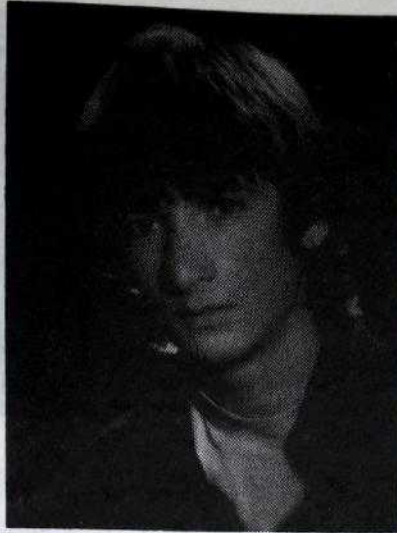
درود بر تمامی شهدای خلق  
مرگ بر جنگ افروزان ضد انقلاب

### (شهید حلیم پرویز)

رفیق حلیم پرویز در سال ۱۳۰۲ دیده به جهان گشود. از دوران کودکی به اسب سواری علاقه زیادی داشت. از این رو در مسابقات اسبدوانی شرکت می جست. او در اسب سواری و پرورش اسب مهارت فراوانی از خود نشان می داد.

حلیم پرویز در سن ۳۸ سالگی دست از پرورش اسب کشید و در ۴۵ سالگی شغل واسطه گری را در معاملات فرش و گاو و گوسفند در پیش گرفت و بدین ترتیب زندگی او و خانواده اش با هرات و سختی می گذشت. تا اینکه حلیم پس از اعلام آتش بس در جریان جنگ تحمیلی گنبد برای رسیدگی به وضع گاو و گوسفند خود از منزل خارج می شود که عوامل مزدور او را به اتفاق هفت نفر دیگر در بدلجه گنبد دستگیر نموده و پس از شکنجه، حلیم و يك تن دیگر را به شهادت می رسانند. یادش گرامی باد.

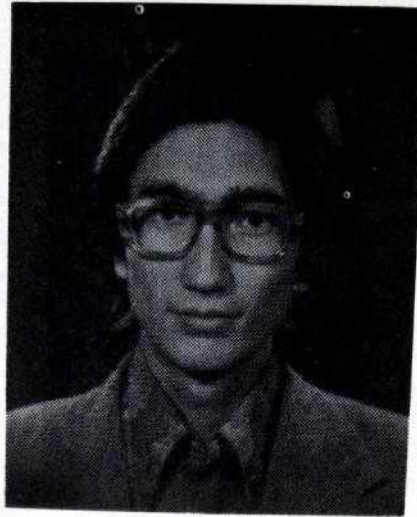
گرامی باد خاطره شهدای به خون خفته خلق  
نابود باد توطئه های ضد انقلابی زمینداران بزرگ



### (شهید عبدالجلیل گوگلانی)

رفیق جلیل در سال ۱۳۴۱ در شهر گنبد متولد شد. رفیق جلیل در تظاهرات و فعالیت‌های سیاسی گنبد همگام با سایر مبارزین راه آزادی صادقانه شرکت می‌کرد. بعد از سرنگونی رژیم فاسد شاه، رفیق جلیل با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، بخش پیشگام فعالانه همکاری می‌کرد. شبی که افراد کمیته به طرف معترضین حادثه ۵ فروردین تیراندازی کردند پسر عموی جلیل - ارازمحمد دردی پور - کشته شد و به همین خاطر رفیق جلیل نسبت به زمینداران و توطئه‌گران این حادثه کینه شدیدی به دل گرفت. او در روزهای جنگ تحمیلی گنبد در رساندن مهمات و آذوقه نقش فعالی داشت. رفیق در اواسط جنگ به وسیله نارنجکی که به سنگرش پرتاب شد زخمی گردید و در خانه‌ای بستری شد، ولی به علت کمبود امکانات نتوانستند او را به بیمارستان برسانند و در نتیجه رفیق جلیل مثل سایر رفقای خود به شهادت رسید، یادش گرامی باد.

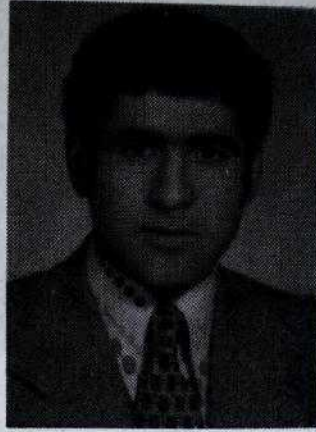
درود بر تمام شهدای خلق  
 نابود باد جنگ افروزی و توطئه‌گری زمینداران بزرگ



### (رفیق شهید نورمحمد خواجه)

رفیق نورمحمد در سال ۱۳۳۷ در گنبدکاووس در يك خانواده فقير به دنیا آمد. در اوائل دوران کودکی، پدرش به زندان افتاد و پس از آن برادرش که تنها نان آور خانواده بود به خدمت سربازی برده شد. از اینرو مادر و خواهرش به قالی بافی پرداختند و با درآمد ناچیزی که از این راه در می آوردند وی را به مدرسه فرستادند. نورمحمد در حین تحصیل به کار در مزارع پرداخت. پس از بازگشت برادرش به گنبد رفت و تحصیلات خود را تا اخذ دیپلم در گنبد ادامه داد. رفیق در این حین برای تأمین مخارج به عنوان راننده تاکسی کار می کرد. پس از اخذ دیپلم به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد راه یافت. وی که در هنگام شهادت دانشجوی سال دوم رشته زبان بود، برای گذراندن تعطیلات به گنبد آمده بود. با در گرفتن جنگ تحمیلی گنبد و متعاقب آن و پس از آتش بس، عده ای مزدور وابسته به کمیته امام، او را در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ و در حالی که خواب بود تیرباران کردند و شهیدی دیگر به شهدای خلق ترکمن پیوست. یادش گرامی باد.

جاودان باد خاطره شهیدان خلق  
مرگ بر توطئه گران و زمینداران بزرگ

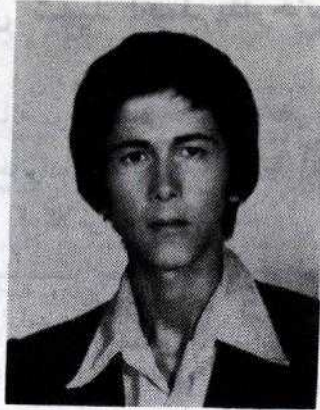


### (رفیق شهید حکیم شفیعی)

رفیق حکیم در قریه تش یوسفه یکی از توابع بندر ترکمن، تولد یافت. هنگامیکه رفیق یک ساله بود، پدر خود را از دست داد. تحصیلات ابتدائی را در زادگاه خود و دوره اول متوسطه را در دبیرستان مختومقلی بندر ترکمن به پایان رساند. و چون تنها نان آور خانواده بود مجبور به ترک تحصیل شد و به کار کشاورزی پرداخت.

بعد از چند سال به خدمت نظام رفت. پس از پایان خدمت، در اداره آموزش و پرورش مشغول به کار شد. رفیق حکیم همواره در جهت منافع خلق کار می کرد و همیشه شعار: «خلق، تو همیشه پیروزی و پیروز می شوی» را بر زبان داشت. رفیق حکیم به دنبال دعوت کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در میتینگ مسالمت آمیز خلق ترکمن شرکت نمود و بعد از استماع قسمتی از سخنرانی شوراهای ترکمن صحرا، بر اثر حمله ای که به وسیله عناصر ضد انقلابی به اصطلاح پاسداران انقلاب صورت گرفت به شهادت رسید و به دیگر شهدای راه خلق پیوست، خاطره اش گرامی باد.

جاودانه باد خاطره شهدای به خون خفته خلق  
مرگ بر توطئه های نفرت انگیز زمینداران بزرگ و غاصبین  
زمین



### (رفیق شهید عبدالله صوفی زاده)

رفیق عبدالله در سال ۱۳۴۰ در گنبدکاووس چشم به جهان گشود. وی دوره ابتدائی تحصیل را در سال ۱۳۵۱ به اتمام رسانید و سپس در مدرسه راهنمایی مسکین قلیج (آرش سابق) مشغول تحصیل شد. رفیق پس از پایان دوره راهنمایی تحصیلی در دبیرستان خسروگل سرخی در رشته خدمات به تحصیل پرداخت.

پس از تشکیل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن، وی به بخش جوانان پیشگام ستاد که در جهت احقاق حقوق خلق‌های ستمدیده ترکمن صحرا فعالیت دارد پیوست و به همراه سایر مبارزین از خواسته‌ها و آرمان‌های خلق‌های زحمتکش دفاع می‌کرد. رفیق عبدالله در جریان جنگ تحمیلی گنبد یکی از افراد رزمنده بود. ولی علیرغم صغر سن با فداکاری، رزمندگان ترکمن صحرا را یاری می‌کرد. سرانجام در تاریخ پنجشنبه ۵۸/۱/۹ ساعت ۲ بعد از ظهر هنگامی که به علت خستگی زیاد در کنار سایر رفقا در خواب بود. عناصر ضد انقلابی، او را همراه سه تن از همزمانش به شهادت رسانیدند و بدین ترتیب رفیق عبدالله نیز به صفوف سایر شهیدان فدائی خلق ترکمن صحرا پیوست. یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطره شهدای به خون خفته خلق  
 نابود باد توطئه‌های ضدانقلابی زمینداران بزرگ

## رفیق شهید احمد نظرخانی

رفیق احمد پانزده ساله در روستای «کوچک نظرخانی» در ۳۵ کیلومتری شهرستان گنبد در يك خانوادهٔ دهقانی فقیر به دنیا آمد. و به علت همین فقر مادی نتوانست بیش از ۳ کلاس تحصیل کند، ولی به علت علاقه فراوانی که به کسب آگاهی و شناخت بیشتر محیط خویش داشت دو سال نیز به طور شبانه به تحصیل ادامه داد.

در تاریخ ۵۸/۳/۹ فنودال حریص قدس گرگانی جهت درو کردن محصول زمین غصبی همراه با چند نفر پاسدار انقلاب به روستا می‌آید. در این هنگام شورای دهقانی ده با زمین‌دار غاصب قدس وارد مذاکره می‌شوند و از او می‌خواهند که جریان را با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و نمایندهٔ دولت در میان گذاشته و آنگاه هر تصمیمی گرفته شود بر اساس آن عمل نمایند ولی قدس بی‌رحم در همان موقع که دو نفر از اعضای شورای دهقانی روستا برای دادن گزارش به گنبد حرکت کرده بودند؛ با توطئه‌ای که قبلاً با رئیس کمیته انقلاب خان‌ببین چیده بودند شروع به تیراندازی به طرف روستائیان می‌نمایند که در نتیجه رفیق احمد مورد اصابت گلوله دژخیمان قرار گرفته و در راه منافع دهقانان رنج دیده شهید می‌شود، یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطره شهدای خلق  
نابود باد توطئه‌های زمینداران مرتجع

## شهید سالار آق ارککلی

رفیق سالار در روستای «کوچک نظرخانی» در يك خانوادهٔ فقیر به دنیا آمد پدرش با وجود داشتن حداقل امکانات مادی او را به دبستان ده فرستاد. اما فقر شدید رفیق سالار را مجبور ساخت تا برای رفع گرسنگی خانواده، از تحصیل دست بکشد و همراه پدرش به عنوان کارگر کشاورزی به جان کندن جهت پر کردن جیب زمینداران بزرگ به کار در



مزارع مشغول شود. رفیق در ۱۳ سالگی پدرش را از دست داد و او با مادر و برادرانش تنها ماندند. از آن موقع برادران و خواهران خردسال رفیق دیگر تنها چشم به حاصل دسترنج رفیق سالار دوخته بودند. رفیق سالار در تاریخ ۹ خرداد ۵۸ هنگامی که «قدس» زمیندار غاصب برای غارت حاصل دسترنج اهالی ده با چند نفر پاسدار مسلح وابسته به کمیته خان‌ببین به‌روستا آمده بود در حال کار روی زمین بود و هنگامی که به محل ماجرا رسید بر اثر تیراندازی ناجوانمردانه پاسداران، در راه منافع دهقانان که بعد از سال‌ها رنج به‌زمین‌های خود رسیده بودند، شهید شد. یادش گرامی باد.

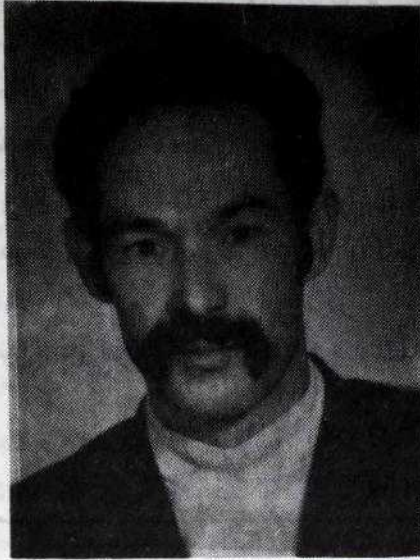
مستحکم باد پیوند دهقانان تحت ستم  
نابود باد توطئه‌های زمین‌داران بزرگ.



### شهید نورمحمد قجقی

نورمحمد در سال ۱۳۲۸ در شهر گنبد کاووس به دنیا آمد. وی پس از پایان دوره ابتدائی وارد دبیرستان شد و به علت فوت مادر در سال دوم دبیرستان نتوانست تحصیل خود را ادامه بدهد. رفیق در سال ۱۳۴۸ عازم خدمت نظام وظیفه شد. و پس از پایان خدمت مدتی در جستجوی کار بود ولی نتیجه‌ای نگرفت تا بالاخره يك آموزشگاه رانندگی تأسیس کرد و از این راه امرار معاش می‌نمود. رفیق در جنگ ۹ روزه گنبد در خانه خود به وسیله مزدوران به اصطلاح پاسدار انقلاب در روز ۵۸/۱/۱۱ به شهادت رسید. یادش گرامی باد.

مرگ بر توطئه‌گران و جنگ افروزان  
گرامی باد خاطره شهدای به خون خفته خلق



### (رفیق شهید عبدالحمید کلامی)

حمید در سال ۱۳۲۳ در گنبدکاوس متولد شد. او تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان سیروس و تحصیلات متوسط خود را تا کلاس ۹ در دبیرستان مختوم قلی فراغی (کاووس سابق) ادامه داد ولی به علت پیش آمدن مشکلاتی مجبور به ترك تحصیل شد. بعد از آن به سربازی رفت و پس از پایان سربازی شغل رانندگی را پیشه خود ساخت. از نظر مالی در خانواده ای متوسط می زیست. او به خلق ستم دیده ترکمن عشق می ورزید و همیشه در این فکر بود که چگونه می توان این خلق رنج دیده را از قید و ستم رها ساخت. رفیق حمید در جریان جنگ تحمیل شده به خلق ترکمن در تاریخ ۵۸/۱/۱۱ توسط عوامل ضد انقلابی در کمیته اسلامی که به زور وارد منزل وی شدند دستگیر شد. این ددمنشان او را در منزل همسایه بهرگبار مسلسل بسته و به شهادت رساندند. خاطره اش جاودانه باد.

ننگ و نفرت بر مزدوران جنگ افروز  
درود بر شهدای به خون خفته خلق

### (رفیق مشهدقلی نظرخانی)

رفیق مشهدقلی در يك خانواده دهقانی تهیدست در روستای «کوجک نظرخانی» به دنیا آمد. رفیق دارای پدر و مادر پیر و ۴ خواهر بود. به علت عدم توانائی مالی پس از ۵ سال تحصیل توأم با رنج و مشقت، قادر به ادامه تحصیل نشد. رفیق مشهدقلی در روز چهارشنبه ۹ خرداد ماه در جریان تیراندازی از طرف پاسداران کميته که به همراه زمیندار غاصب «قدس»، با توطئه قبلی بر علیه دهقانان به روستا آمده بودند، شهید شد. یادش گرامی باد.

پایدار باد مقاومت قهرمانانه دهقانان مبارز  
 نابود باد توطئه‌های زمینداران بزرگ



رفیق شهید خلق ترکمن  
 حاجی رحیم دازداری

حاجی رحیم در سال ۱۳۳۲ در شهرستان گنبدکاووس دیده به جهان گشود. خانواده او زندگی متوسطی داشتند. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در رشته ادبی در زادگاهش به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۴ به خدمت نظام رفت. سپس برای تامین معاش به سیستان و بلوچستان رفت و در شرکت‌های خصوصی مشغول کار شد. بعد از ۲ سال به گنبد نزد والدینش برگشت تا با حاصل سال‌های زحمتش تشکیل خانواده بدهد ولی در جنگ تحمیلی گنبد در فروردین ۱۳۵۸ در جریان حمله ضد انقلابیون به منزلش او و برادرش را دستگیر و به وضع ناجوانمردانه‌ای تیرباران کردند. یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطره شهدای به خون خفته خلق  
 نابود باد توطئه‌های ضد انقلاب وابسته به زمینداران بزرگ

(تذکرہ امیر خسرو دہلوی)

بیت اللہ ہندوستان کے بانی اور پہلے امیر تھے۔ ان کی ولادت سن ۱۳۲۳ء میں ہوئی۔ ان کی پرورش دہلی میں ہوئی۔ ان کی تعلیم دہلی میں ہوئی۔ ان کی شہرت دہلی میں ہوئی۔ ان کی وفات دہلی میں ہوئی۔

**فصل پنجم:**

(عبدالحمید کلاہی)

**متفرقہ**

عبدالحمید کلاہی ایک مشہور شاعر تھے۔ ان کی ولادت سن ۱۳۲۳ء میں ہوئی۔ ان کی پرورش دہلی میں ہوئی۔ ان کی تعلیم دہلی میں ہوئی۔ ان کی شہرت دہلی میں ہوئی۔ ان کی وفات دہلی میں ہوئی۔

شرح تیرباران یکی از اسرا توسط افراد مسلح وابسته به کمیته  
گنبد از زبان خودش:

من عبدالجبار پنتق فرزند ارك كاكاپنق مادرم آبی سلطان و دارای يك برادر بنام عبدالستار پنتق ۴ ساله در خانواده کارگر فصلی بسیار فقیر و بی چیز متولد شدم و پدرم در آن محیط برای امرار معاش قطعه زمینی که بتواند زندگی ما را تأمین نماید در دست نداشت و با کارگری در فصل‌های مختلف، رانندگی تراکتور و ماشین، غذای بخورنمیر خانواده را تأمین می‌کرد و از دنیا و تحولات آن بی‌خبر بود، خلاصه بزرگ شدم و وقت رفتن به مدرسه شد و مرا به مدرسه صفوی بناور (امچلی امروز) گذاشتند. با هزار بدبختی به تحصیل مشغول شدم و با مشکلات فراوان کلاس سوم راهنمایی را در مدرسه راهنمایی امیری به پایان رسانیدم و پس از آن برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۵ به دبیرستان نظری هدایت قدیم (مختومقلی فراغی جدید) رفتم و تا سال ۱۳۵۸ سوم نظری رشته اقتصاد - اجتماعی را به پایان رسانیدم. البته در حین تحصیل ایمان به نوع دوستی و سنت‌ها و فرهنگ ملی در من موج می‌زد تا این که برحسب وظیفه انسانی خود در جنگ تحمیلی گنبد برای کمک به دوستان جنگ‌زده خود شتافتم و اسلحه به دست دوش به دوش برادران از حقوق اجتماعی و خلقی خود دفاع کردم و با قدت تمام با عوامل ارتجاع و دست‌نشانندگان امپریالیست، بی‌امان جنگیدم تا اینکه روز آخر مبارزه، آتش‌بس از طرف هیئت اعزامی دولت بازرگان به تمام رزمندگان به وسیله بلندگو اعلام شد. ماجرا پس از اعلام آتش‌بس شروع شد، چون در آتش‌بس‌های مکرر قبلی، در سنگرمقابل من آن طور که اطلاع داشتیم، ساواکی‌ها قرار داشتند که قبلاً نیز از جانب آن‌ها آتش‌بس شکسته شده بود، با هوشیاری مواظب بودیم تا باز هم به وسیله آن عوامل، جنگ تجدید نشود. تا اینکه از ستاد به وسیله تلفن اعلام کردند که ارتشی‌ها به طرف شما و برای دستگیری و خلع سلاح آن عوامل می‌آیند و

نباید تیراندازی شود به من و يك نفر ديگر و سنگر مقابل اطلاع داده شد كه تیراندازی نکنند. تا اینکه ارتشی‌ها آمدند و سنگر مقابل را با وجود اینکه رمز ردوبدل شد خلع سلاح کردند و به طرف سنگر من آمدند و من هم به احترام آتش بس رمز اعلام کردم توجه نکردند و با سنگرگیری و فرمانده در جلو، به يك متری من رسیدند، ناچار ایست دادم، همگی دست بالا شدند؛ ساواکی‌ها از این جریان سوءاستفاده کرده از پشت به من حمله کردند و به خاطر اینکه فکر می‌کردم ارتشی‌ها خود، ساواکی‌ها را شناخته و آن‌ها را به دام می‌اندازند، من تیراندازی نکردم و آنها مرا دستگیر کردند و با خودشان به اتفاق نظامیان به مسجد بردند و در مسجد به من آب دادند، نخوردم و از مسجد مرا بیرون آوردند و زنان و بچه‌ها و مردان مرا سنگ‌باران کردند و اوایل ارتشی‌ها خواستند از این عمل جلوگیری کنند ولی آنها توجهی به فرمان ارتشی‌ها نکردند و سنگ زیادتر پرتاب کردند و در حین سنگسار کردن سر رفیق هم سنگر من شکست تا اینکه پرتاب سنگ متوقف شد و چند جوان به من حمله کردند و چند لگد به ناحیه شکم کوبیدند تا با استقامت و حمله من کنار رفتند و در همین اثنا نیز ارتشیان بی تفاوت تماشا می‌کردند تا دست و چشم رفیق مرا بستند و نوبت بستن دست من رسید و من با صدای بلند اعلام کردم نمی‌گذارم دست‌ها و چشمانم بسته شود تا اینکه مرا بکشید. در این وقت عده‌ای ارتشی بر روی من ریخته و چشمم را بستند و من با دست خود نقطه دیدی باز کردم در اینجا یکی از ساواکی‌ها اعلام کرد كه این‌ها را برای اعدام به بیابان ببریم در اینجا ارتشی‌ها زبان باز کردند و گفتند به ستاد تحویل می‌دهیم تا مبادله اسرا بشود در این میان یکی از غیرارتشی‌ها كه رُل فرمانده را بازی می‌کرد اعلام کرد، اگر شما ارتشی‌ها این دو نفر را به ستاد تركمن‌ها ببرید همه‌تان را نابود می‌کنیم.

نظامیان از ترس جانشان از بردن ما به ستاد صرف نظر کردند و برای اعدام ما، چند نفر مأمور هم به غیرارتشی‌ها دادند و فرمانده آنها با ماشین شخصی خود قصد داشت ما را به میدان شماره يك

اعدام ببرد که خبر دادند میدان ۱ و ۳ پُر است به میدان ۲ برده شوند و ما را جهت اعدام به میدان ۲ بردند و در يك صحرای خلوت پیاده کردند و گفتند با دست‌های بالا ده قدم راه برویم و دستور اجرا شد و در پشت ما دو نفر به حالت آماده ایستادند اول مأمور ارتشی که پشت رفیق من آماده بود تیراندازی کرد و من دیدم تیر از ناحیه سر به رفیقم اصابت نمود و من نیز فکر کردم که سرم را نشانه گرفته، شیرجه رفتم روی زمین و تیر به بازوی چپ خورد و چون با تفنگ ژ - ۳ تیراندازی می‌کردند ضربه آن يك دور کامل مرا دور خودم چرخاند و تیر دوم هم از همان ناحیه اصابت کرد و افتادم و در موقع افتادن شعار می‌دادم که موجب عصبانیت آنها شده بود و این بار از فاصله ۵ متری مرا به رگبار بستند در همان رگبار يك تیر از زیر بغل و ۲ تیر از کمر و ۲ تیر از روی کتف به صورت سطحی رد شد البته تیری که به زیر بغل خورد پس از معاینه و معالجه دکترها معلوم گردید، باعث قطع شدن ریه چپ و شکستن استخوان و دنده‌ها گردیده است و برای اصابت به قلب يك سانتیمتر فاصله داشته است. دو تیری که به کمرم خورد باعث پارگی روده باریک شد که منجر به قطع  $1/2$  سانتیمتر روده باریک من گردید. در میدان اعدام پس از اصابت کلیه تیرها متوجه شدند که من زنده هستم آمدند و ناحیه شکم مرا لگدکوب کردند، به قدری با حرص و غضب لگد می‌کوبیدند که خسته شدند. در اثر فشار ضربه‌های پوتین ارتشی رگ‌های دور نافم پاره شد و ایجاد باد فتق کرد که نیاز به عمل جراحی به گفته دکتران معالجم دارد. پس از لگد چون فکر کردند من مرده‌ام، رفتند. پس از رفتن آنها روحیه‌ام را باز یافتم و با همان حال شروع به غلتیدن به طرف جاده کردم در آن اثنا آمبولانس گروه امداد طالقانی رسیدند، آنها مرا با خود به بیمارستان قابوس بردند. لازم به گفتن است که در موقع غلت خوردن تمام تن آغشته به خونم با خاک پوشیده شد و مثل سریشم به بدنم چسبیده بود. ولسی من با روحیه‌ای قوی و خندان به بیمارستان رسیدم، دکترها در مورد عمل روی من تردید داشتند و

اظهار می‌داشتند به علت زیاد خون رفتن و از بین رفتن بازوی چپ، مرگ حتمی است بالاخره تصمیم به عمل گرفتند ولی کسی نبود که رضایت نامه را بنویسد، چون ورود ترکمن‌ها به آن بیمارستان ممنوع بود. ناچار خودم یادم هست که با دست راست خونی رضایت نامه نوشتم و امضاء کردم و دکتر کریم غیائی مرا به اتفاق عمل برده و به اتفاق چند نفر دیگر به عمل جراحی مشغول شدند تا زمانی که وسیله عمل را در دست گرفته بودند من به هوش بودم و چون خون، بسیار از بدنم رفته بود آمپول خوراکی به من تزریق کردند و یک نفر پرستار دائم مشغول تزریق خون بود تا عمل به خوبی انجام گرفت و از مرگ حتمی من جلوگیری شد و تزریق خون باز هم ادامه داشت و در بیمارستان قابوس جمعاً ۴ روز بستری بودم تا روز چهارم به هوش آمدم. بالای سرم خبرنگاران ایرانی و خارجی بودند و فیلمبرداران ایرانی ضمن مصاحبه، فیلمبرداری نیز می‌کردند. در همان ایام بستری بودن یک دختر دانش‌آموز افتخاراً از من پرستاری می‌کرد و من محبت‌های او را فراموش نمی‌کنم.

دکتر کریم غیائی لازم دانست که در تهران تحت نظر ایشان در بیمارستان خصوصی خودش (بیمارستان پاستورنو) بستری شوم. من هیچ موقع خدمات و محبت‌های این دکتر نوع دوست و با شرف را فراموش نمی‌کنم و همچنین پرستاران و بهیاران انساندوستی که به نحو احسن به من کمک کردند را فراموش نمی‌کنم. یک نکته لازم به یادآوری است که در موقع حرکت از گنبد به تهران به وسیله هلیکوپتر، دکتر از زنده ماندن من قطع امید کرده بود، در شاهرود سابق هلیکوپتر به زمین نشست و من کاملاً به هوش بودم و سالم خوب بود، پس از نشستن و سوخت‌گیری، در آنجا کمی کمپوت، به من دادند و برای تقویت روحیه من، پرستارها با من عکس گرفتند و مجدداً چون دیدند حال من کمی بهتر است پرواز کردند و دو ساعت به دو ساعت به من تنفس مصنوعی می‌دادند تا اینکه به فرودگاه قلعه مرغی در تهران رسیدیم و از آنجا چون ترافیک مانع



سریع رساندن من به بیمارستان بود با يك هلیکوپتر دیگر مرا به نزدیکی بیمارستان رساندند و از آنجا به بیمارستان پاستور نو منتقل شدم. مدت دو روز در اورژانس بستری بودم و حال کمی بهتر شد و به تقاضای خودم مرا به قسمت فوقانی بیمارستان بردند. در آنجا مشغول مطالعه کتاب ترکمنی مختومقلی فراغی و وقایع گنبد که یکی از دوستانم برایم آورد، شدم و پس از ۴ روز ماندن در تهران به راه افتادم که مایه تعجب دکترها مخصوصاً دکتر خلاقی شد. در حدود بیست روز در آن بیمارستان استراحت نمودم. دکتر نسبت به من بی نهایت لطف داشت حتی می خواست برای درست کردن دست مصنوعی به هزینه خودش مرا به خارج بفرستد ولی دکتر فیوضات که دست و پای مصنوعی درست می کند این کار را انجام داد و کلیه هزینه آنرا دکتر بخودم داد که شخصاً به او پرداخت نمودم. در مورد عمل بادقتق چون دکترها مرا کمی ضعیف می دانستند قرار شد در سال بعد انجام شود و حالا من کاملاً قوی هستم و تجربیات و بینش سیاسی و علمی برای خدمت بهستم دیدگان دارم و با آن که دستم معیوب و تن و جانم شکسته است با تمام نیروی عشق به خلق، به مبارزه ادامه می دهم و تا آزادی خلق های تحت ستم به مبارزه پی گیر خود ادامه می دهم و آرام نمی نشینم.

## درخواست کشاورزان متحصن در

### دادگستری گنبد کاووس

#### جریده شریفه آیندگان

منطقه حاصلخیز شهرستان گنبد کاووس که از قطب های مهم کشاورزی مملکت است از ده ها سال قبل بر اثر همت کشاورزان که با زحمات توان فرسا آنها را از وضع باتلاقی و نیزار و تلوزار (خارها و بوته های جنگلی) خارج و میدل به اراضی بایر و مستعد نموده اند همه ساله مقادیر هنگفتی غلات و پنبه و هندوانه و میوه جات عائد کشور می نماید.

این کشاورزان که از اقشار مختلف اجتماع از مهندس و دانشگاهی و فرهنگی تا بازاری و اصناف، همه طبقات را در بر می‌گیرد، با انصراف از مشاغل قبلی خود که احیاناً سودآورتر هم بوده با صرف میلیون‌ها ریال در طی ده‌ها سال با حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و بقیه موتورآلات و برق‌کشی به مزارع و ایجاد مستحدمات و ساختمان‌های کارگری و محل نگاهداری اغنام و احشام و غرس اشجار مثمر و غیرمثمر و تهیه موتورآلات نوین کشاورزی و احداث راه به‌هزینه شخصی و با استقراض از منابع اعتباری مختلف يك قطب کاملاً نو و پیشرفته به‌وجود آورده‌اند که با بهترین و پیشرفته‌ترین مزارع کشورهای پیشرو در امر کشاورزی و دامداری برابری می‌کند.

کشاورزان مزبور با درک مفاهیم نهضت اصیل ملت اسلامی ایران تحت زعامت و رهبری امام خمینی و با امثال اوامر معظم‌له که قبل از به‌ثمر رسیدن انقلاب از پاریس صادر فرموده بودند اغلب اراضی خود را در سال جاری به‌کشت گندم اختصاص داده‌اند که در حال حاضر سبز و خرم و چنانچه اقدامات بعدی از قبیل کودپاشی و پاکسازی مزرعه از علف‌های هرز به‌وسیله سمپاش و آبیاری و نگاهداری از تعلیف به‌موقع انجام شود انشاءالله قسمت اعظم احتیاجات مملکت را تأمین خواهند نمود. و پس از پیروزی انقلاب انتظار داشتند که برخلاف سیاست مخرب دولت‌های رژیم استبداد در مورد کشاورزی آنان مورد ملاحظت بیشتر و حمایت قانونی قرار گیرند ولی متأسفانه و صدها بار اسفبار، آنکه چند روزی است به‌نحو غیرمترقبه و ناگهانی که مسلماً اجرای توطئه‌ای ضدانقلابی است، عده‌ای از عناصر سودجو و ضدانقلابی که همواره در پی سوءاستفاده از فرصت هستند ناجوانمردانه و برخلاف کلیه اصولی اسلامی و انسانیت به‌مانند آفت سن و ملخ که مزارع را مورد هجوم قرار می‌دهند و چیزی از آن باقی نمی‌گذارند بدون هیچگونه مجوز شرعی و اسلامی و قانونی دسته‌جمعی و در مواردی با تجمع صدها نفر مزارع را مورد تاراج و چپاول قرار داده و هرچه در آن و به‌شرح یاد شده با صرف عمر و هستی کشاورزان فراهم شده لگدمال و به‌اصطلاح زیر سم ستوران انداخته و زراعت گندم را زیرورو و به‌قصد ایجاد آثار تصرف زراعت‌های دیگر می‌کارند. در ضمن

کارگران کشاورزی را که در مزارع کشاورزی مستقر هستند با تهدید و ارعاب متواری یا در مصادره با خود شریک می‌نمایند. بدیهی است مهاجمین توطئه‌گر هیچگونه محمل و مجوز شرعی اسلامی و قانونی ندارند والا باوجود موفقیت نهضت انقلاب اسلامی امکان هرگونه دادخواهی و احقاق حق شرعی و قانونی وجود دارد آنچه مسلم و محقق است آن است که اشخاص منفرداً و یا مجتمعاً حق قضاوت شخصی را ندارند چه رسد به آنکه با وجود و نیاز مبرم مملکت به محصولات کشاورزی و ضرورت خودکفائی کشور حدود دو بیست و پنجاه هزار هکتار گندم و یک صد هزار هکتار جو و اغنام و احشام حیف و میل شده و از بین برود و انبار غله مملکت را خالی نمایند. جالب است که این توطئه ضدانقلابی ریشه‌ای عمیق دارد زیرا همزمان با مانورهای ضدانقلابی گوشه و کنار مملکت انگشت روی نقطه حساس گذارده و با انهدام مزارع غله در مقیاس بسیار وسیع و مصادره و انهدام وسائل کشاورزی به یکباره می‌خواهند کشور ما را از آذوقه و لوازم تهیه آذوقه خلع سلاح نمایند و ما را محتاج امپریالیسم نگاهدارند. اگر اینان یعنی متجاوزین مسلم حرف شرعی قابل قبول دارند، مسلماً در حکومت ملی اسلامی جانی برای گفتن آن دارند. و این نحو اقدام متجاسرانه جز اجرای توطئه ضدملی هدفی ندارد که در درازمدت ایجاد قحط و غلای شدید می‌باشد با وصف معروضه و برای اجتناب از اطلاع کلام فعلاً کشاورزان گنبدکاوس با تحسر و تأسف فراوان ناظر ترکتازی و تهاجم دسته‌جمعی به مزارع و باغات و اغنام و احشام خود هستند و ضمن اختیار تحصن در محوطه دادگستری گنبد کاووس و اعزام نمایندگان به منظور تقدیم مراتب تظلم به حضور امام خمینی و سایر آیات عظام و مقامات دولتی با کمال بی‌صبری منتظر رفع تعرض و تجاوز به مزارع کشاورزی خود و استرداد ماشین‌آلات کشاورزی که مصادره می‌شود می‌باشند در ضمن به کلیه مقامات دولت موقت انقلاب اسلامی و عموم هموطنان هشدار می‌دهیم که محرکین و عاملین این توطئه ضدملی علاوه بر به وجود آوردن قحط و غلای شدید بیم آن می‌رود که سرانجام اینگونه اعمال به جنگ داخلی و برادرکشی بیانجامد.

کشاورزان متحصن در دادگستری گنبد کاووس  
 نصرالله کلبانی - امانلی جعفربای - سیدحسین آزاده میلانی -  
 محمدقلی کوچکی - رضا خراسانی زاده - محمد فاریابی - محمدرضا  
 معصومی - عبدالله سپاهی - محمد چنگیزی - ولی الله پارسا -  
 علی اکبر دادگر - رمضان خسروی - مهدی بابایی - علی اکبر طهرانی -  
 جواد عامریان - محمد هاشمیه - علی اصغر ترابی - جواد عابدیان -  
 محمد مفتون - بهزاد محجوبی - احمد توفیقیان - محمود یغمائی -  
 اشراق اشراقی - دهقان خسروی - غلامحسین ابوطالبی - عباس  
 رزاقی - محمد اعتباری - مسعود یغمائی - غلام شهرکی - عباس  
 فریابی و هزاران امضاء دیگر.

آیندگان ۲۴ اسفند

### نام عده‌ای از غاصبین و زمینداران بزرگ ترکمن صحرا

- |                            |   |
|----------------------------|---|
| ۱- احمد محمدی              | ۸۰۰۰ هکتار                                |
| ۲- حاجی قوشان جعفربای      | ۳۰۰۰ هکتار (نماینده اویسی جلاد)           |
| ۳- حاجی ایل محمد بیک زاده  | ۳۰۰۰ هکتار (کارخانه‌دار معروف)            |
| ۴- شریف امامی              | ۳۰۰۰ هکتار (نخست وزیر اسبق)               |
| ۵- شاهپور غلامرضا پهلوی    | ۴۰۰۰ هکتار                                |
| ۶- شاهپور عبدالرضا پهلوی   | ۳۵۰۰ هکتار                                |
| ۷- شمس پهلوی               | ۳۰۰۰ هکتار                                |
| ۸- هزبر یزدانی             | ۸۰۰۰ هکتار                                |
| ۹- عبدالله آخوندزاده       | ۳۰۰۰ هکتار                                |
| ۱۰- ولی الله پارسا         | ۳۰۰۰ هکتار                                |
| ۱۱- خندان                  | ۵۵۰۰ هکتار (دیوان - رحمان)                |
| ۱۲- حاجی فتح اله منتظری    | ۳۰۰۰ هکتار                                |
| ۱۳- قوجقی                  | ۲۰۰۰ هکتار (حاجی بایرام‌دردی - حاجی جمعه) |
| ۱۴- مرسل آسوده             | ۱۰۰۰ هکتار                                |
| ۱۵- وزارت دفاع (شاه مزرعه) | ۸۰۰۰ هکتار                                |
| ۱۶- حاجی نظر سرشار         | ۱۰۰۰ هکتار (معروف به نظر گوگجه)           |
| ۱۷- مشهد ماسوریان          | ۱۰۰۰ هکتار                                |

۸۰۰۰ هکتار	۱۸- رحمان خان آلبا
۳۰۰۰ هکتار	۱۹- حاجی خلوت هوزیاری
۲۵۰۰ هکتار	۲۰- صفر حاجی نظری
۱۵۰۰ هکتار	۲۱- ارازقلی شیرمحمدلی
۲۰۰۰ هکتار	۲۲- ارازعلی شمالی
۱۵۰۰ هکتار	۲۳- تیمسار پالیزبان
۴۰۰ هکتار	۲۴- تیمسار هاشمی نژاد
۴۰۰ هکتار	۲۵- تیمسار اویسی
۶۰۰ هکتار	۲۶- تیمسار دهش پور
۲۰۰ هکتار	۲۷- تیمسار جم
۳۰۰ هکتار	۲۸- تیمسار کوهرنگی
۲۰۰ هکتار	۲۹- تیمسار شفقت
۱۰۰ هکتار	۳۰- تیمسار بیگلری
۳۵۰۰ هکتار	۳۱- تیمسار جهانگیر
۳۰۰ هکتار	۳۲- تیمسار انصاری
۱۰۰ هکتار	۳۳- تیمسار اسکونی
۲۰۰ هکتار	۳۴- تیمسار وشمگیر
۲۰۰ هکتار	۳۵- تیمسار قره باغی
۱۰۰ هکتار	۳۶- تیمسار بدره ای
۱۵۰۰ هکتار	۳۷- تیمسار امجدی
۸۰ هکتار	۳۸- تیمسار نقدی
۱۵۰ هکتار	۳۹- تیمسار موقت
۸۰ هکتار	۴۰- سرهنگ جلالی
۸۰ هکتار	۴۱- سرهنگ ارمی
۸۰ هکتار	۴۲- سرگرد مجاهدیه
۵۰۰ هکتار	۴۳- سرهنگ بزرگیان
۴۰۰ هکتار	۴۴- نازجان نظری
۲۰۰۰ هکتار	۴۵- جرجانی (گرگانی)
۳۰۰۰ هکتار	۴۶- شیرمحمدلی
۵۰۰ هکتار	آشور حاجی منگلی)
۱۰۰۰ هکتار	۴۷- میرسعیدی
۸۰۰ هکتار	۴۸- ایگدری
	۴۹- حاجی آق اوپلی قلیچ زاده
(معروف به ارازقلی شوروی)	
(کارخانه دار معروف)	
(معاون شهربانی کل کشور)	
(حسین - بهمن و منصور)	
(حاجی آنه قربان - حاجی	
(رئیس دادگستری سابق گنبد)	
(حاجی قاقا- حاجی ارازقلیچ خان)	
(معروف به آق اوپلی قره شور)	

(نماینده سابق مجلس شورای ملی)	۳۰۰ هکتار	۵۰- مهدی تهرانی
(راننده رضاشاه)	۱۲۰۰ هکتار	۵۱- ایزد
(وزیر کشاورزی اسبق)	۴۰۰ هکتار	۵۲- روحانی
(سردسته چماق بدستان قانون)	۴۰۰ هکتار	۵۳- بهمن دولتشاهی
(مدیرعامل فروشگاه پوشاک فرح)	۴۰۰ هکتار	اساسی)
		۵۴- جهان دیده
		پهلوی)
(بهمن - جلال)	۵۰۰ هکتار	۵۵- نورسی
(امان الله - حسین)	۵۰۰ هکتار	۵۶- صالحی
(رمضان - یحیی)	۱۰۰۰ هکتار	۵۷- خسروی
(حاجی علی اسلامی اصل)	۶۰۰ هکتار	۵۸- علی پهلوی
(معروف به پورجان قوجق)	۵۰۰ هکتار	۵۹- پورجان خوجملی
(معروف به حمید بیچاره)	۱۵۰۰ هکتار	۶۰- حاجی خمید آشورمحمدی
(رئیس دادگستری سابق)	۱۵۰۰ هکتار	۶۱- سید محمود میلانی آزاده
(نادرجان - قربان خان)	۳۰۰۰ هکتار	۶۲- نادر زاده
	۸۰۰ هکتار	۶۳- محمد فاریابی
	۲۵۰۰ هکتار	۶۴- کمک و خدرشیخی
	۲۰۰۰ هکتار	۶۵- بایرام گلدی خان نفس پور
	۲۰۰۰ هکتار	۶۶- شاه نظرخان بیگدلی
	۱۰۰۰ هکتار	۶۷- قربان گلدی سعدی
	۸۰۰ هکتار	۶۸- حاجی ارازعلی ارازی
	۸۰۰ هکتار	۶۹- حاجی حالی قلیچ تقانی
	۳۰۰۰ هکتار	۷۰- حاجی خداقلی نجم الدین
	۸۰۰ هکتار	۷۱- عطا محمدی
	۵۰۰ هکتار	۷۲- فیروزی
	۳۰۰۰ هکتار	۷۳- محمد علی عارف
	۱۰۰۰ هکتار	۷۴- گلچین
	۱۲۰۰ هکتار	۷۵- قاسم خان مقصدلو
	۵۰۰ هکتار	۷۶- محمود نوروزی
	۵۰۰ هکتار	۷۷- اعتباری
	۳۰۰ هکتار	۷۸- مهندس مقدادی
	۴۰۰ هکتار	۷۹- مختار زاده
	۵۰۰ هکتار	۸۰- همایونی

- ۸۱ - اکبری ۴۰۰ هکتار
- ۸۲ - مجتبی طباطبانی ۶۰۰ هکتار
- ۸۳ - آوانسیان آرزومیان ۸۰۰ هکتار
- ۸۴ - سازگار ۱۵۰۰ هکتار
- ۸۵ - قنبر آذری ۳۰۰ هکتار
- ۸۶ - بیوک هدایتی ۴۰۰ هکتار
- ۸۷ - حاجی حقیقت (یغمائی) ۱۰۰۰ هکتار
- ۸۸ - مجید مرجانی ۴۰۰ هکتار
- ۸۹ - رحمان خان قلی زاده ۸۰۰ هکتار
- ۹۰ - ملاراز قرنجیک ۵۰۰ هکتار
- ۹۱ - شیرگلی ۴۰۰ هکتار
- ۹۲ - یوسف قرجه ۱۵۰۰ هکتار
- ۹۳ - مختومقلی حاجی کم ۸۰۰ هکتار
- ۹۴ - آنه بردی قره قولپاقی ۱۵۰۰ هکتار
- ۹۵ - قربان محمد قابل ۳۰۰۰ هکتار
- ۹۶ - خادمیان ۴۰۰ هکتار
- ۹۷ - عبدالغفور مشرقی ۵۰۰ هکتار
- ۹۸ - قربان دلجه ۷۰۰ هکتار
- ۹۹ - آی محمد آقپور ۷۰۰ هکتار
- ۱۰۰ - آنه قلیچ آخوند نقشبندی ۵۰۰ هکتار
- ۱۰۱ - اخی (عبدالرحیم) گرکزی ۶۰۰ هکتار
- ۱۰۲ - حاجی حیدرقلی پوری ۳۰۰ هکتار
- ۱۰۳ - مخدااعتصامی ۱۵۰۰ هکتار
- ۱۰۴ - مامی شیرحبیب ایشان ۶۰۰ هکتار
- ۱۰۵ - عطا حاجی نظری ۴۰۰ هکتار
- ۱۰۶ - عبدالله سپاهی ۵۰۰ هکتار

## چگونگی فعالیت شورائی روستائیان ترکمن صحرا

- ضروریات و زمینه‌های ایجاد شوراهای روستائی در ترکمن صحرا  
خلق ترکمن که مدت نیم قرن در زیر شدیدترین فشارهای دیکتاتوری از  
ابتدائی‌ترین حقوق خویش محروم مانده بود و هرگونه ندای آزادی  
خواهی‌اش برای رهایی از ظلم و ستم غاصبین و زمینداران وابسته به‌دربار  
و عناصر و ایادی شاه خائن، به‌وحشیانه‌ترین صورت سرکوب می‌گردید. با  
قیام شکوهمند بهمن ماه به‌زندگی نوینی پای نهاد دیگر دیکتاتوری بهلوی  
درهم فرو ریخته بود. حال زمان آن رسیده بود که بجای زمینداران و  
سرمایه‌داران و مباشران آنها خود روستائیان ترکمن اداره زمینها را به‌عهده  
گیرند. و بر هستی خویش مسلط شوند. مبارزه روستائیان بر علیه غاصبین  
و زمینداران بزرگ مبارزه‌ای همگانی و جمعی بود، مبارزه‌ای که زبان حال  
مشترک تمام زحمتکشان روستاها بوده و کوچک و بزرگ و پیر و جوان را  
متحد و یکپارچه به‌میدان می‌کشید، مبارزه‌ای طبقاتی که از طرف توده‌های  
تحت ستم بر علیه زمینداران بزرگ جریان می‌یافت. روستائیان بزودی  
برای اداره زمینهای خویش و برای برقراری نظم در امر کشت زمینها  
تعدادی از ریش‌سفیدان روستا را به‌نماینده‌گی انتخاب نمودند، ولی بلافاصله  
چون مبارزه آنها از تحرکی خاص برخوردار بود جای ریش‌سفیدان و  
معتدیان روستا را جوانان انقلابی و پرشور و پر انرژی روستاها گرفته و  
به‌سازماندهی مبارزات روستائیان و منظم کردن امور مربوط به‌کشت و  
نگهداری و حفظ زمینها پرداختند، کم‌کم شوراها از دل مبارزات  
زحمتکشان بیرون آمد و کنترل و حفاظت زمینها و جلوگیری از توطئه‌های  
غاصبین و زمین‌داران بزرگ همچنین سازماندهی مبارزات توده‌های مردم را



بعهده گرفت. این کاملاً حرکتی خودبخودی بود که ضروریات جنبش توده‌ای آنرا ایجاب کرده بود و در رابطه با پیوند روشنفکران انقلابی ترکمن صحرا با حرکات روستائیان تحت ستم گسترش و تکامل یافت، علاوه بر این سابقه کار جمعی و شورایی در فرهنگ خلق ترکمن نیز زمینه بسیار مناسبی در تکامل و گسترش شوراها و پذیرش کامل آن توسط روستائیان، علیرغم دسائس مرتجعین و سرمایه‌داران گردید.

#### نحوه انتخاب اعضای شوراها و روستایی

بهمرور که مبارزه روستائیان بر علیه زمینداران بزرگ شکل گرفت شوراها نیز صورتی واقعی‌تر یافت و اعضاء شوراها از بین فعالترین و انقلابی‌ترین روستائیان انتخاب گردیدند. زحمتکشان روستاها در اجتماعی مرکب از تمام اهالی روستا و شور و مشورت با یکدیگر در انتخاباتی آزاد و واقعی نمایندگان شوراها را که معمولاً بین ۵ تا ۷ نفر می‌باشد انتخاب می‌نمایند و حدود اختیارات و وظایف آنها را یادآوری می‌کنند. مدت عضویت نمایندگان منتخب مردم در شوراها بستگی به رضایت آنان از وی داشته و در هر لحظه‌ای که مردم اراده نمایند، نمایندگان جدیدی را جایگزین نمایندگان غیرفعال شورا خواهند کرد. اعضای شورا با اطلاع و آگاهی از خواست مردم در ارتباط با آنان و با مشورت با آنان به پیش برد اهداف مشخص روستائیان در جهت احقاق حقوقشان در رابطه با ستاد مرکزی شوراها و ترکمن صحرا می‌پردازد.

#### وظایف شوراها و روستایی.

وظایف عمده شوراها و روستایی مدیریت در کشت زمینهای روستاهاست. در واقع هم اکنون در ترکمن صحرا کلیه زمینهای زراعی بازپس گرفته شده از غاصبین و زمینداران بزرگ در محدوده هر روستا به تمامی زحمتکشان آن روستا تعلق داشته و اداره آن بدست شوراها سپرده شده است. سازماندهی تولید و چگونگی تشکیل گروههای کار از بین روستائیان برای کار در زمینهای مختلف بعهده شورا قرار دارد. معمولاً بجز محدوده‌ای از زمینهای روستا که به کشت گندم اختصاص می‌یابد و همه زحمتکشان مشترکاً به کار روی آن می‌پردازند بقیه

زمینهایی که محصولات دیگری در آنها کشت می شود توسط شورا به افراد علاقمند به کار در آن با قرعه کشی برای یکدوره کشت تعلق می گیرد و کلیه هزینه های آن از طرف صندوق شورا که متعلق به اهالی روستاست تامین گردیده و موقع برداشت محصول توسط گروهی که روی آن کار کرده اند هزینه ها مجدداً به صندوق شورا واریز می شود. علاوه بر این روابط و ارتباطات روستاها حل و فصل خرده اختلافات روستائیان باهم، تهیه امکانات کشت و برداشت محصول و در واقع نظارت بر تولید و تنظیم نحوه توزیع آن بعهد شوراهاست. تعیین سهم صندوق شورا از درآمد حاصله با نظر اهالی به توسط شورا انجام می پذیرد. در واقع کلیه امور اقتصادی روستا و ارتباطات آن با ارگانهای دولتی مناطق مختلف، رسیدگی به وضع روستا و مسائل خصوصی و عمومی مردم همگی به عهده شوراهاست. شوراها روستایی نمایندگان تام الاختیار روستائیان هستند. شوراها ارگانهای حاکمیت توده ها و عامل تشکل و سازماندهی و پیشبرد مبارزات آنانند. شوراها روستایی از محل صندوق شورا که سهمی از محصول به آن تعلق می گیرد در حد توان خویش به فعالیت عمرانی از قبیل ساختن مدرسه، حمام، کتابخانه، راه و پل نیز می پردازند. همچنین بودجه ای برای اعزام بیماران به شهر و درمان بیماران در حالت های اضطراری نیز اختصاص می دهند.

#### فعالیت های سیاسی شوراهای روستایی

شوراهای روستایی دارای ارتباطی نزدیک و همه جانبه با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا هستند. مبلغین ستاد مرکزی که مرتباً برای راهنمایی در جهت حل مسائل شوراها و مردم به روستاها می روند در ارتباطی تنگاتنگ با اعضای شوراها بوده و دقیقاً آنها را در جریان تحول مسائل منطقه و همچنین تغییر و تحولات کشور قرار می دهند و ساعتی را با هم می گذرانند، آنان را به حقوقشان و چگونگی برخورد با زحمتکشان و پیشبرد مسائل و مشکلات روستائیان آگاه می سازند. اعضای شوراهای روستایی نیز در اجتماع تمام اهالی روستا که بطور معمول هفته ای یکبار تشکیل می شود، گزارشی از کارهای خود را به زحمتکشان ارائه می دهند. و نیز برای آگاهی آنان از وقایع و مسائل جامعه با زبانی ساده و به تشریح

مسائل سیاسی در حد توان خویش می‌پردازند و فعالیت‌ها و حرکات ستاد مرکزی شوراهای و چگونگی پیشرفت امور مربوط به زحمتکشان را به آنها گزارش می‌دهند. در مورد مسائل حادی که در منطقه وجود دارد نظریات آنان را جویا می‌شوند و به مشورت و تصمیم‌گیری جمعی درباره این مسائل می‌پردازند. همچنین شرحی از مخارج و هزینه‌ها را به آنان ارائه می‌دهند شوراهای روستائی همچنین وظیفه دارند که نظریات مردم را به ستاد مرکزی شوراهای انتقال دهند و مسائل آنان را مطرح سازند و مشترکاً به چاره‌جویی کارها پردازند.

#### اتحادیه‌های روستایی در ترکمن صحرا

ضرورت ایجاد اتحادیه‌های روستایی ترکمن صحرا از زمانیکه دهقانان به اتحاد و یکپارچگی هرچه بیشتر برای پیشبرد مبارزه خود بر علیه زمینداران بزرگ و غاصبین پی بردند در بین آنان احساس گردید. روستائیان که برای بازپس گرفتن زمینهایشان همچنین برای کشت و نگهداری آنها و مبارزه بر علیه تمامی توطئه‌ها و دسیسه‌های عناصر ارتجاعی و زمینداران بزرگ به ضرورت همکاری با زحمتکشان روستاهای اطراف پی برده بودند. به صورت خودبخودی با شوراهای روستایی اطراف خود، تماسهایی برای همکاری با روستاهای اطراف برقرار کرده و جهت هماهنگی و همکاری در امر کشت زمینها و سایر امور، اتحادیه‌های روستایی را بوجود آوردند. هم‌اکنون تعداد ۲۵ اتحادیه روستایی در سرتاسر ترکمن صحرا به فعالیت مشغول است. و هر اتحادیه بر اساس فواصل روستاها و ضوابط جغرافیایی از ۷ تا ۱۴ روستا را در بر می‌گیرد. اعضای اتحادیه روستایی هر منطقه از يك نماینده معرفی شده از طرف هر يك از شوراهای روستایی آن منطقه تشکیل می‌شود و هفته‌ای يك بار جلسه اتحادیه در یکی از روستاهای عضو اتحادیه تشکیل و به بررسی مسائل منطقه خود می‌پردازد. و تصمیمات لازم را بر اساس رهنمودهای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا هماهنگ با سایر مناطق و روستاهای ترکمن صحرا اتخاذ و در جهت انجام آن بین شوراهای تقسیم کار می‌کنند.

#### وظایف و مسئولیت‌های اتحادیه‌های روستایی

اتحادیه روستایی ارگانست که جهت هماهنگی کار شوراهای روستائی و

نتیجتاً ایجاد سازماندهی جمعی برای پیشبرد امور مختلف روستاها بوجود آمده است. اتحادیه‌های روستایی وحدت و یکپارچگی زحمتکشان را برای مبارزه‌ای هماهنگ و متشکل در جهت منافع طبقاتی و ملی آنان به پیش می‌راند. اتحادیه‌های روستایی با جمع‌آوری کلیه ماشین‌آلات و سایر ابزار و وسایل تولید از روستاهای تابعه خود، امکان استفاده از همه امکانات چندین روستا را در اختیار تک تک شوراهای عضو قرار می‌دهد. همچنین ماشین‌آلات مصادره شده از غاصبین و زمین‌داران بزرگ در اختیار اتحادیه قرار داشته و هر يك از شوراهای عضو براساس ساعت کاربرد ماشین‌آلات، سهم خویش را در تعمیرات و هزینه‌های سوخت آنها به اتحادیه پرداخت می‌نمایند.

تشکل شوراهای در اتحادیه پیشبرد بسیاری از امور روستاها را تسریع کرده و از پراکنده کاری آنان جلوگیری می‌کند. در امر کشت و همچنین مقابله با زمین‌داران بزرگ نیروی جمعی گسترده‌ای را متشکل می‌سازد و گرایشات جمعی را در روستائیان تقویت می‌کند و اختلافات جزئی بین روستاها را که در گذشته بطور غیر اصولی تشدید می‌شد برطرف می‌سازد. اتحادیه‌های روستایی سازماندهی مناسبی برای استفاده از نیروی توده‌ها در پیشبرد امر آنان است. اتحادیه‌های روستایی ارگانی مردمی است که به کلیه امور محدودۀ روستاهای عضو اتحادیه رسیدگی کرده و در ارتباط تنگاتنگ و نزدیک با مردم و با همفکری با آنان به پیشبرد مسائل و خواستهای آنان و مبارزاتشان می‌پردازد. جلسات هفتگی اتحادیه‌ها مسائل سیاسی و اوضاع مملکت را نیز مورد بررسی قرار میدهد و سیاست‌های حاکمیت را در رابطه با مسائل ارضی با کمک و همفکری ستاد مرکزی شوراها برای اعضای خود می‌شکافد، مسئولینی که از طرف ستاد مرکزی در جلسات اتحادیه‌ها شرکت می‌کنند به ارزیابی و بررسی کار اتحادیه، دادن رهنمود به آنها، و آگاه کردن آنان نسبت به وظایف، مسئولیتها و مسائل سیاسی روز پرداخته و در ارتباط نزدیک با اعضای اتحادیه مسائل روستاهای عضو اتحادیه را بررسی می‌نمایند.

اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا

ترکمن صحرا منطقه بسیار وسیعی است که از بندر ترکمن در کرانه‌های

دریای خزر تا کوههای جرگلان در حوالی بجنورد امتداد یافته است، خلق ترکمن به همراه زحمتکشان غیر بومی در روستاهای این منطقه وسیع عمدتاً به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند. زمینهای کشاورزی حاصلخیز این منطقه عموماً در ابعادی بزرگ به مالکیت زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران وابسته درآمد و این غاصبین در کل منطقه ترکمن صحرا پراکنده بوده و در رابطه با رشد مبارزات زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا در جهت تشکل ضدانقلابی خویش با همکاری با مرتجعین محلی و بعضی از عناصر دولتی و ژاندارمری منطقه اقدامات فراوانی نموده‌اند، پیشبرد مبارزات توده‌های روستایی در جهت بیرون راندن و کوتاه کردن دست آنان از زندگی زحمتکشان ضرورت تشکل یکپارچه تمامی زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا را ایجاب می‌نمود. برای اتخاذ سیاستی واحد و عملکرد یکسان و همه جانبه در کل منطقه وسیع ترکمن صحرا همچنین تصمیم‌گیری جمعی‌تر و تعیین خط‌مشی برای پیشبرد و حل و فصل مسائل مربوط به کشت و داشت و برداشت محصول و تامین احتیاجات در سطحی بالاتر نیاز به ارگانی هماهنگ کننده از خود توده‌ها را الزامی ساخته بود، روی این اصل اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا شکل گرفت و به ارگانی متکی به توده‌ها و متجلی از درون مبارزات توده‌ها آشنا به مسائل و مصائب، درگیر با مبارزات روزمره آنان تبدیل گردید.

**وظایف و مسئولیتهای اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا**

اتحادیه سراسری متشکل از نمایندگان اتحادیه‌های روستایی مناطق مختلف ترکمن صحرا است. از هر اتحادیه روستایی که خود از نمایندگان شوراهای روستایی تابعه تشکیل گردیده ۲ نماینده برای اتحادیه سراسری انتخاب شده و نمایندگان مزبور اعضای اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا را تشکیل می‌دهند. اتحادیه سراسری هفته‌ای یکبار در محل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا تشکیل جلسه داده و نمایندگان هر اتحادیه به‌طرح و گزارش مسائل منطقه خود می‌پردازند و شمه‌ای از کارها و فعالیت‌شان را به اتحادیه سراسری گزارش می‌کنند، در این جلسات زحمتکشان خود با مسائل و مشکلات برخورد کرده و به حل و فصل مسائل

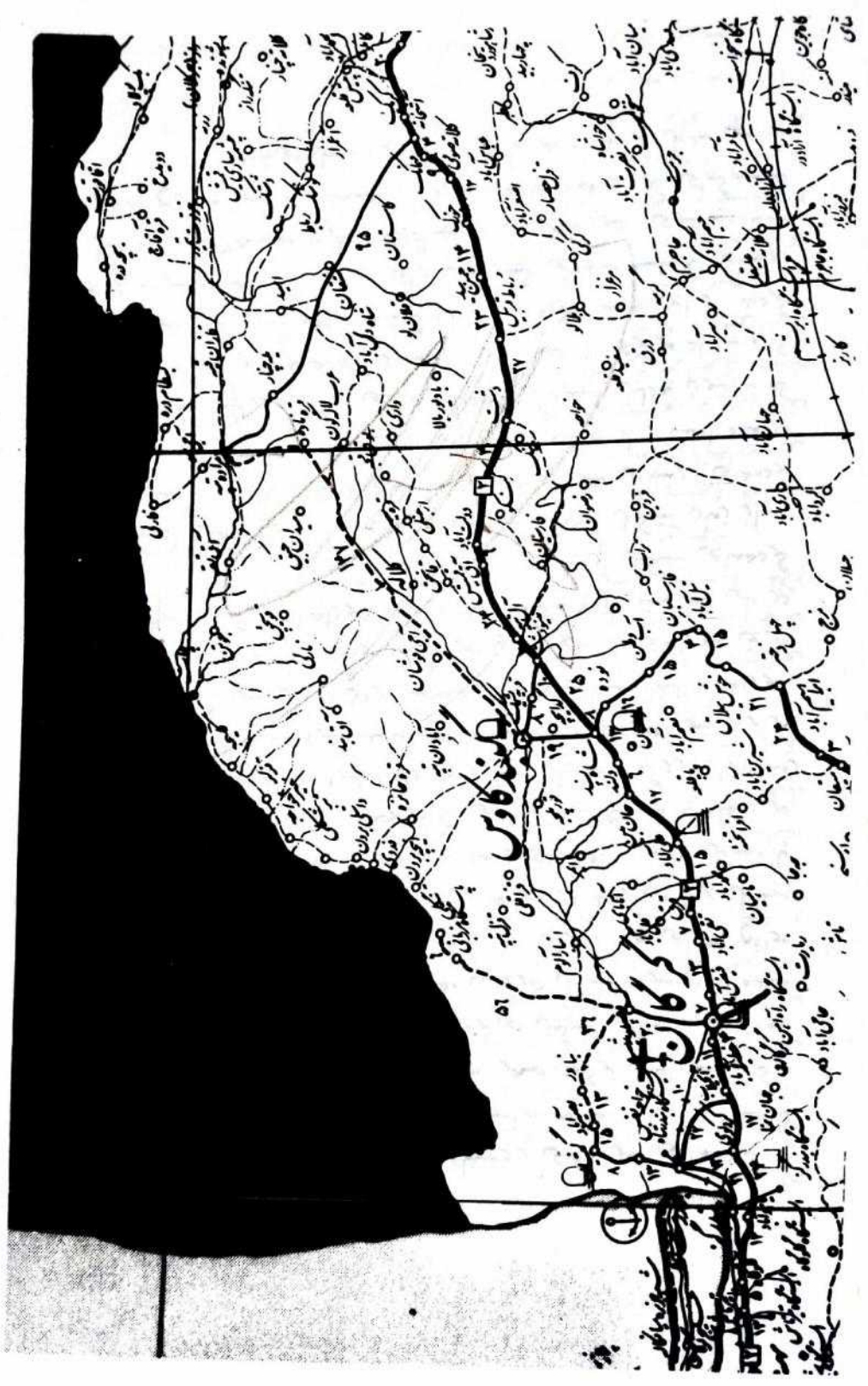
با همکاری و توجه به رهنمودهای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا که توسط مسئولین کمیته روستایی ستاد که در جلسات اتحادیه سراسری شرکت می‌نمایند می‌پردازند اتحادیه سراسری سیاست و چگونگی برخورد حاکمیت و ارگانهای دولتی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و براساس جمع‌بندی مسائل خط‌مشی و اصولی‌ترین شیوه مبارزه روستائیان را تعیین می‌نماید، همچنین از طرف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا مسائل سیاسی در قسمتی از جلسات اتحادیه سراسری به بحث گذارده می‌شود. و در واقع در جلسات چندین ساعته اتحادیه سراسری به گزارش دهی مسائل اتحادیه توسط اعضاء بررسی مسائل ارضی منطقه براساس گزارشات، تعیین خط‌مشی سیاسی در هفته بعد و چگونگی پیشبرد امور روستاها، همچنین طرح و بحث مسائل سیاسی عمده برای اعضاء اتحادیه سراسری جهت آشنائی آنان و انتقال آن به اتحادیه‌های روستایی مناطق مختلف پرداخته می‌شود. علاوه بر این در جلسات اتحادیه سراسری روستایی بنابه‌ضرورت و پیشنهادات اعضاء آن در برابر مقامات دولتی و ارگانهای مختلف حاکمیت موضع‌گیری سیاسی با نام اتحادیه انجام پذیرفته و اعلام همبستگی با مبارزات کارگران و زحمتکشان سایر نقاط نیز می‌شود.

اتحادیه سراسری طرف مذاکره با ارگانهای دولتی برای پیشبرد خواست روستائیان در زمینه‌های مختلف بوده، و بیشتر اوقات نمایندگان اتحادیه این مسائل را تعقیب و نتیجه آنرا از طریق اتحادیه‌های روستایی و شوراهای روستایی به زحمتکشان گزارش می‌نمایند. تا کنون اتحادیه سراسری جهت افشای عناصر ضد‌مردمی و ضدانقلابی و سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ اعلامیه‌هایی انتشار داده است همچنین خبرنامه ترکمن صحرا که نشریه هفتگی اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا است با همکاری نزدیک اعضاء اتحادیه‌های روستایی انتشار می‌یابد و به‌طرح مسائل و اخبار مناطق آنان می‌پردازد. مسائل مطروحه در جلسات اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا معمولاً درخبرنامه ترکمن صحرا برای اطلاع و آگاهی هرچه بیشتر زحمتکشان روستاها از مسائل مطروحه در جلسات و تصمیم‌گیریها انعکاس می‌یابد و خلاصه‌ای از مسائل گزارش می‌شود.

### گردهم آئی شوراهای روستایی ترکمن صحرا

تا قبل از ایجاد اتحادیه سراسری روستایی با ابتکار و بنا به دعوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا جلساتی در گنبد متشکل از نمایندگان کلیه شوراهای روستایی تشکیل می‌گردید، غرض از گردهم آیی شوراهای بطور عمدۀ طرح سریع مسائل ضروری مطروحه در منطقه در شرایط خاص و در مواقع بحرانی بوده و برای قرار گرفتن توده‌های روستایی در جریان امور و مسائل برپا می‌گردید در شرایط و اوضاع و احوالی که مردم چه در رابطه با مسائل ارضی و اقتصادی و چه در رابطه با مسائل سیاسی حاد همچنین در رابطه با مشکلات و موانعی که مرتجعین سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ و حامیان آنها بر سر راه پیشبرد مسائل توده‌ها برای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فراهم نمایند، ضرورت تشکیل گردهم آیی شوراهای و انتقال مسائل به آنان و همچنین بردن مسائل بدرون زحمتکشان از طریق شوراهای روستایی امری ضروری و موفقیت‌آمیز بوده است. تا کنون در طی فعالیت یازده ماهه ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا ۹ گردهم‌آیی تشکیل گردید.

از زمان تشکیل اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا ارتباط با توده‌های روستایی بطوری اصولی سازمان یافته و به صورت همیشگی درآمدۀ است و از جانب دیگر امکان تماس گسترده با توده‌های وسیعتری که تا کنون به دلیل گستردگی منطقه، پیچیدگی مسائل و تراکم بیش از اندازه کار، ستاد مرکزی از عهده آن به صورت دلخواه بر نمی‌آمد فراهم گردید. از این به بعد علاوه بر وظایف گذشته گردهم آیی این شوراهای روستایی به جلسه مشورتی گسترده‌ای برای بررسی کار اتحادیه سراسری و ستاد مرکزی شوراهای دادن پیشنهادات و طرح مشکلات و مسائل تصمیم‌گیری کلی و همه جانبه در مورد آن، همچنین بررسی و طرح مسائل سیاسی تبدیل گردیده و تقریباً هر ماه یکبار تشکیل می‌شود.



کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس

کرمین کاؤس



از انتشارات

«کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن»  
و  
«ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا»

۱۷۵ ریال    دیجیتال کننده : نینا پویان